چگونه فرزندانی موفق در تحصیل داشته باشیم؟

مسعود شاه محمدپور









بسم الله الرحمن الرحیم

چگونه فرزندان موفق در تحصیل داشته باشیم؟

نویسنده:

صمد شاه محمدپور

ناشر چاپی:

میراث انبیاء(ع)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

چگونه فرزندان موفق در تحصیل داشته باشیم؟

مشخصات کتاب

سرشناسه : شاه محمد پور، صمد، ۱۳۵۵ -

عنوان و نام پدیدآور : چگونه فرزندان موفقی در تحصیل داشته باشیم؟/ صمد شاه محمدپور.

مشخصات نشر : قم: میراث انبیاء(ع)، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری : ۱۳۶ ص.؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س م.

شابک : ۱۵۰۰۰۰ ریال:۹۷۸-۶۰۰-۹۶۴۵۸-۵-۵

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۳۰ - ۱۳۶.

موضوع : شاگردان -- روان شناسی

موضوع : Students -- Psychology

موضوع : موفقیت تحصیلی -- برنامه ریزی

موضوع : Academic achievement -- Planning

موضوع : مدرسه ها -- برنامه های بهبود آموزش

موضوع : School improvement programs

رده بندی کنگره : LB۱۱۱۷/ش۲۴چ۸ ۱۳۹۵

رده بندی دیویی : ۳۷۲/۱۸۱

شماره کتابشناسی ملی : ۴۵۴۸۶۰۷

شماره تماس جهت سفارش کتاب:

۰۹۱۹۷۷۰۴۲۷۰

اشاره

فهرست

منابع ۱۵۴

ص: ۶

سخن نویسنده

خواننده محترم؛ کتابی که پیش رو دارید، یک جلد از کتاب «چگونه فرزندان موفق در تحصیل داشته باشیم؟» است.

نگارش کتاب حاضر بهنحوی است که کاملاً ساده و کاربردی به موضوع یاد شده میپردازد و با ذکر مثال و ارائه پیشنهادات مختلف به والدین عزیز یاری میرساند.

البته لازم به ذکر است در تمام مراحل نگارش، جنسیت و مقاطع مختلف تحصیلی فرزندان در نظر گرفته شده است.

کتابهای این مجموعه برای استفاده والدین در جهت راهنمایی فرزندان از دوره ابتدایی تا انتهای دوره دبیرستان تهیه شده است.

البته کتابهای این مجموعه با وجود مشترک بودن جمعیت هدف، از نظر موضوع دارای مطالب مستقلی میباشند.

عناوین این کتابها عبارتند از:

- چگونه فرزندان موفق در تحصیل داشته باشیم؟

- چگونه فرزندان خود را درک کنیم؟

- چگونه باورهای انسانی را در شخصیت فرزندانمان تثبیت و تقویت کنیم؟

- چگونه فرزندان متعادلی در دوران بلوغ داشته باشیم؟

- چگونه فرزندان باهوش و خلاق داشته باشیم؟

- چگونه فرزندان باحیاء داشته باشیم؟

- خودآگاهی

شاید بتوان گفت این کتابها مجموعهای است آموزشی تا والدین ضمن فراگیری موضوعات مختلف از زندگی فرزندان و آشنایی با بخشهای متنوع آن، با مباحث مهم تربیت فرزند بهنحو کاربردی نیز آشنا شوند.

موفقیت و سرافرازی همه ایرانیان عزیز، آرزوی من است.

ص: ۸

سپاس گزاری

نگارش و تدوین این مجموعه کتابها بدون کمک همکاران و دستیاران من انجام نمیشد.

از خانمها نیلوفر سلیمانی زاده و عطیه سادات غفوری که سخنرانیهای مرا پیاده سازی نموده و مطالب را دستهبندی و با دقت نظر ویرایش کردند، بسیار متشکرم.

همچنین از خانم هانیه خزایی بابت آماده سازی کتاب برای چاپ و طراحی آن سپاس گزارم.

از همسرم برای همه عشق و محبتی که نثار من کرد و در پیشبرد این مجموعه کتابها مشوق من بود؛ و از فرزندانم امیرحسین و علیحسین که انگیزه اصلی من برای نگارش این کتابها بودند، متشکرم. ایندو، بهانه های من برای جریان عشق در زندگی هستند.

شاه محمدپور

مقدمه

*آیا تحصیلات فرزندم باید برای من مهم باشد؟ چرا؟

*آیا امور درسی فرزندم فقط به او و مدرسه مربوط میشود؟

*آیا من بهعنوان پدر میتوانم نقش سازندهای در امور درسی فرزندم داشته باشم؟

*آیا طبیعی است که فرزندم گاهی نسبت به درس بیعلاقه باشد؟

*چگونه میتوانم به امور درسی فرزندم رسیدگی کنم؟

والدین گرامی! تربیت فرزندان مسئولیتی است مهم، مشکل، زمانگیر و البته بسیار لذتبخش.

هرچه زمان میگذرد، فرزند ما بزرگ و بزرگتر میشود. خواندن و نوشتن میآموزد و علم و ادب را چراغ راه خود می کند. او بر فضیلت های انسانی خود می افزاید و ما با ارائه مشاوره و راهنمایی، دخالت و مراقبتهای خردمندانه، کمک می کنیم تا فرزندمان موفقیت بهتری را در زندگی تجربه نماید.

لذا در این راستا یکی از مسیرهایی که عموم فرزندان ما آن را طی میکنند، مسیر تحصیل است. والدین مسئول، فرزند خود را در این مسیر تنها نگذاشته و در کنار او خواهند بود. این کتاب به شما والدین عزیز کمک میکند تا بتوانید به صورت کاربردی و دقیق، امور درسی و تحصیلی فرزند خود را پیگیری نموده و اشراف لازم را نیز نسبت به آن داشته باشید.

والدین گرامی!

این کتاب، مسیرهای خردمندان های را پیش روی شما می گذارد تا بتوانید با علاقه و روشهای صحیح و کارآمد به امور درسی فرزندان رسیدگی نمایید. همچنین لازم به ذکر است مکتوب حاضر به نحوی نگارش یافته است که مسائل درسی در کنار مسائل تربیتی مطرح شود تا از اثرات و تعاملات هر دو سوی آنها مطلع گردید و از آن استفاده بهینه داشته باشید.

والدین عزیز!

برای مطالعه این کتاب میتوانید با توجه به نیاز و علاقه مندی خودتان به بخشهای مختلف آن مراجعه نموده و از آن استفاده نمایید.

البته توصیه نویسنده این است که کل کتاب را مطالعه نموده و سپس از آن یادداشت برداری کنید.

*والدین محترم!

ما به شما اطمینان میدهیم با مطالعه این کتاب، بر توانمندیهای شما نسبت به رسیدگی در امور درسی فرزندان افزوده شده، و همچنین پرورش و تربیت فرزند برایتان لذت بخش و سادهتر خواهد شد.

ص: ۱۲

فصل اول:چیستی علاقه؟

علاقه چیست؟

مفهوم علاقه به معنای داشتن میل و رغبت برای فعالیت و پرداختن به کار است. علاقه را میتوان مرکب از انگیزش و کنجکاوی دانست؛ علاقه یک آمادگی روانی یا شناختی است که از تمرکز و ترکیب مجموعه ای از احساسات و هیجانها درباره موضوعی معین به وجود میآید.

علاقه یک آمادگی روانی یا شناختی است که از تمرکز و ترکیب مجموعه ای از احساسات و هیجانها درباره موضوعی معین به وجود میآید.

شخص با انگیزه و علاقه مند، پس از مواجهه با موضوعات جدید، برای شناسایی محیط اطرافش علاقه نشان میدهد و آن را برای یافتن تجارب جدید

ص: ۱۳

بررسی میکند و سرانجام در جست وجوی خود به منظور دستیابی به آگاهی بیشتر، پافشاری و ممارست می نماید. همچنین میتوان علاقه را در کنار عوامل مهم دیگری مانند نیاز، شوق، ارزش و نگرش، از دلایل ایجاد انگیزه و بروز تلاش و رفتار آدمی دانست.

ویژگیهای افرادی که به کار و فعالیت خود علاقه مند هستند، به شرح زیر است:

*برنامهریزی هدفمند دارند؛

*برای پاسخگویی به نیازهای خود تمایل به تغییر و هماهنگی با محیط و افراد گوناگون دارند؛

*از ندانستن ناراحت نیستند و همیشه برای دانستن تلاش مینمایند؛

*به چگونگی راه و روش انجام دادن کارهای خود فکر میکنند؛

*از مشورت کردن و شنیدن نظرات دیگران لذت میبرند؛

*از کار و فعالیت خود خسته نمیشوند و لذت میبرند.

وجود علاقه مندی به تحصیل از این نظر اهمیت دارد که در صورت فقدان آن، پرجاذبه ترین و سودمندترین آموزشها بینتیجه و بیحاصل خواهد بود و هیچ عامل دیگری نمی تواند جایگزین آن در یادگیری شود؛ لذا اگر با توجه به علایق افراد در دریافت و پردازش اطلاعات به آنها آموزش داده شود، پیشرفت تحصیلی آنان افزایش خواهد یافت.

در حقیقت دانش آموزان بی علاقه به تحصیل، با فقدان یا کمبود انگیزه، از جمله عدمانگیزه پیشرفت تحصیلی روبه رو هستند؛ در نتیجه دچار افت تحصیلی می شوند و شرایط شکست تحصیلی آنها فراهم می گردد.

اهمیت ایجاد علاقه مندی به تحصیل در دانش آموزان

به طور کلی می توان گفت که خواندن و مطالعه از دیرباز حتی به روایاتی

ص: ۱۴

مختلف از زمان خلقت انسان وجود داشته است.

زمانیکه حضرت آدم(علیه السّلام) به واسطه سرپیچی از فرمان الهی از بهشت رانده شد، پس از سالها ناراحتی و گریه به فرمان خداوند، توسط فرشته مقرب الهی به او کلمات استغفار آموخته شد تا بدین وسیله طلب بخشش نماید. این حرکت با بهوجود آمدن خط در میان انسانها رونق یافت و در پی آن زبانهای مختلف شکل گرفت؛ از طرف دیگر امامان و پیشوایان اهل دین، اهمیت و ارزش زیادی برای این مسئله قائل بودند. چنانچه مولای متقیان حضرت علی(علیه السّلام) میفرماید:

مَن علَمنی حَرفاً فَقَد صَیَّرَنی عَبداً

هرکس به من جملهای بیاموزد، مرا بنده خویش ساخته است.(۱)

در گذشته و دورانهای مختلف، بسته به شرایط و اوضاع حاکم بر جامعه غربی، مطالعه و کسب علم برخلاف تمدن اسلامی و ایرانی از طرف حاکمان حمایت و یا تضعیف میشد. اما در عصر حاضر (عصر صنعتی شدن) و عصر رونق و پیشرفت، آموزش از اولویت خاصی برخوردار است؛ هر جامعه با اتخاذ نظامها و روشهای آموزشی و پرورشی برتر، سعی در سبقت و کمال انسانی دارد. جامعهای پیروز و سربلند خواهد بود که به سلاح علم و دانش برتر و بهتر مجهز باشد و این امر مستلزم مطالعه، تحقیق و آگاهی افراد و جامعه در زمینه های گوناگون است.

شناخت دوره های حساس تربیتی، یعنی کودکی و نوجوانی، برای والدین و سایر مربیان از اهمیت خاصی برخوردار است. ویژگیهای روانی و مسائل جسمانی در دوره های تا شش سالگی، تا دوازده سالگی، تا پانزده سالگی و بالاخره

۱- جامع السعادات. ج۳. ص ۱۴۱.

از پانزده سالگی تا هجده سالگی که تقریباً دوره دوم نوجوانی محسوب میشود، باید مورد توجه والدین باشد تا تعاملات لازم و عواطف انسانی در روحیات فرزندان نهادینه شود.

اهمیت ایجاد علاقه به تحصیل در دانش آموزان، از همان سالهای ابتدایی ورود به مدرسه سرچشمه می گیرد.

شاید تصور رایج این باشد که اساساً لزومی به وجود علاقه مندی به تحصیل در محصلان نیست؛ چرا که به هر حال اکثر مردم جامعه باید مسیر تحصیلی از دبستان تا حداقل دبیرستان را طی نمایند؛ چه بخواهند و چه نخواهند! پس بعد از اتمام دوره دبیرستان است که میتوانند نسبت به علاقه به ادامه تحصیل فکر کنند و دست به انتخاب بزنند؛ قطعاً این تصور بسیار اشتباه است و اثرات مخربی به همراه دارد.

در واقع اهمیت ایجاد علاقه به تحصیل در دانشآموزان، از همان سالهای ابتدایی ورود به مدرسه سرچشمه میگیرد؛ بنابراین بین اینکه فرزند ما به درس علاقه نداشته باشد و با بیعلاقگی به مدرسه رود، یا زمانیکه به درس علاقه داشته باشد و با میل و رغبت این کار را انجام دهد، تفاوت بسیار است.

نکته!

در ابتدای امر، ذکر این نکته لازم است که بحث ما در مورد علاقه به تحصیل دانشآموزان، ناشی از تفکر و احساس درونی آنها نسبت به کم اهمیت بودن درس و مدرسه و اجباری بودن رفتن به مدرسه است. اما گاهی اوقات بی علاقگی نسبت به مدرسه رفتن آنها، ناشی از یک بیماری مانند: ضعف بینایی یا شنوایی یا حتی کم هوشی و کمحوصله بودن است؛ پس والدین ابتدا باید علت بی علاقگی

به تحصیل فرزند خود را کشف نموده، سپس در راستای آن اقدامات مقتضی را انجام دهند.

رویکرد بحث ما برای موقعیتی است که از فرزند سالمی برخوردار هستیم که بدون هیچ ضعف جسمانی یا روحی، به مدرسه و درس خواندن بی علاقه است. لذا وظیفه ما این است که موضوع را بررسی نموده و منشأ بی علاقگی فرزند خود را شناسایی کنیم تا بتوانیم دلیل یا دلایل شناخته شده را از بین ببریم؛ چرا که در صورت ادامه این بی علاقگی و طولانی مدت شدن آن، اثرات مخرب و زیانباری را بر خود، محیط و اجتماعات اطراف خود وارد خواهد نمود.

والدین امروزی، بهخصوص مادران، حساسیت زیادی درباره تحصیلات و پیشرفت تحصیلی فرزندان خود نشان میدهند. بسیاری از خانوادهها برای رسیدن به موفقیت تحصیلی فرزندشان، سعی میکنند از تهیه هر نوع امکاناتی دریغ نورزند.

البته با توجه به نوع تربیت حاکم بر خانواده و جامعه در روزگار ما، اگر فرزندی به تحصیل بی میل باشد و از سر اجبار به آن تن دهد، اولین پیامد منفی رفتار او این خواهد بود که اعصاب، روح و روان والدین را مستهلک مینماید. در واقع، پیش گرفتن روندی کُند و بی علاقه بودن به تحصیل، با توجه به نوع نگاهی که در دنیای امروز به درس خواندن و کسب علم و دانش وجود دارد، باعث به وجود آمدن نگرانی و ناراحتی در بین خانوادهای میشود که فرزند یا فرزندان آنها با این مورد روبه رو هستند.

در چنین شرایطی است که نگرانی های والدین و اعمال فشار بر فرزندشان در این زمینه سبب تنش و کشمکش بین والدین و فرزند و حتی موجب تنش در محیط خانواده میشود و همین روال سبب نابودی آرامش اعضاء خانواده، به خصوص والدین، خواهد شد.

نتیجه منفی دیگر بی علاقگی دانش آموز به تحصیل، هدر دادن درآمد خانواده

است. به هر صورت تحصیل در دنیای امروز، با خود هزینه های مادی را به همراه دارد که تأمین آن از سوی خانواده صورت می گیرد و اگر فرزند ما با بی علاقگی به درس خواندن بپردازد، در عمل بخشی از درآمد خانواده را به هدر میدهد؛ چرا که در اکثر اوقات عدم وجود میل و رغبت به انجام کاری، نتیجه بخش نبودن آن را تضمین خواهد کرد! بی نتیجه ماندن نیز دقیقاً به معنی از بین رفتن وقت، انرژی و هزینه های مادی صرف شده در امور تحصیلی است.

عدم وجود میل و رغبت به انجام کاری، نتیجه بخش نبودن آن را تضمین خواهد کرد.

حال اگر تصور نماییم که نه به طور کامل، اما بخش اعظم از دست رفتن وقت و انرژی به خود دانش آموز صدمه میزند، اما هدر رفت هزینه های مادی، به طور کامل به سبد مالی والدین خانواده باز می گردد که قطعاً منبع اصلی پرداخت هزینه های لازم در طول سالهای تحصیلی بوده اند. به خصوص نتیجه زمانی بدتر میشود که خانواده به تصور صرف هزینه های چند برابر، ثبت نام در مدارس غیرانتفاعی با شهریه های بالا، استفاده از معلم خصوصی و وسایلی مانند خرید تبلت و لپتاپ جهت استفاده از سیدی های کمک آموزشی، قادر به ایجاد رغبت و انگیزه در فرزند خود خواهند شد، که در بسیاری موارد اینگونه نیست و تصور والدین غلط بوده و عملاً اقدامات آنها نتیجه بخش نخواهد بود.

اثر مخرب دیگر این نوع بی علاقگی مستقیماً بر خود دانش آموز وارد میشود؛ زمانیکه دانشآموز با بیرغبتی درس بخواند، طبیعتاً سطح تحصیلی او دچار افت میشود و هنگامی که در مقام مقایسه خود با دیگر همکلاسیها برمیآید، این افت تحصیلی که دانش آموز را از نظر علمی پایینتر و ضعیفتر از آنها قرار میدهد، سبب کاهش اعتمادبه نفس او نیز خواهد شد.

درهمین راستا، والدین نیز فرزندشان را با دیگر بچه های همکلاسی و همسن او مقایسه می کنند و هنگامی که متوجه ضعف و اختلاف سطح تحصیلی آنها با فرزندشان میشوند، رفتارهای تربیتی آنها، بهجز در حوزه درس و تحصیل، در زمینه های دیگر نیز با او نامناسب میشود؛

مثلاً والدین اقدام به توهین و تحقیر فرزند خود نموده و او را با دیگران مقایسه میکنند. کاهش اعتمادبه نفس و سرکوفته ای والدین سبب می شود که فرزند آنها رفته رفته از دانش آموزان موفق در تحصیل فاصله گیرد و به دنبال گروههای دوستی هم پندار رود؛ یعنی در این شرایط، افرادی همفکر گرد هم میآیند که از نظر میزان علاقه به تحصیل، در یک سطح قرار میگیرند.

بنابراین جمعیتی از بچه های ناموفق در تحصیل گرد هم آمده و یکدیگر را هم پوشانی میکنند و وضعیتی نامطلوب و فاجعه آمیز درسی و گاهی تربیتی را نیز به وجود می آورند.

اصرار بر وجود علاقه مندی به تحصیل در دانش آموزان به همین خاطر است تا چنین تبعات و خطراتی در خانه و خانواده و برای خود دانش آموز به وجود نیاید. چه بسا فرزند ما واقعاً به تحصیل بی علاقه باشد؛ لذا او میتواند به کارها و حرفه های دیگری روی آورد. مثلاً در مغازه مشغول به کار شود یا کنار دست پدر خود، حرفهای را یاد گیرد. در اینصورت فرزند از آسیب های تربیتی و شخصیتی دور بوده و میتواند با شرافت زندگی کند؛ البته این موضوع را به همه والدین توصیه نمیکنیم. لیکن راه حل ارائه شده در بعضی موارد گره گشا بوده و البته چنین موقعیتی صرفاً برای بعضی از دانشآموزان قابل پذیرش و عقلانی است.

فرزندی که دوست ندارد درس بخواند اما به تحصیل مجبور میشود، بیآنکه اقدامی از سوی مدرسه یا خانواده جهت ایجاد میل و رغبت در او صورت گیرد، قطعاً به خود، خانواده و اجتماع صدمات جبران ناپذیری را وارد خواهد نمود؛ لذا مواردی که در بالا اشاره شد، به عنوان اصلی ترین نتایج بی علاقگی به ادامه تحصیل

در شخصی که مجبور به تحصیل است به شمار می آید.

یکی از مهمترین اقداماتی که می تواند در ایجاد علاقه به تحصیل در دانشآموزان مؤثر باشد، نگرش والدین به یادگیری و دانایی است.

بنابراین والدین گرامی توجه داشته باشند که فرزندان پیش از روبه رو شدن با درس و مدرسه، در بدو ورود به مدرسه و بیش از تدارک امکانات و کنترل تحصیلی، به بستر فکری نیاز دارند تا میل و رغبت به تحصیل را در آنها شکوفا و بارور نماید.

اگر تحصیل از سر اجبار باشد و دانشآموز لزوم ادامه تحصیل را نداند و به آن بیرغبت باشد، در آنصورت او رفتاری از خود به نمایش خواهد گذاشت که خسارتهای جبران ناپذیری را بهبار خواهد آورد؛ لذا یکی از مهمترین اقداماتی که می تواند در ایجاد علاقه به تحصیل در دانشآموزان مؤثر باشد، نگرش والدین به یادگیری و دانایی است.

وقتی والدین در گویش و عمل، به دانایی احترام بگذارند و یادگیری بهمعنای واقعی برای آنها ارزشمند باشد، خودبه خود رفتارهای آنها در مواجهه با مسائل فکری و تحصیلی فرزندانشان بسیار متفاوت خواهد بود. والدینی که به زور می خواهند در فرزند خود انگیزه تحصیلی ایجاد کنند، در واقع نه لذت یادگیری را چشیده اند و نه عطش یادگیری را درک نموده اند.

چگونه میتوان پذیرفت که پدر و مادری نگرش مثبت واقعی به یادگیری نداشته باشند، اما بخواهند که فرزند خود به بالاترین حد پیشرفت درسی برسد؟!

البته ممکن است استثناهایی در این خصوص وجود داشته باشد، اما این موارد عمومی نیست.

ص: ۲۰

ما والـدین از این نکته نیز نبایـد غافل باشـیم که گاه ارزشـهای مطرح شـده و رایج در فضای گفتاری، ممکن است دلزدگی از تحصـیل را در بین فرزندان نشـر دهد. به طور مثال عنوان کردن این موضوع که فلانی دو کلاس سواد ندارد، اما بسیار ثروتمند است! بیـان اینگونه مطـالب ناخودآگـاه می توانـد ذهن فرزنـد کمسن ما را به این سـمت سوق دهـد که راه رسـیدن به هـدف، تحصــیل کردن نیسـت. حـال اگر ایـن موضوعـات بـه کرات در بیـن مکالمـات والـدین وجـود داشـته باشـد، کمـااینکه مـوافق درسخواندن فرزند خود نیز باشند، خواه ناخواه چنین تفکر منفی را به ذهن او منتقل می نماید.

در این شرایط، این رفتار والدین است که بر میل یا بیمیلی فرزندان نسبت به تحصیل تأثیر میگذارد. خوب است بدانید که صرفاً با تحکم و نصـیحت نمی توان کودک را به درس خواندن وادار نمود. در همین موردی که مثال زده شد، والدین می توانند به جای صـحبت از یک شـخص ثروتمند بی سواد، از یک انسان تحصیل کرده و موفق در اطراف خود مثال بزنند و در مکالمات خود از او صـحبت کنند. قطعاً کودک با دیدن چنین شخصـی و شـنیدن تعریف و تمجید پدر و مادر خود در مورد او، بیشتر به تحصـیل رغبت نشان خواهـد داد تا زمانیکه والـدین از افرادی ضدارزشـهای موجود در خانواده صـحبت کنند؛ زیرا صـحبتها و رفتارهای پدر و مادر در محیط خانواده الگوی بسیار مهمی برای فرزندان محسوب می شود.

در حقیقت، فرزنـدان برای یادگیری صـحیح، نیاز به الگو دارند و چه بهتر که این الگو والدین آنها باشـند. به طور مثال، پدر و مادری که به درس و تحصیل علاقه نشان میدهند، مدام کتاب میخوانند و در سبد خرید خانواده سهمی را نیز به صورت ماهانه به خرید کتاب اختصاص میدهند، قطعاً تأثیر شگرفی بر میزان کشش و رغبت فرزندان به تحصیل و کسب علم و دانش خواهند داشت.

بنابراین رفتار مناسب والدینی که اهل مطالعه و یادگیری هسـتند، بیشترین انگیزه برای تحصـیل را در فرزندان آنها به وجود می آورد.

ص: ۲۱

رفتار مناسب والدینی که اهل مطالعه و یادگیری هستند، بیشترین انگیزه برای تحصیل را در فرزندان آنها به وجود میآورد.

ایجاد علاقه به مطالعه و دانستن از دوران کودکی

در جهان متمدن، همه کودکان به مدرسه میروند و برخی از آنها به دانشگاه راه مییابند و عده بسیاری که به آموزش رسمی ادامه نمیدهند، با گوش دادن به برنامههای رادیویی و خواندن روزنامه و مجلات مورد علاقه خود، بهنحوی به مطالعه می پردازند.

اگر عشق به مطالعه از همان ابتدای کودکی در نهاد او بارور نشود و اگر مطالعه به عنوان یک نیاز معنوی زندگی ایشان درنیاید، روح او در سنین جوانی تهی خواهد بود. آنوقت است که سادگی و نپختگی جوانی، راه را برای بدیها باز میکند و گوشه های تاریکتر طبیعت انسان آشکار میگردد.

مطالعه کتاب، چه در زمینه شعر و قصه و چه در مضامین آموزشی و علمی، می تواند نقش مؤثر در رشد و تربیت صحیح کودکان بازی کند؛ چرا که پاسخ سؤالات خود را در آنها پیدا کرده و همچنین موجب پرسش های ذهنی جدیدی

ص: ۲۲

برای او می گردد. خواندن کتاب و مطالعه و علاقه مندی به آن، به خودی خود دارای ارزش اساسی و پایهای است.

توانایی خواندن، یکی از اساسی ترین مهارت ها برای کسب موفقیت تحصیلی می باشد.

بنابراین توانایی خواندن، یکی از اساسی ترین مهارت ها برای کسب موفقیت تحصیلی می باشد.

بخش عمده این مهارت به ایجاد انگیزه لازم برای خواندن (مطالعه) اختصاص پیدا میکند که والدین در این امر نقش بسیار اساسی دارند. مطالعه، همانند انجام هر فعالیت دیگر، نیازمند استفاده از روش های درست و مخصوص به خود است.

قبل از هر چیز باید بدانیم که مطالعه در بین اعضاء خانواده باید به صورت یک عادت همیشگی از دوران کودکی شروع و در طول دوران تحصیل (ابتدایی، دبیرستان، بزرگسالی وغیره) به نحو مستمر و بی وقفه ادامه داشته باشد.

والدین گرامی!

با استفاده از امکانات موجود در کتابخانه های شهر و با راهنمایی های کتابدار، کتاب های مناسب گروه سنی و مقطع تحصیلی کودکان را انتخاب نمایید.

آنها را با ادبیات مخصوص به خودشان آشنا سازید و برای این کار ابتدا اشعار کودکانه برای آنها بخوانید و تا مرحله رسیدن به داستانهای علمی-تخیلی ادامه دهید. بهترین و پربارترین اوقات، هم برای شما و هم برای کودکان در طول روز، زمانی است که شما با یکدیگر کتاب می خوانید.

در صورت امکان، رفتن به کتابخانه را بخشی از برنامه هفتگی خود قرار دهید. اجازه دهید کودک شما در کتابخانه با داشتن فرصت کافی، به طرف قفسه های

کتاب رفته و با نگاه کردن به آنها، کتاب مورد علاقه خود را انتخاب نمایـد. گاهی نیز او را به سوی قفسه هایی که موضوعات آنها برای او ناآشـناست راهنمایی کنیـد تا کتاب هایی با موضوعات جدیـد را انتخاب نماید، که معمولاً انتخاب نمی کند، و از این طریـق به سـمت موضـوع هـای گونـاگون و مطـابق شـرایط سن خود سوق داده شود و دنیاهـای جدیـدی را کشف نمایـد. بسـیاری از کتابخـانه هـا، روزها و ساعات مشخصـی در هفته را به داسـتان خوانی اختصاص می دهنـد و هر هفته کتابی جـدید توسط مسئول کتابخانه معرفی و خوانده می شود.

بسیاری از فیلم های سینمایی و برنامه های تلویزیونی بر اساس کتاب های منتشر شده ساخته می شوند.

اگر کودک شما به فیلم یا برنامه خاصی علاقه مند است، او را به خواندن فیلمنامه یا کتاب مربوط به آن فیلم تشویق نمایید. در واقع این یـک روش سـاده برای ایجاد انگیزه و علاقه در کودکانی است که میل به خوانـدن کتاب ندارنـد. در دنیای امروز که عصـر اطلاعـات است، مـا بـا انبوه فزاینـده اطلاعـات در قـالب کتـاب، مجله، روزنـامه و غیره مواجه هستیم که این منابع بهترین وسایل ترغیب نوجوانان و جوانان به مطالعه می باشـند. همچنین می توانید از برنامه های آموزشی موجود در شبکه های جهانی (اینترنت) بهره مند شوید.

برای بسـیاری از مردم، واژه مطـالعه تنهـا اشـاره و دلالت به خوانـدن کتاب ها می کنـد. اما اگر با دقت به اطراف خود بنگریم، متوجه خواهیم شد که واژه ها، محیط زندگی ما را اشغال کرده اند.

از زمـانیکه کودک شـما نخستین کلمـات را به زبـان می آورد، او را در خوانـدن آواز، شـعر، بیـان کلمات و احساسات درونی کمـک نماییـد. در طول روز، در هر جـا که با او هستیـد، چه در بین راه مـدرسه، در اتوبوس و یا هنگام راننـدگی با واژه های گوناگون محیط زندگی، فرصت های جدید و جالبی را برای یادگیری او از این طریق فراهم آورید.

ص: ۲۴

خوشبختانه، هر سال بر تعداد مجلات متنوع کودکان افزوده می شود؛ سعی کنید فرزند خود را تشویق به خرید مجلات و روزنامه های گوناگون از دکه ها و فروشگاه های کتاب کنید. مناسبت های مختلف مانند روز تولد، سال نو و غیره فرصت های خوبی هستند تا آنها برای مجله یا روزنامه مورد علاقه خود آبونمان شوند. کودکتان را تشویق نمایید تا برای دوستان و آشنایان نامه بنویسد؛ هر چند امروزه عادت داریم از طریق تلفن ارتباط برقرار نماییم، با این حال برای کسانی که نسبت به آنها احساس تعلق و صمیمیت خاصی می کنیم، معمولاً نامه می نویسیم.

مطالعه راهی مطمئن برای جهت دار و هدفمند کردن زندگی است.

به کودک خود، میزان اهمیت و ضرورت مطالعه در زندگی انسانها را یادآوری نمایید؛ در واقع مطالعه راهی مطمئن برای جهت دار و هدفمند کردن زندگی است. بدین منظور در ایام هفته، در منزل زمانی معین را به خواندن اختصاص دهید تا هر یک از اعضاء خانواده شما بتواند کتاب، روزنامه یا مجله مورد علاقه خود را بخواند.

حتی اگر مدت زمان مطالعه پانزده تا سی دقیقه باشد؛ بی شک پس از مدتی، از عشق و علاقه ای که توانسته اید بهراحتی در فرزند خود برای مطالعه بهوجود آورید، شگفت زده خواهید شد.

ص: ۲۵

.۱

فصل دوم:چگونگی علاقه مند کردن دانشآموزان

ابعاد ایجاد علاقه مندی به تحصیل در دوره دبستان:

۱. ایجاد علاقه مندی به تحصیل با محوریت بازی و لذت بردن از نعمت زندگی.

۲. پیشگیری از به وجود آمدن حس بیزاری و انزجار از درس در دوران دانش آموز دبستانی.

در ابتدای امر، والدین باید بپذیرند که به طور معمول پایان شش سالگی برای آغاز دوره دبستان بعد از مطالعات و بررسیهای لازم، تعیین شده است؛ بنابراین شتابزدگی جهت فرستادن فرزند خود به مدرسه، زودتر از زمان ذکر شده، نه تنها مفید نخواهد بود، چه بسا متضمن زیانهایی نیز در آینده باشد.

گاهی والدین میخواهند به فرزندان خود در سنین پیش از دبستان مطالب زیادی بیاموزند و در این امر اصرار میورزند؛ از آموزش حروف الفبا گرفته تا اعداد، اشعار و بالاخره آموزش خواندن و نوشتن یک زبان بیگانه را دریغ

نمیکنند و این اقدامات را به عنوان حاصل تلاشهای خود و هوش و استعداد شکوفای فرزندشان نزد دوست و آشنا نیز عرضه میدارند. افراط در این کار باعث میشود که فضای جمعی مدرسه و کلاس درس، تازگی خاصی، حداقل از لحاظ معلومات، برای کودک نداشته باشد و عوارض ناگواری را به دنبال آورد.

مثلاًـ در مقابل پرسش هایی که پاسخ آن را نمیدانند، بیش از اندازه احساس حقارت کند و بی میلی یا کممیلی به درس و مدرسه را از خود نشان دهد.

بنابراین در حالی که آموزش های ضروری و گاه تفننی پیش از دبستان را مفید دانسته و توصیه مینماییم، هرگز افراط را جایز نمیدانیم. بگذارید فرزندان عزیز ما دوره های سنی و تحصیلی خود را به طور طبیعی و متعادل بگذرانند و پیش روند. همینقدر دقت و کوشش نماییم، که آموزش های قبل از دبستان جنبه آمادگی و تشویق جهت ورود به دبستان داشته باشد، کافی است.

ایجاد علاقهمندی به تحصیل در دانش آموزان دوره دبستان باید آمیخته با بازی و شادی باشد.

اساساً ذهن و فکر دانشآموزان در دوره پیشدبستان و دبستان بهدنبال بازی، لذت بردن، تفریح کردن و کسب تجربههای جدید است. این کودکان در این دوره معنای واقعی آزادی را درک مینمایند؛ بر همین اساس علاقه مند کردن بچهها به تحصیل در دوره ابتدایی، باید از همین تفکر آنها الهام گیرد. یعنی ایجاد علاقه مندی به تحصیل در دانش آموزان دوره دبستان باید آمیخته با بازی و شادی باشد؛ بنابراین در بحث درس و تحصیل در دوره دبستان این امکان برای آنها به وسیله مربیان و والدین به وجود میآید که جهت علاقه مند کردن هرچه بیشتر دانش آموزان به درس و مدرسه، بازیهای بیشتری را یاد گیرند و با بچه ها هم بازی

شوند، تا در دوره ابتدایی سنگ بنای اولیهٔ علاقه مندی به تحصیل بدین وسیله ایجاد گردد.

عملکرد عموم والـدین در تعامـل بـا فرزنـد تـازه محصـلشان بـدینصورت است که شـروع به زمانبنـدی کارهای روزانه کودک میکنند تا او بتواند به امور درسـی خود برسد. مثلاً زمانی برای استراحت، تماشای تلویزیون، بازی کردن و درس خواندن تعیین مینمایند و به فرزند دبستانی خود میگویند در این زمانهای تعیین شده، اجازه انجام این کارها را دارد.

در این شـرایط کودک دوره ابتـدایی با موقعیتی مواجه میشود که تا پیش از این با آن روبهرو نبوده است؛ یعنی محـدودیت در عمـل و انتخاب! کودک با خود میاندیشـد قبل از ورود به مـدرسه، بیهیـچ محـدودیتی بازی میکرد یا تلویزیون تماشا میکرد اما اکنون بایـد در زمانهای محدود و از پیش تعیین شده این کارها را انجام دهد و تازه با برنامه جدیدی به نام درس و تکلیف نیز روبهرو شده است که به نظر او چندان مفرح و خوشایند نمیآید.

در چنین شرایطی، دلزدگی از درس و تحصیل از سوی کودک طبیعی بهنظر میرسد.

در این موقعیت سؤالی که برای والـدین بهوجود میآیـد این است، که با فرزنـد خود که به تازگی وارد مـدرسه شـده و باید در کنـار تفریـح و بـازی به امور درسـی خود نیز بپردازد، چگونه رفتـار نماینـد تـا بهجـای ایجاد بیمیلی به درس، آنها را مشـتاق و علاقهمند به درسخواندن کنند؟!

والدین باید درس و تکلیف را نیز بهعنوان بازی مطرح نمایند.

پاسـخ ساده است؛ پیشـنهاد ما به والـدین گرامی این است که درس و تکلیف را نیز به عنوان بازی مطرح نماینـد؛ یعنی والـدین باهوش و کارآمد به جای اینکه به

کودک خود بگوینـد: "بیـا درس بخوان" یا "تمرینهایت را حل کن"، بگوینـد: "بیا با هم بازی معلم و شاگرد را انجام دهیم"؛ بنابراین در قالب بازی به امور درسی فرزند خود بپردازند.

در واقع مهمترین و تنهـاترین عملکرد والـدین جهت ایجاد علاقه منـدی به تحصـیل در دوره ابتـدایی، و خصوصاً سال اول، این است که کودک از درس و مدرسه منزجر نشود. کودک به هیچ وجه نباید فکر کند که تحصیل و مدرسه باعث محدود کردن بازی و شادی او شده است.

شرح مثال:

در بدو ورود کودک به دبستان، بازی معلم و شاگرد به والدین پیشـنهاد میشود؛ بدینصورت که مادر یا پدر در نقش شاگرد و کودک در نقش معلم قرار بگیرد و درهمین راستا به تکالیف درسی فرزند رسیدگی شود.

جدا از اینکه این کار باعث میشود فرزندتان به تکالیف درسی خود برسد، پیامد دیگری نیز دارد و آن این است که بعد از این بـازی، کـودک در کلاـس درس همـه تـوجه خـود را معطـوف بـه معلم میکنـد تـا حرکـات و رفتـار او را یـاد گیرد و در خـانه هنگامیکه قرار است در نقش معلم برای شـما ظاهر شود، آن حرکات را تکرار نماید و بههمین علت ناخودآگاه درس را نیز در کلاس با توجه بیشتری گوش میدهد و یاد میگیرد.

به طور کلی زمانیکه کودک از مـدرسه به خانه میآیـد، اولیاء میتوانند با مشارکت خود و فرزندشان به درس، امور درسـی او را پیگیری نماینـد؛ مثلاًـ بـا سؤال و جواب کردن از درس و یـا نوشـتن تکالیف با هم خوانی والـدین، البته این موضوع به این معنا نیست که پدر و مادر متولی نوشتن شوند، بلکه به این معنا است که فرزند قسمت به قسمت تمرینها را بنویسد و به والدین نشان دهد و والدین نیز در مراحل انجام تکالیف دخالت داشته باشند. در این موقعیت آنها

می توانند با تشویق از روند درسی او یا مثلاً خط زیبایی که دارد، شوق یادگیری و انجام تکلیف را در او ایجاد نمایند. ضمناً، در تمرین هایی که کودک در انجام آن مشکل دارد، می توانند او را راهنمایی نموده یا به او بگویند تا همان جاییکه می تواند تمرین را نوشته و بعد می توانید به کمک یکدیگر ادامه تمرین را انجام دهید.

خلاصه مطلب اینکه باید با دانش آموز مماشات شود تا مسیر تحصیل برای او هموار گردد. اگر والدین کودک دبستانی را رها کنند تا به تنهایی و بدون نظارت والدین درس بخواند، مشکلاتی مانند بیمیلی به تحصیل در او به وجود خواهد آمد و در نهایت ما با یک کودک به اصطلاح درسنخوان مواجه می شویم.

در سالهای بالاتر دوره دبستان، مثلاً چهارم و پنجم دبستان که دیگر فرزند ما خواندن و نوشتن را به طور کامل یاد گرفته است و میتواند بهراحتی مطلبی را بخواند، والدین میتوانند برحسب علاقه فرزند خود، سیدی، کتاب و وسایل کمک آموزشی تهیه نمایند تا فرزند مطالبی را که دوست دارد با قوت بیشتری دنبال کند.

مثلاً دانش آموز ما به بحث جانوران علاقه مند است؛ می توان کتابهایی با تصاویر برجسته و مطالب جذاب در مورد جانوران و دیگر جانداران مناسب سن او برایش تهیه نمود تا اطلاعات بیشتری در این زمینه کسب کند و در کتاب درسی، این بحث را با میل بیشتری مطالعه و پیگیری نماید.

اما به طور کلی دوره ابتدایی دورهای است که عملکرد والدین در راستای ایجاد علاقه مندی به تحصیل باید معطوف به این باشد که کودک از درس بیزار نشود. این عدم بیزاری از درس در دبستان لزوماً مساوی با علاقه مندی به تحصیل نیست؛ کودک ما فعلاً باید از درس فراری نشود. تلاش برای عاشق درس شدن با روحیه دانش آموز ابتدایی هماهنگ نیست، با یک نگاه منصفانه نیز میتوان به چنین رویکردی رسید. حقیقتاً این توقع بیجا از کودکی است که تا چند روز پیش

عموم برنامه های زندگی او معطوف به بازی و تفریح بوده و امروز قرار است خود را مقید به انجام کارهایی نماید که شباهتی به بازی ندارد و چه بسا قرار نیست به اندازه بازی کردن از انجام آنها لذت ببرد.

بنابراین اگر چهار- پنج سال دوره ابتدایی، بچه از تحصیلکردن ناراحت نباشد و با آن مأنوس شود، بعد از ورود به مقاطع بالاتر تحصیلی نیز انس با درس در او نهادینه شده و باقی میماند و در دورههای بالاتر است که میتوان روشی را برگزید تا دانشآموز ما به درس خواندن علاقه نشان داده و در نهایت با میل و رغبت ادامه تحصیل دهد.

سنگبنای اولیه علاقهمندی به تحصیل، که همان عدم بیزاری از درس و مدرسه است را باید در دوران ابتدایی پایهگذاری کرد.

عمده دلایلی که دانشآموز دبستانی از درس فراری میشود، بهجهت تلاش نامتناسب والدین در امور تحصیلی و غیر تحصیلی دانشآموز است؛ پس این وظیفه خطیر اولیاء مدرسه و خانه است تا با اتخاذ روشهای لذتبخش در هنگام تدریس و انجام امور درسی، سنگبنای اولیهٔ علاقهمندی به تحصیل را که همان عدم بیزاری از درس و مدرسه است را در دوران ابتدایی پایهگذاری کنند.

در گام اول بحث چگونگی ایجاد علاقهمندی به تحصیل در این دوره سنی، همین اقدام کفایت میکند؛ در این شرایط، کودکی که در دبستان با درس و مدرسه مأنوس شده باشد، در دوره راهنمایی(متوسطه۱) و دبیرستان(متوسطه۲) به تحصیل علاقهمند میشود.

تکالیف درسی

با توجه به وضعیت خاص ذهنی و جسمی دانش آموزان دوره ابتدایی در زمینه

کوتاه بودن زمان توجه و تمرکز آنها به امور درسی، بهتر است که زمان انجام تکالیف نوشتاری دانش آموزان شش تا هشت ساله شصت دقیقه، نه تا یازده ساله حداکثر نود دقیقه و بچه های دوازده تا شانزده ساله حداکثر صد و بیست دقیقه باشد.

دقت داشته باشید که شروع انجام تکالیف یا تمرین درسها، بلافاصله پس از مراجعت دانشآموز از دبستان نبوده، بلکه زمانی باشد که او استراحت کافی نموده و شرایط جسمی و روحی متعادلی را دارا است.

لذا برنامه دانشآموز به نحوی تنظیم گردد که بیش از دو ساعت مشغول انجام تکالیف خود نباشد. وقتی که قرار گذاشتید فرزند شما تکالیف خود را آغاز نماید، اندکی پیش از شروع به انجام امور درسی، زمان را یادآور شوید تا توجه او معطوف به انجام تکلیف شده و از کار یا بازی که مشغول انجام آن است، آرام آرام فاصله گیرد و هنگام آغاز انجام تکالیف تا پایان آن، دقت و آرامش بیشتری داشته باشد.

سعی کنید به کودک خود مدیریت زمان را بیاموزید تا از طولانی شدن انجام تکالیف جلوگیری نماید و زمانهایی را نیز در بین نوشتن تکالیف استراحت کند.

والدین میتوانند در بین درس خواندن کودک و زمان استراحت، با تشویق، به او انرژی دهند؛ برای مثال ده دقیقه استراحت مابین نوشتن، از ایجاد خستگی و انزجار کودک از نوشتن تکلیف جلوگیری مینماید.

پرورش علاقه مندی به تحصیل در متوسطه ۱(دوره راهنمایی)

رویکرد پرورش علاقه مندی به تحصیل در متوسطه۱ (دوره راهنمایی)

۱. ایجاد علاقه مندی به تحصیل با محوریت وظیفه لذت بخش.

۲. کمرنگ کردن اهمیت نمره و پررنگ کردن اصل یادگیری، با ارائه چشمانداز ثمربخش آن در زندگی آینده.

درس در دوره دبستان به عنوان بازی لذتبخش تعریف می شود و در مقطع راهنمایی، تعریف درس به وظیفه لذت بخش تغییر پیدا میکند.

دانشآموزی که از دوره ابتدایی وارد دوره راهنمایی یا متوسطه ۱ میشود، در واقع از دوره آشنایی عبور کرده است؛ نکته بعدی در مورد این دانش آموز، ورود او به دامنه سن بلوغ است. دانش آموز مقطع راهنمایی در دوران بلوغ بهسر میبرد؛ بنابراین بسیاری از مسائل را میفهمد. در این دوره تحصیلی انجام وظایف درسی به عنوان یک "وظیفه لذتبخش" تعریف می شود.

پس همانطور که پیش از این آورده شد، درس در دوره دبستان به عنوان بازی لذتبخش تعریف می شود و در مقطع راهنمایی، تعریف درس به وظیفه لذتبخش تغییر پیدا میکند.

سؤال؟

*چرا درس خواندن در این دوره وظیفه دانش آموز تعریف میشود؟

زیرا دانشآموز نوجوان ما باید بداند که او بعد از این، در قبال برنامه آینده خود وظیفه دارد؛ در مقابل اینکه تبدیل به انسان فرهیخته ای شود، وظیفه دارد؛ برای اینکه در برابر موجودیت خود مفید و موفق باشد، وظیفه دارد و مسئول است.

یکی از شاهراههایی که برای رسیدن به این مقصود تعریف شده، "درسخواندن و تحصیل" است؛ تحصیل به نوجوان کمک میکند وظایف و مسئولیتهایی که بعد از این برعهده او خواهد بود را بهتر انجام دهد. به همین منظور درس برای دانش آموز این مقطع یک وظیفه خوشایند تعریف می گردد و باید به او کمک شود تا وظیفه خود را به بهترین نحو به اجرا در آورد.

والـدین بایـد انتظارات والا ولی واقع بینانه از فرزنـدانشان داشـته باشـند و به آنها کمک کنند تا خرده هدفهای قابل انجام برای خود به وجود آورند؛ در این مورد والدین باید به فرزندان خود در رسیدن به این خرده هدفها کمک نمایند.

پس سـعی کنیـد حس "انگیزه درونی" را در فرزندتان قوی کنید؛ بهگونهای که به خود اعتماد کند و خودش بهدنبال راهحل مسائـل باشـد؛ از جمله کارهایی که والـدین و معلمان میتواننـد برای افزایش انگیزش درونی دانشآموزان انجام دهنـد، کمرنگ کردن اهمیت نمره و پررنگ کردن اصل یادگیری است.

بـا ارائـه چنین تعریفی از درس و تعریـف چشـماندازی بلندمـدت از اثرات و ثمرات آن در طـول زنـدگی، در دوره راهنمـایی، علاقهمنـدی به درس و تحصـیل هرچه بیشـتر در وجود نوجوان ریشه میدوانـد و پرورش پیـدا میکنـد. بر همین اسـاس به مقوله تحصیل با جدیت و پشتکار بیشتری نگاه کرده و هرچه بیشتر در این وادی پیش میرود میل و رغبت او افزونتر خواهد شد.

توجه به هیجانات و تغییرات درونی نوجوانان

همانطور که پیش از این بیان شد، دانش آموز دوره راهنمایی در بازه زمانی دوران بلوغ به سر میبرد؛ لذا در حال تجربه حالات و روحیات متفاوتی است که اگر بهـدرستی کنترل نشود، میتوانـد نتایـج منفی بر روند تحصـیلی او باقی گذارد. در حقیقت این مطلـبی غیرقابـل انکـار میباشـد کـه هیجانـات دوران بلـوغ، تنشـزا اسـت؛ خصوصـاً اینکه خـانواده هـای مختلـف، مسائـل درون خانوادگی متفاوت خاص خود را نیز دارند.

وجود مشـکل در خانواده برای نوجوان ایجاد حساسیت مینماید. حساسیت کنترل نشده او در این دوران تأثیرپذیری ایشان را از محیط و مشکلات آن بیشتر مینماید، سبب به هم ریختگی برنامه زندگی و فکری او می شود.

طبیعی است با ایجاد تنش در محیط خانواده، بخش مربوط به امور درسی نیز در زندگی نوجوان دچار آسیب میگردد. به همین جهت والـدین در خانه و معلمان و مسئولان در مـدرسه، بایـد از ایجاد هرگونه حاشیـهسازی که باعث به هم ریختگی ذهنی و روحی دانش آموز میشود، اجتناب نمایند.

نوجوانها در دوره راهنمایی(بلوغ) میل به دیده شدن، شاخص بودن و مورد تقدیر و تشکر قرار گرفتن دارند.

دوران بلوغ و هیجانات مربوط به آن، از جمله مواردی است که در هنگام تعامل با دانش آموز مقطع راهنمایی باید مورد توجه قرار گیرد تا در بحث تحصیل او تصمیمات جامع و کاملی اتخاذ شود. لذا عدم تنشزایی و استقبال نکردن از تنش در روابط فی مابین والدین و فرزندان، ناخودآگاه تأثیر مثبتی بر برنامه درسی دانش آموز خواهد گذاشت.

ضمن اینکه نوجوانهـا در این دوره میل به دیـده شـدن، شاخص بودن و مورد تقـدیر و تشـکر قرار گرفتن دارنـد؛ لـذا میتوان از درس به عنوان ابزاری برای رسـیدن به این مقصود سود جست و علاقه به تحصـیل، بـا پشـتکار درس خوانـدن و کسب نمرات خوب را یکی از راههای رسیدن به موفقیت و تحسین شدن در برابر همگان برای آنها تعریف نمود.

بـدینصورت، درس خوانـدن و به موفقیت رسـیدن به گونهای برای دانش آموز تعریف میشود که باعث شاخص شدن و برتری علمی او در بین دوستان، اقوام و آشنایان میگردد.

البته نبایـد این نکته را از نظر دور داشت که بستر و شالوده چنین تفکری باید از دوره ابتدایی در ذهن فرزند ایجاد شده باشد و در دوره راهنمایی به مقتضای شرایط و روحیات در ذهن نوجوان بیش از پیش پرورانده شود.

ص: ۳۶

در این قسمت ضروری است که والدین با بحث بلوغ فرزندان به طور کامل آشنایی پیدا کنند؛ البته این مبحث عنوان کتاب دیگری از همین نویسنده را به خود اختصاص داده است. توصیه مؤکد به والدین جهت آشنایی و آگاهی کامل با بلوغ نوجوانان مطالعه این کتاب است که قطعاً در انتخاب رفتار و عملکرد آنها در بخش های دیگر تربیتی نیز تأثیر شگرفی خواهد گذاشت.

وجود علاقه مندی به تحصیل در متوسطه(۲)

رویکرد وجود علاقه مندی به تحصیل در متوسطه۲

۱. وجود علاقه مندی به تحصیل با محوریت وظیفه لذتبخش.

۲. مطرح نمودن درس به عنوان عامل اصلی تشکیل دهنده شخصیت فردی دانش آموز.

پیش از این گفتیم که در مقطع ابتدایی، کودک با درس و مراحل اولیه آن که خواندن و نوشتن است، آشنا میشود. این آشنایی نیز به صورتی انجام میگردد که او از درس و تحصیل منزجر نشود. استفاده از این روش در سالهای اولیه ورود دانش آموز به مقطع ابتدایی و همچنین در سالهای بالاتر همین مقطع (پنجم و ششم)، موجب میگردد کودک دبستانی ما آرامآرام با درس مأنوس شود.

با این کار نه تنها از درس بیزار نمیگردد، بلکه درس خواندن را دوست خواهد داشت؛ در مقطع راهنمایی نیز درس خواندن یک وظیفه خوشایند تعریف شد و توضیحات لازم ارائه گردید.

در مقطع دبیرستان، تحصیل همان وظیفه خوشایند است؛ لیکن با رویکردی جدیتر و اساسیتر و به تعبیری، نوعی هویت بخشی به دانش آموز عنوان می شود. به بیان صریحتر، بحث علاقه و ادامه تحصیل اینگونه برای

دانش آموز تصریح میشود، که شخصیت علمی و مفید بودن او برای خود و اجتماع با توجه به کیفیت عملکرد ایشان در امور تحصیلی قضاوت و ارزیابی میگردد.

در حقیقت دانشآموز دوره دبیرستان، بچه دبستانی یا نوجوان تازه به بلوغ رسیده دوره راهنمایی نیست؛ بلکه دانش آموز ما در این مقطع سنی کاملاً عاقل و بالغ است و موقعیت خود را به خوبی می فهمد.

پس نتایج ضعیف او در امور تحصیلی بدین معناست که وظایف خود را به خوبی انجام نمیدهد. قاعدتاً والدین و مسئولین مدرسه برای شخصی که وظیفه خود را به درستی انجام نمی دهد، محدودیت و یا حتی محرومیتهایی را در نظر خواهند گرفت.

لذا در دوره دبیرستان درس را اینگونه برای فرزند خود معنا کنیم، که کیفیت امور درسی تو در حال حاضر عامل عمده تشکیل دهنده شخصیت اجتماعی شما است؛ پس اگر کسی بخواهد در این مرحله از زندگی درباره شخصیت اجتماعی شما قضاوت کند، در مورد وضعیت تحصیل و امور درسی از شما پرسش خواهد کرد.

البته موارد بسیاری تشکیل دهنده ابعاد مختلف شخصیت اجتماعی یک انسان هستند اما در این دوره سنی، گزینه اول وضعیت تحصیلی دانشآموز خواهد بود؛ چرا که وظیفه اول آنها تحصیل است.

منظور ما از وضعیت تحصیلی دانشآموز، شاگرد ممتاز کلاس و مدرسه شدن نیست؛ بلکه هدف، برخوردار شدن فرزند ما از یک وضعیت مطلوب تحصیلی است. طبیعتاً هر دانشآموزی در بعضی از دروس موفقتر و در بعضی دیگر ضعیف است؛ بنابراین در بررسی وضعیت تحصیلی دانشآموز باید این موارد در نظر گرفته شود.

با توضیحات ارائه شده نمی توان نوجوانی را که در دوره دبیرستان نسبت

به امور درسی خود به عمد و بدون هیچ بهانه ای بیتوجه است، به عنوان یک دانش آموز مسئولیت پذیر به رسمیت بشناسیم.

البته ممکن است در مواقعی بر اثر بروز اتفاقاتی در زندگی او، روند تحصیلی ایشان به کُندی پیش رود یا دچار مشکلاتی شود. در چنین موقعیتی با درک شرایط دانشآموز میتوان به او کمک نمود و فرصت جبران داد.

البته در بعضیاوقات نیز دانشآموز دبیرستانی ما، به عمد نسبت به درس بیتوجه است. در این مواقع باید مستقیماً برای او توضیح داد که دیگر نمیتوان برای یک دانشآموز بیتوجه به درس و با وضعیت تحصیلی ضعیف استقلال رأی و تصمیم گیری قائل باشیم؛ چرا که ایشان نسبت به وظیفه خود بیتوجه بوده و موجب بروز مشکلاتی در زندگی فعلی و آینده خویش خواهد شد. مگر اینکه مسیر زندگی خود را تغییر داده و خردمندانهتر رفتار نماید.

صحبتها و توضیحات این چنینی از زبان والدین یا مشاور خانواده میتواند به فرزند ما کمک کند تا تصمیمات بهتری برای زندگی خود اتخاذ نماید و مسیر تحصیلی خود را به نحو مناسبتری بپیماید.

اینکه فرزند ما با بی علاقگی دوره دبیرستان را سپری نماید، بیآنکه تلاشی در جهت امور درسی یا بخشهای دیگر زندگی خود داشته باشد، از نظر تربیتی موقعیت قابل قبولی نیست؛ چرا که عمده انتظار جامعه در عصر حاضر از یک دانشآموز دبیرستانی، معطوف به کسب علم و دانش است نه خبره شدن در بازار کار؛ پس اینکه فرزند ما بخواهد با بیعلاقگی و باری بههرجهت بودن دوران دبیرستان خود را سپری نماید، قطعاً رویکرد پذیرفته شدهای از نظر تربیتی نخواهد بود.

به همین جهت لزوم وجود بحث علاقه مندی و پشتکار در تحصیل در دوره دبیرستان برای خانواده و دانش آموز بسیار حائز اهمیت است.

ص: ۳۹

انتخاب رشته

*آیا انتخاب رشته تحصیلی مربوط به ماست یا فرزندان ما؟!

انسـان هنگامیکه به دنبال انتخاب و هـدف مشخصـی باشـد که به آن علاقه منـد است و بهسوی آن حرکت کنـد، طبیعتاً میزان موفقیت بیشتری نیز خواهد داشت.

این سؤال نبایـد ما را به شک یا اعتراض وادار نمایـد و تصور کنیم که والـدین در این زمینه هیچ نقشـی ندارند و یا نباید اظهار عقیده نمایند.

ص: ۴۰

والدین میتوانند نقش مثبتی در شیوه تحصیل و انتخاب رشته فرزندان داشته باشند.

لیکن موضوع قابلتوجه این است که فراموش نکنیم اظهار عقیده و آرزوها و گاه تصمیمات ما، درباره شخصی غیر از خود ماست. استعدادها، تمایلات، ذوقها و آینده زندگی او را نباید از نظر دور بداریم؛ چهبسا ما دیگر در کنار او نخواهیم بود.

گاه در این زمینه فرزند خود را با افراد همسن و سال او در میان آشنایان و فامیل مقایسه نموده و پیشرفت آنها را با آبوتاب بازگو میکنیم.

اگر این کار با ظرافت خاصی انجام گیرد و متضمن تحقیر فرزندمان نباشد، یعنی در قالب یادآوری و تشویق و توأم با اظهار محبت باشد، مانعی ندارد؛ در غیر این صورت، نتایج دردناک و تأسفآوری نصیب او و ما خواهد شد.

به صراحت میتوان گفت انسان هنگامیکه به دنبال انتخاب و هدف مشخصی باشد که به آن علاقهمند است و بهسوی آن حرکت نماید، طبیعتاً میزان موفقیت بیشتری نیز خواهد داشت.

این مطلب در مورد انتخابرشته تحصیلی دانشآموزان دبیرستانی به وضوح صادق است؛ اما در بحث انتخاب رشته برمبنای علاقه مندی چند نکته قابل تأمل و توجه وجود دارد:

نکته اول اینکه بعضیاوقات تصور فرزندان ما از علاقه مندی، تصوری کاذب است؛ یعنی دقیقاً نمیدانند علاقه مندی آنها صرفاً در همان موضوع است یا نه. پس اگر در کنار موضوع مورد نظرشان موضوع دیگری را نیز پیشنهاد داده و پیرامون آن توضیح دهید، به آن موضوع پیشنهادی هم ابراز علاقه خواهند کرد و این یعنی دانشآموز ما دقیقاً و به صراحت نمیداند به چه موضوع و رشته تحصیلی علاقه دارد.

نکته بعدی در انتخاب رشته، توجه به فضای آموزشی مربوط به آن رشته

است؛ در حقیقت ممکن است بعضی از فضاهای آموزشی با روحیات فرزندان ما هماهنگ نباشد.

این عدم هماهنگی باعث اخلال در روند امور درسی و موفقیت تحصیلی فرزندان ما خواهد شد و به طور کلی او را از فضای درس و بحث دور خواهد کرد.

نکته دیگر نوع نگاه عمده دانشآموزان به رشته انتخابی است؛ یعنی بسیاری از دانشآموزان به برخی رشتهها علاقه مند هستند، اما دقیقاً نمیدانند که این علاقه مندی آنها را به کجا می رساند و چه آیندهای را برایشان رقم خواهد زد. لذا در بسیاری از موارد اگر انتخاب و علاقه دانشآموز بیشتر برای او توضیح داده شود و به نوعی غایت آن تشریح شود، دانش آموز از انتخاب آن صرفنظر خواهد کرد.

مثال:

به عنوان نمونه، دانش آموزی به لوازم الکترونیکی علاقه مند است و دوست دارد در این رشته به درجه مهندسی برسد؛ بنابراین تصمیم میگیرد که وارد هنرستان شود. در واقع دانش آموز مثال ما دوست دارد مهندس شود و فکر میکند که تحصیل در رشته کارودانش، شروعی برای مهندس شدن او است.

در اینجا باید ابعاد مختلف چنین تصمیمی را برای او روشن نمود؛ اینکه او اگر وارد هنرستان شود، بهدلیل اینکه کارودانش مقطع پیشدانشگاهی ندارد، دانشآموز ما فقط میتواند تا فوقدیپلم ادامه تحصیل دهد؛ این سطح نیز او را به مهندسی نمیرساند! پس اگر بخواهد مهندس الکترونیک شود باید مجدداً در آزمون کارشناسی شرکت نموده تا بتواند مدرک کارشناسی بگیرد و مهندس شود.

در این شرایط می توان او را اینگونه راهنمایی کرد که بهجای ورود به رشته کارودانش از همان ابتدای دوره دبیرستان وارد رشته ریاضی-فیزیک شده و با

گذراندن دبیرستان و مقطع پیش دانشگاهی، می تواند به طور مستقیم در آزمون کنکور دانشگاهها شرکت کرده و برای موفقیت و هدف خود تلاش نماید.

باید در مورد انتخاب رشته دانش آموزان مسیری صحیح از آینده تحصیلی و شغلی آن رشته، برای او به تصویر کشیده شود.

بر این اساس باید در مورد انتخاب رشته دانشآموزان مسیری صحیح از آینده تحصیلی و شغلی آن رشته، برای او به تصویر کشیده شود تا بتوانند انتخاب بهتری داشته باشند.

در این میان، نقشی که به خانواده سپرده میشود این است که با در نظر گرفتن علایق فرزند خود به تحصیل و رشتهای خاص، در اقدامی صحیحتر آنها را به مشاوره تحصیلی ارجاع دهند؛ زیرا فرزندان در بسیاری از موارد در ابراز نظر خود به خانواده بسیاری مسائل را بازگو نمی کنند و دلیل آن ممکن است به خاطر حیاء، ادب، احترام و مخالفت نکردن با والدینی که دوستشان دارند باشد.

لذا با مشاور، راحتتر صحبت میکنند؛ کمااینکه یک مشاور در این حوزه تخصص لازم را دارد و تمامی مسائل مربوط به انتخاب رشته دانشآموز از میزان علاقه مندی، استعداد و وضعیت و آینده شغلی رشته را با جلسات مشاوره، گفت و گو و آزمون های استعدادیابی استخراج نموده و در اختیار دانش آموز قرار میدهد.

در حالت عادی نیز، زمانی که دانش آموزی در درس ریاضی موفق است، اگر وارد رشته ریاضی-فیزیک شود، موفقتر عمل میکند. دانش آموزی که در دروس زیست و علوم، ریاضی و شیمی نمرات بهتری کسب می نماید، اگر رشته تجربی را انتخاب کند برای او بهتر خواهد بود. همچنین دانش آموزی که با خواندن کتابهایی در حجم دویست- سیصد صفحه مشکلی ندارد، مطالب را راحت

حفظ و بیان می کند، طبیعتاً اگر وارد رشته علوم انسانی شود موفقیت بهتری کسب خواهد کرد.

برای مثال دانشآموزی که در درس ریاضی و فیزیک دارای نمرات ضعیف است و نمرات پایینی در این دروس کسب کرده است، اگر به اجبار والدین وارد رشته ریاضی-فیزیک شود، بهجای موفقیت و پیشرفت تحصیلی، دچار افتتحصیلی خواهد شد و قطعاً نتیجه مطلوبی را در این رشته کسب نخواهد کرد.

نکته جالب این است که اگر از دانش آموز بپرسید با توجه به ضعف در دروس اصلی رشته ریاضی-فیزیک به چه علت این رشته را انتخاب کرده است؟ مثلاً میگوید قصد دارد که در دانشگاه رشته مدیریت بخواند؛ در صورتیکه اگر از همان بدو امر یک شخص متخصص او را راهنمایی نموده بود، او میدانست که با ورود به رشته علوم انسانی نیز، در نهایت میتواند در دانشگاه رشته مدیریت را انتخاب نماید.

نکته قابل توجه دیگر در این مبحث این است که فرزندان با انتخاب رشتهای که انجام میدهند، دقیقاً نمیدانند در دانشگاه چه اتفاقی قرار است برای آینده درسی و شغلی آنها رخ دهد؛ یعنی نگاه دانشآموز به رشته ریاضی-فیزیک و تعریف او از آن، رشتهای است که فقط باید در آن فرمول حفظ کرده و مسئله ریاضی و فیزیک حل نماید و در این نوع نگاه، نظر و اطلاعات مناسبی نیز به دانشگاه ندارند.

به همین دلیل متأسفانه گاهی دانش آموز در سالهای پایانی دبیرستان متوجه میشود که برای رسیدن به رشته مورد نظر خود، مسیر صحیحتر و چه بسا سهل تری را نیز می توانست بپیماید، اما ناآگاهی و عدم مشورت گرفتن از یک شخص متخصص و عالم به این مسائل، باعث دور افتادن او از مسیر اصلی شده و انرژی زیادی را صرف نموده است.

ص: ۴۴

ترغیب فرزندان به دنبال کردن اهدافی که بالاتر از توانایی و استعداد آنهاست، موجب کاهش اعتمادبه نفس آنها می شود.

نکته دیگری که والدین نباید درباره انتخاب رشته تحصیلی یا شغل، به جای فرزندان خود تصمیم بگیرند، ترغیب فرزندان به دنبال کردن اهدافی که بالاتر از توانایی و استعداد آنها است، در واقع ظلم به بچه هاست و موجب کاهش اعتمادبه نفس آنها می شود.

والدین نباید آرزوها و اهداف برآورده نشده خود را به فرزندان تحمیل نمایند؛ تحمیل کردن رشته تحصیلی یا شغل بهعنوان سنت و رسم خانوادگی به فرزندان، درست نیست.

در راهنمایی فرزندان برای انتخاب رشته تحصیلی یا شغل، نباید فقط به یک ملاک توجه داشت، بلکه توجه به همه معیارها، از جمله علایق و رغبتها، استعدادها و محدودیتها، ویژگیهای روحی و شخصیتی آنها، امکانات و شرایط خانوادگی و بازار کار ضروری است.

بهترین کاری که والدین میتوانند انجام دهند، راهنمایی و اطلاعرسانی صحیح به فرزندان است تا آنها بتوانند تصمیم و انتخاب درستی داشته باشند.

نکاتی که والدین محترم بهتر است هنگام انتخاب رشته فرزندان خود به آن توجه فرمایند به شرح ذیل است:

*عدم القاء نظرات شخصی خود به فرزندان؛ چرا که ممکن است باعث ایجاد علاقه کاذب در آنها شود؛

*نباید آرزوها و ایدهآلهای خود را در زندگی آینده فرزندتان دنبال کنید؛

*نباید فرزند خود را با دیگران مقایسه نمایید، زیرا موجب نارضایتی و دوری او از والدین میشود؛

*تجربیات اجتماعی خود را در مورد انتخاب رشته، ادامه تحصیل و آینده

تحصیلی در اختیار فرزندتان قرار دهید؛

*به ارزشـها و علایق فرزنـد خود احترام گذاریـد و اگر اشـتباه یا خطایی مشاهده مینمایید، تلاش کنید آن را به صورت منطقی رفع نمایید؛

*شرایط و جو روانی مساعدتری نسبت به گذشته در خانواده ایجاد نمایید؛

*روحیه فرزند خود را به شکل متعادل و نه افراطی، تقویت نمایید؛

*حساسیت و بیتابی بیش از حـد شـما باعث کاهش انگیزه های مفیـد و مثبت تحصیلی و غیر تحصـیلی فرزنـدتان میشود، لـذا رفتارها و گویش های منطقی داشته باشید؛

*با توجه به شناختی که از روحیات، تواناییها و نقاط ضعف و قوت فرزند خود دارید، سعی کنید واقع گرا باشید؛

*از نشان دادن حساسیت، بیش از فرزنـدتان پرهیز کنید. (مشـتاقتر و بیتابتر از فرزندتان رفتار نکنید و بدانید که او بیش از همه نگران شرایط و آینده خویش است)؛

*از ملزم کردن فرزند خود به گرفتن مشاوره های متعدد از افراد غیر متخصص جداً بپرهیزید؛

*در شـناخت علا‌یق و توانمنـدیهای فرزنـدان، بایـد از فنـون و روشـهای مختلفِ کسب اطلاعـات اسـتفاده شود. برای انتخـاب درسـتتر، فرزنـد شـما به اطلاعـات واقعی و همه جـانبه ای در مـورد درسـهای دوره دبیرسـتان و دانشـگاه در رشـته مـورد نظر و همچنین شغلهای مربوط به آن رشته درسی، یعنی بازار کار پس از فارغالتحصیل شدن نیازمند است؛

*بایـد به اصـل تفاوتهـای فردی در فرزنـدان از نظر هوش، اسـتعداد، علاقه، انگیزه، پیشـرفت تحصـیلی و غیره توجه کرده و هر فرزند را به تناسب ویژگیهای او یاری نمود و از وی انتظار داشت؛

*لازم است به کمک اولیاء مدارس و مشاوران دوره متوسطه، در برنامه ریزی

تحصیلی و شغلی فرزندان، به تناسب اطلاع و نیاز دخالت نموده و از شکست و یا ضعف تحصیلی آنها به موقع جلوگیری نمایید؛

*با توجه به اینکه نمرههای درسی بیشترین سهم را در انتخاب رشته تحصیلی دارد، لازم است والدین از طریق ارتباط با مدرسه و بررسی وضعیت تحصیلی و کارنامههای فرزندان خود، زمینه را برای پیشرفت تحصیلی آنها بیش از پیش مساعد گردانند.

توجه!

توجه داشته باشید که انتخاب رشته دوره دبیرستان تقریباً شبیه به انتخاب رشته در دانشگاه است و شخص هنگام انتخاب رشته باید در ذهن تصویر صحیحی از آینده رشته منتخب خود داشته باشد. کمک به صحیح و واضح بودن آینده یک رشته، بهوسیله مشاور تحصیلی امکانپذیر است؛ بههمین علت توصیه ما به والدین گرامی در بحث انتخاب رشته فرزندان این است که در زمان لازم با در دست داشتن مجموع سوابق تحصیلی و نمرات درسی از سال تحصیلی گذشته فرزند خود، به یک مشاور تحصیلی مراجعه نمایند تا او با دانش خود در انتخاب اصلحتر برای فرزندان، آنها را یاری رساند.

آمادگی برای کنکور

به طور کلی دغدغه جدی موفقیت در آزمون کنکور از سال سوم دبیرستان آغاز میشود. اما هنگامیکه میگوییم آمادگی برای کنکور، در واقع منظورمان آمادگی برای موفقیت در کنکور است که از سال چهارم یا همان دوره پیشدانشگاهی به صورت یک موضوع جدی و حیاتی در خانواده مطرح میگردد و دانشآموز نیز خود را کانون توجه والدین و اطرافیان احساس میکند.

اولین نکته ای که به والدین دانش آموز سال چهارم می توان گفت این است که

بپذیرنـد سال چهارم، سال سـرنوشت سازی برای فرزند آنها است؛ زیرا کسب رتبه خوب در کنکور به معنای ورود به دانشـگاه خوب، رشته تحصیلی دلخواه و طبیعتاً موقعیت اجتماعی و شغل مناسب است. (انشاءالله)

خانوادهای که فرزند پیش دانشگاهی دارند، بهتر است به مدت یک سال وضعیت خانواده را بر اساس اقتضائات دانشآموز سال چهارم تنظیم نماینـد؛ یعنی کارهایی از جمله مسافرت، مهمانی رفتنهای طولانی و چنـد روزه و بروز تنش در خانواده، خریـد یا جابه جایی خانه، عوضکردن مدرسه و همه تغییراتی که وضعیت ذهنی و روحی فرزند سال چهارمی را آشفته می سازد را کنار گذاشته و فضای خانواده از یک ثبات معناداری در این یک سال برخوردار باشد.

نکته دیگر اینکه والـدین اگر توانسـتند، بـا جمعبنـدی هزینههـا و درآمـدهای خـانواده هزینههـایی را به صورت اختصاصـی در راسـتای بهبود اوضاع روانی و درسـی فرزنـد خود در نظر بگیرنـد؛ زیرا هزینهای که صـرف این موضوع می شود، در وهله اول نوعی سـرمایه گـذاری برای آینـده محسوب شده که تأثیرات مثبت خود را در دانشـگاه منعکس مینماید؛ دانش آموزانی که با بنیه علمی قوی وارد دانشـگاه می شونـد، تفاوتهـای بسـیاری بـا بچه هایی دارنـد که هنگام ورود به دانشـگاه از بنیه علمی قوی برخوردار نبوده اند. البته تقویت بستر علمی دانشآموز پیش از ورود به دانشگاه نیز عمدتاً در سال سوم و چهارم شکل میگیرد.

در خصوص آمـاده کردن دانش آموزان برای کنکور، تصور دیگری نیز وجود دارد که برخی معتقدنـد بایـد دانشآموزی که از سال اول وارد مقطع دبیرستان میشود را کنکوری حساب کرد.

به عبـارت بهـتر، رویکرد آموزشـی به این دانش آموزان بـا هـدف موفقیت در آزمون کنکور لحـاظ شود؛ اگر این نظریه را در بوته نقد بگذاریم، به بعضی نکات منفی در آن دست پیدا خواهیم کرد.

از جمله اینکه، مدرسه اساساً مکانی است برای آموختن ادب، اخلاق، درس،

تربیت و غیره؛ بر این اساس اگر بخواهیم از همان سال اول نقطه اتکاء آموزش محصل را معطوف به بحث کنکور نماییم، دانشآموز ما دیگر بههیچ موضوعی جز کنکور توجه نشان نمیدهد و عملاً رفتوآمد او به مدرسه صرفاً جهت آموختن سلسله مباحث علمی موجود در کتاب درسی است و از وادی تربیت، که یکی از کارکردهای اساسی مدرسه است، دور می ماند.

مضاف به اینکه در اینصورت، چنین فضای فکری در محیط خانواده نیز به وجود خواهد آمد و توجه خانواده و دانش آموز صرفاً به کتابهای درسی، آزمون، تست و مواردی از این دست میباشد. در این شرایط در پایان دوره دبیرستان، ما با دانشآموزی روبه رو خواهیم بود که شاید از لحاظ درسی در سطح مطلوبی قرار گرفته باشد و موفقیت او در کنکور حتمی به نظر رسد، اما این شخص در سنین ۱۸–۱۷سالگی از آموختن بسیاری از رفتارهای تربیتی مقتضی سن خود دور مانده و عملاً در این حوزه ناتوان است.

همچون ناتوانی در مسائلی مانند آداب معاشرت، اخلاق، انجام امور دینی و بسیاری مسائل ضروری دیگر؛ البته ما والدین میدانیم عدم توانایی در چگونگی زندگی اجتماعی، به طور قطع زیانبارتر از عدم موفقیت در کنکور برای فرزند ما خواهد بود!

مسئله قابل توجه دیگر در بحث قرار دادن دانش آموز از سال اول دبیرستان در وادی کنکور این است که اساساً برونداد آزمون کنکور سؤالهای چهارجوابی یا همان تستی است.

اگر ما بخواهیم از همان سال اول دروس را به صورت تستی با دانش آموزان کار کنیم، دیگر یادگیری برای فرزند ما صورت نمی گیرد و فقط در انتخاب جواب توانا می شود. به عبارت دیگر از همان سال اول، فرزند دبیرستانی ما با سؤالاتی که جوابهایی در کنار خود دارد روبه رو می شود و او باید در بین جوابهای ارائه شده، پاسخ صحیح را پیدا کند و علامت بزند؛ بنابراین همیشه درگیر یافتن پاسخ

صحیح است و از ارائه توضیح در مورد آن عاجز خواهد بود و با این شرایط نیز همیشه اضطراب دارد.

لذا هنگامیکه قرار است دانش آموز به دنبال سؤالهای تستی یا همان چهارجوابی رود، باید مطمئن باشیم که بخش آموزش او کامل شده است و حال با استفاده از سؤالات چهارجوابی می خواهیم مهارت او را بسنجیم و دریابیم که در یادگیری مبحث مورد نظر تا چه اندازه ماهر شده است.

دانش آموز سالهای اول و دوم دبیرستان در معرض آموزش است، با این تفاسیر چطور می توانیم مهارت شخصی را که هنوز در معرض آموزش است بسنجیم؟!

آیا می شود بدون آنکه مطلبی را به فردی آموزش داد، مهارت او را در آن حوزه سنجید؟!

مثال:

به طور مثال شخصی که در کلاسهای آموزش راهنمایی و رانندگی برای دریافت گواهینامه شرکت میکند و در همان جلسات اولیه مربی بخواهد مهارت متربی را در رانندگی بسنجد، قاعدتاً چنین چیزی ممکن نیست؛ این شخص باید ابتدا در جلسات متعدد تئوری و عملی آموزش رانندگی شرکت نماید و در طی دو الی سه سال رانندگی کند، بعد می توان انتظار مهارت در این کار را از او داشت.

بررسی اجمالی سؤالات تستی نیز نکات مهمی درهمین زمینه را روشن خواهد ساخت. چرا که روش طراحی سؤالات تستی به این صورت است که از بین چهار گزینه موجود، یک جواب حتماً غلط است، از سه گزینه دیگر، یک گزینه با موضوع سؤال بی ارتباط است و دو پاسخ درست باقی می ماند که یکی از آنها از دیگری صحیح تر و متناسب تر با سؤال مطرح شده است. برای انتخاب گزینه صحیح، دانش آموز باید ابتدا بحث مورد نظر را به خوبی آموخته و به خاطر

سپرده باشد و سپس صحیح ترین گزینه را انتخاب نماید.

پس بحث آمادگی برای کنکور در دوره دبیرستان نیز بر اساس این الگو دیده می شود. هم والدین و هم دانش آموزان باید مراقب باشند که این افت های مقطعی را غیر عادی تلقی نکنند و بدانند که این وضعیت گذرا است. همچنین والدین در این مقاطع نباید از تقویت انگیزه های درونی غافل بمانند. دیگر اینکه در بسیاری از خانواده ها دیده میشود که به خاطر کنکور فرزند خود، شرایط خاص اضطرابزا در خانواده اعلام می شود.

هر نوع رفت وآمد خانوادگی ممنوع می گردد، برخی از والدین حتی دید و بازدید عید را قطع نموده و بعضی ها حتی تلویزیون را نیز کاملاً جمع می کنند؛ اینکه چنین رفتارهایی تا چه حد ضرورت دارد؟ جواب قاطعی نداشته؛ چرا که شرایط خانواده ها با یکدیگر متفاوت است.

اما اعتدال در همه امور پسندیده است؛ مهم رفتارهای تند، یک طرفه و حساسیت برانگیز نیست، نکته مهم اعتدال و منطق موجود در رفتارها می باشد. گاه ممکن است یکبار مهمانی رفتن یا دیدن یکی از افراد فامیل و یا حتی یک سفر مختصر، انگیزهای در فرزند شما ایجاد کند که حتی عقب افتادگی چند روزه تحصیلی او را جبران نماید. تحمل شرایطی سخت و یکنواخت در چندین ماه برای همه سخت است؛ حتی اگر خود فرزند رضایت داده باشد، ما ایجاد چنین شرایطی را فقط برای دو ماه آخر مانده به کنکور توصیه می نماییم.

علاوه بر موارد گفته شده، والدین عزیز نکات زیر را نیز رعایت نمایند:

*محیط خانه را در آستانه کنکور، آرام و بدون تنش نگه داشته و از به وجود آمدن مسائل تنشزا خودداری نمایند.

*از مهمانی رفتنهای غیر ضروری خودداری کنند.

*از انجام کارها و مسائلی که تمرکز دانش آموزان را به هم میزند، خودداری نمایند.

ص: ۵۱

*به تغذیه و استراحت دانش آموزان توجه کافی داشته باشند.

*محیط خانه را گرم و پر نشاط کرده و از این طریق، روحیه دانش آموز را نیز شاد و پر نشاط نگهدارند.

*برخورد ملایم و مناسبی با دیگر فرزندان خود داشته باشند.

*توجه! روشن بودن طولانیمدت تلویزیون موجب عدم تمرکز دانش آموز میگردد.

*در برخورد با مسائل فرزندان، صبور و انعطاف پذیر باشند.

*مشوق فرزندان خود بوده و از مأیوس کردن آنها بپرهیزند و به این طریق، اعتمادبهنفس را در آنها افزایش دهند.

*با برنامهریز درسی و مشاور خانواده، ارتباط داشته باشند، از ضعفهای دانشآموز آگاه شوند و برای برطرف کردن و تقویت نمودن آنها بکوشند.

*والدین عزیز! از خود دفاع و تعریف نکنید و از بیان جملاتی مانند: "تو دیگه چی میخوای؟! هرچه خواستی ما در اختیارت گذاشتیم، پس بشین درستو بخون" یا جملاتی مانند: "بابات برات زحمت میکشه، دو تا سه میلیون برات هزینه کرده" و غیره بپرهیزید؛ این جملات یعنی دفاع و تعریف از خود.

*والدین گرامی! لطفاً به دانشآموز استرس وارد نکنید؛ دائم از او نپرسید: خواندی؟ تستت را زدی؟ چند درصد زدی؟ و غیره؛ در اینصورت خانواده همراه با جامعه که کنکور را غول کرده است، این مسأله را غیر واقعی نشان داده و به دانش آموز استرس وارد میکنند. در حالیکه والدین و اعضاء خانواده باید جهت آرامش، احساس امنیت و تأمین خاطر دانشآموز تلاش نمایند.

ص: ۵۲

فصل سوم:چگونگی برنامه ریزی درسی

برنامه ریزی درسی

برنامه ریزی درسی یکی از مهمترین ارکان یادگیری دروس توسط دانشآموزان است که به دور از هرگونه سردرگمی، بی علاقگی و بی رغبتی به یادگیری درس منجر می شود. بر این اساس برنامهریزی عبارت از یک روشی است که با محور قرار دادن تمرکز به یادگیری، موجب سرعت بخشیدن به یادگیری دروس می شود.

برنامهریزی عبارت از یک روشی است که با محور قرار دادن تمرکز به یادگیری، موجب سرعت بخشیدن به یادگیری دروس میشود.

در توضیح تمرکز باید بگویم که به کانون شدن کلیه حواس انسان روی یک

ص: ۵۳

موضوع مشخص، تمرکز کردن میگویند؛ مثلاً دانش آموز به معلم نگاه میکند، به صدای او گوش می دهد و همه حواس خود را معطوف به او میکند. به گونه ای که اگر شخص سومی در آن شرایط مشغول رفت وآمد باشد، دانش آموز متوجه او نمی شود؛ زیرا کل توجه و حواس خود را درگیر یادگیری کرده است؛ لذا در این حالت می گوییم دانش آموز دارای تمرکز است.

به کانون شدن کلیه حواس انسان روی یک موضوع مشخص، تمرکز کردن میگویند.

کمک گرفتن از نوشتن برای یادگیری، میزان تمرکز را افزایش می دهد؛ زیرا وقتی شخص مطلبی را می نویسد، ناخودآگاه آن را می خواند؛ بنابراین دست، چشم و مغز نیز ناخودآگاه با یکدیگر هماهنگ می شوند؛ یعنی دانش آموز در این شرایط میبیند و حس بینایی او به کار می افتد، خودکار در دست دارد که این منجر به استفاده از حس لامسه می شود، مغز درگیر است، گویی گوش صدای زمزمه مغز را می شنود و بدینترتیب چند احساس انسان با همدیگر در یک نقطه ای به اسم نوشتن متمرکز می شوند.

لذا تمرکز دانش آموز افزایش پیدا کرده و یادگیری او عمیق میشود؛ به طور خلاصه هر چه بتوانیم احساسات بیشتری را در موضوع یادگیری دخیل نماییم، آن یادگیری ماندگارتر خواهد شد.

لزوم وجود برنامهریزی درسی برای دانشآموزان خصوصاً در مقاطع بعدی تحصیل از دو هدف سرچشمه می گیرد:

۱- اینکه برنامه ریزی درسی سبب میشود دانش آموزان با توجه به حجم مطالب درسی به "کل برنامه درسی" خود برسند و بتوانند تمامی دروس مربوط به پایه تحصیلی خود را مطالعه نمایند.

۲-اینکه یک برنامه ریزی منسجم سبب "یادگیری پایدار" مطالب درسی در ذهن دانش آموزان میشود.

یادگیری پایدار یعنی:

یادگیرنده با اطلاعاتی روبه رو شود،

 آنها را بهخاطر بسپارد،

 بتواند روی اطلاعات تجزیه و تحلیل نماید،

 بتواند آن اطلاعات را با موضوعی تطبیق دهد،

 توانایی سپردن اطلاعات تطبیق داده شده به حافظه خود را داشته باشد،

 بعد از مدتی قادر باشد اطلاعاتی را که این مراحل را گذرانده اند، به صورت کتبی یا شفاهی بازآفرینی نماید.

هر کدام از این مراحل در یادگیری پایدار اتفاق نیفتد، یعنی یادگیری پایدار صورت نگرفته است. تکنیک های یادگیری مانند خلاصه نویسی، از جمله روشهایی است که یادگیری را پایدار میکند، که در صفحات بعدی به توضیح آنها خواهیم پرداخت.

هر چه بتوانیم احساسات بیشتری را در موضوع یادگیری دخیل نماییم، آن یادگیری ماندگارتر خواهد شد.

سؤال؟

*یادگیری چگونه شکل می گیرد؟

یادگیری روشهای مختلفی دارد؛ در مبحث یادگیری متون، چند تکنیک وجود دارد، از جمله:

*خلاصه نویسی

*یادداشت برداری

*تبدیل یک متن یا موضوع به حالت سؤال و جواب

*استفاده کردن از کلماتی که خود شخص آن را بهعنوان نشانه میسازد تا مبحث مورد نظر را فراموش نکند

مثلاً- تمام حروف قمری در زبان عربی را به روش معمولی شاید نتوان حفظ و تکرار نمود، اما با ساختن عبارت یا شعری با حروف قمری میتوان آنها را بهراحتی حفظ کرد و بهخاطر سپرد، بیتی همچون "عجبا که خوف حق غمی" دقیقاً مصداق بارز این مدعاست؛ یعنی این تکبیت از تمام حروف قمری تشکیل شده است.

پس به وسیله درست کردن واژه یا عبارتی در دروس شیمی یا فیزیک نیز میتوان یادگیری و یادآوری آن مطلب را سهلتر نمود؛ البته در این روش باید توجه داشته باشید که قوانین، آیات قرآن، احادیث، فرمولهای علمی، بیان صریح یک موضوع توسط یک صاحب نظر، نظریه های علمی، فرضیه های علمی و تاریخها نباید به این روش خلاصه و تغییر داده شوند.

اما روش منتخب ما روشی است که بر محوریت تمرکز پایهریزی شده باشد. نکته مثبت این روش حداقل زمان و حداکثر بهرهگیری است که منجر به بهترین کیفیت میشود؛ کانون قرار دادن تمامی حواس مانند شنوایی، بینایی و غیره چنین شرایطی را بهوجود میآورد.

توصیه می شود که والدین در هر مقطع تحصیلی از ابتدایی تا دبیرستان از تعیین ساعتی مشخص برای فرزند خود جهت درس خواندن تا جایی که امکان دارد، اجتناب نمایند.

اما والدین می توانند برای تعیین یک چارچوب مشخص و در نظر داشتن شروع و پایانی برای درس خواندن فرزندشان، تعداد صفحات کتاب مثلاً بیست صفحه، فصلهای کتاب یا موضوعات هر درس را نقطه ای برای تعیین شروع و پایان مطالعه براساس برنامه برای ایشان قرار دهند. پس تا آنجایی که امکان دارد،

والدین باید از تعیین زمان و وقت (به معنی ساعت) برای درس خواندن دانشآموز خودداری نمایند.

مثلاً اینکه بخواهند دانش آموز را موظف کنند بیست یا سی صفحه را در دو ساعت مطالعه کند؛ این روش روانی اثر منفی و استرسزا بر شخص دارد. لذا برای به وجود نیامدن چنین شرایطی، میتوان در هنگام برنامهریزی درسی از روشهایی که ذکر شد، استفاده نمود. مثلاً در کتابهای مقطع دبستان یک موضوع ساده در ده صفحه توضیح داده شده است، والدین میتوانند با مدنظر قرار دادن این موضوع، مطالعه و یادگیری آن را از فرزند خود درخواست نمایند.

البته این به معنای بی توجهی والدین به زمان مطالعه فرزند خود نیست. والدین باید بدانند که توجه به زمان مطالعه و نوع عنوان درسی مورد مطالعه، در برنامه ریزی درسی حائز اهمیت است؛ یعنی برای اینکه طبق نکتهای که پیش از این ذکر شد، دانشآموز بتواند به کل برنامه درسی خود برسد، نباید از زمانبندی نهایی برای مطالعه غافل شوند. اما برای برخورداری از بهترین کیفیت زمان مطالعه، لازم است آن را به صورت صفحهای یا موضوعی بیان نماییم.

نکته دیگر کتاب درسی می باشد، که قرار است مورد مطالعه قرار گیرد؛ قطعاً نوع و روش خواندن دروس ریاضی و عربی با یکدیگر متفاوت است. پس هنگام برنامه ریزی درسی فرزند خود به این نکات مهم توجه داشته باشید؛ چرا که عدم دقت نظر بر چنین مسائلی، دلزدگی از ادامه روند تحصیلی را برای او در پی خواهد داشت.

در راستای زمانبندی و نوع عنوان درسی جهت تدوین یک برنامه درسی کاربردی، توصیه مؤکد این است که برنامه درسی فرزندتان را بر اساس تعداد صفحات مورد مطالعه پایهریزی نمایید؛ یعنی به جای تعیین یک بازه زمانی مشخص برای مطالعه، تعداد مشخصی از صفحات کتاب مورد مطالعه را جهت برنامهریزی مدنظر قرار دهید.

ص: ۵۷

مثلاً با مشورت با فرزندتان مشخص نمایید که بیست یا سی صفحه از کتاب تاریخ را در روز دوشنبه حتماً بخواند، به جای اینکه به او بگویید از ساعت نه تا ده صبح درس تاریخ را مطالعه کند.

این روش هم از لحاظ یادگیری بازدهی بیشتری با خود بههمراه دارد و هم اینکه فشار روانی و استرس کمتری به دانشآموز جهت اینکه او به اجبار باید در طی یک ساعت مشخص به مطالعه بپردازد وارد میکند.

همچنین میتوانند توضیحات ده صفحه ای کتاب در مورد یک موضوع را در چند خط برای دانش آموز عنوان نمایند؛ با این کار خصوصاً از دوم و سوم ابتدایی به بعد کمکم دانش آموزان با خلاصه نویسی آشنا میشوند.

برای آشنایی آنها با روش یادداشت کردن یا به اصطلاح نتبرداری نیز میتوان اینگونه بیان کرد که "پسرم یا دخترم، من میخواهم یک موضوع درسی را برای تو توضیح دهم؛ در هنگام توضیحات من هر قسمتی را که فکر میکنی مهم است، میتوانی یادداشت کنی." آموزش این مدل یادگیری، تماماً باید در دبستان صورت گیرد.

اما متأسفانه در حال حاضر، آموزش روشهایی چون خلاصه نویسی و یادداشتبرداری از مقطع راهنمایی آغاز میشود؛ در نتیجه هنگامی که دانش آموز به سالهای پایانی دوره آموزش خود در مدرسه میرسد، در سالهای دوم و سوم دبیرستان با خود فکر میکند کاش چند سال به عقب باز میگشت. زیرا تازه چگونه برنامهریزی درسی و درسخواندن را آموخته است!

موضوع دیگر در بحث برنامه ریزی درسی که ضروری است والدین به آن توجه ویژهای داشته باشند، تفاوت ذاتی هر درس در آموزش و یادگیری است؛ در حقیقت مطالعه هر درس اقتضائات خاص خود را دارد که در هنگام برنامه ریزی درسی حتماً باید به آن توجه شود.

مثلاً دروس ادبیات فارسی، ریاضی و علوم هر کدام روشه ای مخصوص به

خود را جهت مطالعه و یادگیری از یادگیرنده طلب میکنند. توجه به این تفاوتها و اعمال تغییرات لازم در برنامه ریزی، با توجه به تفاوت هر درس با درس دیگر، باید از دوره ابتدایی آغاز شود.

در حقیقت همین که دانش آموز بداند هر درسی را باید متناسب با محتوای همان درس مطالعه نماید، کمک میکند تا او آن درس را به خوبی و با رغبت بیشتری یاد گیرد.

مطالعه هر درس اقتضائات خاص خود را دارد که در هنگام برنامه ریزی درسی حتماً باید به آن توجه شود.

بدینترتیب، دیگر فرزند شما با این موضوع مقابله نمیکند که مثلاً درس ادبیات با روش مشق نوشتن، خواندن لغات و مواردی از این دست بهتر یاد گرفته میشود و برای یادگیری درس ادبیات این روشها را از دبستان تا دبیرستان به کار می بندد.

اما تأکید می کنیم که بهتر است این مبحث در مقطع ابتدایی به محصل آموزش داده شود. اگر معلمی به هر دلیل در آموزش آن به فرزند شما دچار مشکل شد، والدین باید به آن توجه داشته باشند و به آموزش چنین نکات و تفاوتهایی به فرزند خود اقدام نمایند.

یکی دیگر از مواردی که والدین باید به آن دقت خاصی داشته باشند و متأسفانه تا به حال استفاده مفیدی از آن در برنامهریزی درسی نمی شود، این است که دانشآموز درسی را که فراگرفته و مطالعه نموده است، برای والدین خود توضیح دهد. در اکثر رویکردهای مربوط به بخش برنامه ریزی درسی این موضوع مطرح است که دانش آموزان درس را چگونه بخوانند و یاد بگیرند و چگونه آن را ارائه نمایند.

در برنامه ریزی درسی دانش آموز باید درسی را که فراگرفته و مطالعه نموده است، برای والدین خود توضیح دهد.

 یک راهکار...

در اینجا پیشنهاد و راهکار ویژه ما به والدین عزیز این است، در کنار موضوعاتی که شرح داده شد، باید یک سرفصل دیگر نیز در بحث چگونگی آموزش برنامهریزی درسی برای فرزندشان قرار دهند؛ دانشآموز باید بتواند بعد از مطالعه درس، آن درس را برای والدین یا اعضاء خانواده خود شرح دهد که اگر نتواند توضیح دهد، یعنی هنوز یادگیری پایدار در ذهن او شکل نگرفته است.

دانش آموز اگر نتواند درسی را که مطالعه نموده توضیح دهد، یعنی نمیتواند آن را بهخوبی یادداشت کند، در صورتیکه او در انتهای سال باید بتواند آموخته های خود را در برگه امتحانی بنویسد!

حال تصور نمایید که فرزند شما در دبستان آموخت که بعد از مطالعه هر درس باید توانایی توضیح آن را به شخص دیگری نیز داشته باشد، پس هنگامیکه وارد مقطع راهنمایی و دبیرستان شد، متوجه می شود تا زمانیکه مبحثی را نتواند توضیح دهد، یعنی آن مبحث را یاد نگرفته است.

در این شرایط فرزند شما دیگر میداند که باید درس را بهخوبی بخواند و بنویسد تا یاد بگیرد و بعد توضیح دهد؛ این کارها را انجام میدهد بدون آنکه شما دخالتی در کار او داشته باشید یا درگیر مراحل مطالعه و یادگیری او شوید. البته باید دقت داشته باشید، که این شرایط زمانی برای شما به وجود میآید که از مقطع ابتدایی چنین روشی را با او پیموده باشید.

بر این اساس یادگیری دانشآموز زمانی صحیح است که او بتواند بعد از مطالعه مبحثی، آن را به درستی توضیح دهد.

ص: ۶۰

یـادگیری مطـالب زمـانی راحتتر صورت می گیرد که بخواهیـد آنچه را می خوانیـد، بفهمیـد؛ نه اینکه فقـط به طور دائم آن را بخوانیـد و تکرار نمایید و نشانه ای از درک مطلب نباشد؛ چون اگر تلاش در جهت فهمیدن مطلب باشد، نه تنها پیشـرفت قابل ملاحظه ای در شـخص صورت می گیرد، بلکه برای خواندن دروس خیلی راحتتر متقاعد به درس خواندن میشود. با وجود این همانطور که گفته شد، روشهایی وجود دارد که به وسیله آنها یادگیری و بازآفرینی مطالب راحتتر انجام می شود.

مثلاًـ می توان از شاخصـها کمک گرفت؛ به این ترتیب که حرف اول هر چیزی را در نظر گرفته، یک کلمه یا جمله بسازیـد و آن را به تنهایی در خاطر بسپارید؛ این کار به شما کمک مینماید در زمان بازآفرینی مطالب، اشتباه نکنید.

مثال

فرض کنید می خواهید ارکان نماز را یاد بگیرید، ارکان نماز عبارتند از:

قیام، نیت، تکبیره الاحرام، رکوع و سجده؛ حال از هر کلمه حرف اول را جدا نموده و کنار یکدیگر قرار میدهیم.

در اینصورت، به واژه "قنترس" میرسـیم؛ یـادگیری یـا حتی حفظ این یک کلمه در بازآفرینی اطلاعات ذهنی شـما بسـیار مؤثر است.

به طور خلاصه فواید برنامه ریزی درسی شامل موارد زیر میشود:

*برنامهریزی درسی اگر مطابق با فرآیند ذهنی دانشآموزان باشد، با زندگی شخصی آنها مطابقت داشته و اگر پراکندگی بیش از اندازه نیز نداشته باشد، باعث تمرکز ذهن دانش آموزان می شود.

*برنامه ریزی درسـی اگر منظم و منطقی باشـد، میتواند تعادل و تعامل مناسبی بین دروس پایه از قبیل فیزیک و دروس عمومی مانند: ادبیات و معارف اسلامی

برقرار نماید تا یادگیری به صورت متوازن ایجاد شود.

*برنامه ریزی درسی به تدریج توجه و تمرکز دانش آموزان را بهبود می بخشد؛ زیرا دانش آموزان به مرور میدانند چه مقدار ساعتی را باید مطالعه نمایند.

*دانش آموزان در حین مطالعه بر اساس برنامه ریزی درسی، آرامآرام عادت به مطالعه در آنها شکل می گیرد و دوست دارند بیشتر مطالعه نمایند.

*با برنامه ریزی درسی وقت مطالعه دانش آموزان تنظیم میشود و در استفاده بهینه از زمان مفید خود صرفه جویی می کنند، یعنی برای امور غیر مهم و غیر ضروری وقت کمتری را اختصاص میدهند.

برنامهریزی درسی به تدریج توجه و تمرکز دانش آموزان را بهبود می بخشد.

*با استفاده از برنامه ریزی درسی، به موفقیت های کوچک و بزرگی دست پیدا کرده، لذا چشم انداز مناسبی از آینده برای فرزندان نمایان می شود، که موجب خوش بینی به آینده تحصیلی و شغلی آنها خواهد شد.

*دانش آموزان در حین مطالعه، به روش صحیح خواندن هر درس دست خواهند یافت.

*فرزندان ما هرچه بیشتر مطالعه نمایند، حافظه آنها قویتر می گردد و حس میکنند که باهوشتر هستند.

*به مرور اکثر کارها و وظایف خود را اولویت بندی نموده و عمده کارهایشان را میتوانند با موفقیت انجام دهند.

خلاصه اینکه:

به طور کلی فرزند من و شما در مقطع دبستان با برنامهریزی درسی، مراحل و

ابعاد آن آشنا میشود؛ در مقطع راهنمایی به طور کامل بحث برنامهریزی درسی را میآموزد و درک مینماید و در نهایت در دوره دبیرستان آن را به اجرا در میآورد و از فواید آن بهرهبرداری خواهد داشت. (انشاءالله)

برنامه ریزی درسی در دوره ابتدایی

اصول اولیه برنامه ریزی درسی و پیروی دانش آموز از آن، در دوره ابتدایی پایهریزی میشود؛ به همین خاطر، والدین باید در دوره ابتدایی این بخش را با دقت مضاعفی اجرا و پیگیری نمایند تا در مقاطع بعدی، مسیر آرام و پیوسته ای را در بحث برنامه ریزی درسی با فرزند خود طی کنند.

در حقیقت هرچقدر والدین در مقطع دبستان این بخش را به درستی در وجود فرزندشان نهادینه کنند، در مقاطع بعدی با موانع و مشکلات کمتری در این حوزه مواجه خواهند شد.

پس دوره دبستان، زمان قرار دادن سنگبنای اولیه آموزش و اجرای برنامه ریزی درسی برای دانش آموز است تا با ورود او به پایه ها و مقاطع بعدی، این مهم آرامآرام در وجود او پرورش پیدا کرده و کاملتر شود.

دوره دبستان، زمان قرار دادن سنگ بنای اولیه آموزش و اجرای برنامهریزی درسی برای دانش آموز است.

مشارکت والدین در فرآیند آموزش کودکان مسألهای پیوسته است و باید همیشه برقرار باشد.

با توجه به نیاز ذاتی کودکان به نظم، مسأله مطالعه و یادگیری نیز باید با برنامه ریزی خاصی انجام شود. دانش آموزان در دوره ابتدایی با بحث درس و برنامهریزی درسی به طور مثال: پنج ساعت در مدرسه و سه ساعت در خانه درگیر

ص: ۶۳

هستند که نهایتاً هشت ساعت میشود. وجود یک برنامه درسی منسجم در این دوره کمک میکند تا کودک تمامی مسائل و بخشهای دیگر زندگی خود را منظم پیش برد.

برنامه ریزی درسی در دوره ابتدایی ذهن کودک را به سمت منظم بودن در بقیه بخشها و مراحل زندگی هدایت مینماید.

یعنی وقتی دانش آموز بداند که در حوزه مسائل درسی هشت ساعت در روز باید بر اساس یک برنامه ریزی پیش رود، طبیعتاً در کارهای دیگر خود مانند خوابیدن و غذا خوردن نیز منظم رفتار میکند.

پس یکی از نتایج مثبت برنامه ریزی درسی در دوره ابتدایی این است که ذهن کودک را به سمت منظم بودن در بقیه بخشها و مراحل زندگی هدایت مینماید. (در بخشهای قبل در خصوص زمان مفید مطالعه و انجام تکالیف درسی دانش آموز دبستانی توضیح داده شده است.)

لذا این اقدام نقطه شروعی است که با الگو قرار دادن برنامه های درسی دبستان، برنامه ریزی را به او یاد دهید. مثلاً به او بگویید: "باید ساعت معینی در دبستان حاضر باشی، در ساعت معینی سر کلاس بروی، در ساعت معینی درس فارسی داری، در ساعت معینی باید استراحت کنی و نهایتاً در ساعت معینی به منزل بازگردی؛ در منزل نیز اگر برنامه ریزی داشته باشی، میتوانی به درسهایت برسی، تفریح بروی و غیره؛ در غیر این صورت، وقتت هدر میرود و نمی توانی کارهایت را انجام دهی و آزادانه بازی کنی."

در واقع این تدبیر، کودکان را به برنامه ریزی عادت میدهد تا در مقاطع بالاتر بتوانند بهترین برنامه را برای خود داشته باشند.

ص: ۶۴

والدین عزیز!

سعی کنید خودتان الگوی مناسبی برای او باشید و با تدبیر در امور منزل، به صورت غیر مستقیم برنامه ریزی را به او آموزش دهید؛ توجه داشته باشید که برنامه روزانه فرزند ما نباید صرفاً درسی باشد، بلکه باید همه فعالیتهای مورد علاقه او، از جمله بازی و سرگرمی، در برنامه روزانه گنجانده شود.

والدین باید توجه داشته باشند که موضوع برنامه ریزی درسی در پایه ابتدایی به عنوان یک اصل اولیه مدنظر قرار میگیرد و ضروری است با چنین رویکردی به بخش برنامه ریزی درسی دوره ابتدایی فرزند خود وارد شوند؛ لذا چگونگی برنامه در این دوره حتماً باید به گونهای باشد که کودک زمان زیادی نیز برای بازی کردن داشته باشد و نباید بخش بازی کردن کودک را خیلی محدود نمود.

به عبارت بهتر، در دوره ابتدایی "بازی" به معنای واقعی "بازی" باید وجود داشته باشد؛ یعنی فرزند ما باید بازی را که دوست دارد انجام دهد بدون آنکه نگران چیزی باشد، تا از این رهگذر بتواند خود واقعیاش را نشان دهد. اگر والدین از همین دوره به این نکته در هنگام تهیه برنامه درسی فرزند خود توجه نداشته باشند، آرامآرام بی علاقگی و بیرغبتی به درس و تحصیل در وجود آنها نهادینه میشود و تا مقاطع بالاتر همراه او باقی خواهد ماند.

در دوره ابتدایی "بازی" به معنای واقعی "بازی" باید وجود داشته باشد.

فرزندان در سنین مختلف به زمان خواب متفاوت احتیاج داشته، ولی معمولاً ـ در یک محدوده سنی یکسان نیز بعضی از کودکان به خواب بیشتر یا کمتر نیز احتیاج دارند؛ علاوه بر نیاز خواب که در همه کودکان به یک اندازه نیست، مدت

زمان مطالعه نیز در همه آنها یکسان نمیباشد.

هر دانشآموزی با توجه به خلقیات، شخصیت، هوش و مواردی از این قبیل زمان خاصی برای درس خواندن لازم دارد که باید توسط والدین در نظر گرفته شود.

از تعیین ساعت مشخص برای درسخواندن فرزند خود بهدلیل بار منفی روانی که بر او دارد، اجتناب نمایید.

پس با توجه به اینکه پیش از این گفتیم، از تعیین ساعت مشخص برای درسخواندن فرزند خود بهدلیل بار منفی روانی که بر او دارد، اجتناب نمایید. اما در مراحل اولیه اجرای برنامه حتماً مشاهده کنید که به طور طبیعی یادگیری فرزندتان به چه صورت است و تا چند ساعت توانایی تمرکز بر مطالعه و یادگیری را دارد؛ بعد از کسب اطلاع از این موضوع، میزان صفحات یا موضوعی را که برای درس خواندن او تعیین میکنید، در حدود همان میزان ساعت و متناسب با توانایی فرزندتان تقسیمبندی نمایید.

اگر کودک شما به اندازه زمان درسخواندن خود دارای عملکرد خوبی است، این زمان مشخص نیاز به اصلاح ندارد. ولی اگر با توجه به زمانیکه در اختیار دارد عملکرد خوبی ندارد، این مقدار زمان باید تغییر کند.

یکی از اهداف اولیه ارائه برنامه ریزی درسی در دوره دبستان این است که دانش آموزان ابتدایی تفکیک دروس را بفهمند؛ دانش آموز در این دوره باید بین درس فارسی و علوم تفاوت و تفکیک قائل شود. فهم دانش آموز از این مسأله، او را به مرحله بعدی در برنامه ریزی یعنی اولویت بندی می رساند. ما وقتی از برنامه ریزی درسی استفاده می کنیم، ناخودآگاه از برخی اولویت های درسی نیز

ص: ۶۶

استفاده می نماییم؛ مثلاً به درس ادبیات فارسی یا ریاضی در یادگیری اولویت میدهیم.

یکی از اهداف اولیه ارائه برنامه ریزی درسی در دوره دبستان این است که دانش آموزان ابتدایی تفکیک دروس را بفهمند.

اولویت دادن به دانش آموز کمک میکند تا در نظم دادن به دروس و دیگر کارهای خود از موضوع و واژه اولویت بندی استفاده نماید. اگر کودک در شش سال دوره ابتدایی با این موضوع آشنایی پیدا کند و آن را بهخوبی فراگیرد، هنگامی که وارد دوره راهنمایی میشود و پدر یا مادر برای او توضیح میدهند که فراگیری و زمانبر بودن درس علوم بر درس جغرافیا اولویت دارد و او باید دو برابر زمانی را که صرف یادگیری جغرافیا میکند به مطالعه علوم اختصاص دهد، آن را میپذیرد.

اما اگر از ابتدای ورود به مدرسه بدون برنامه پیش رفته باشد، هنگام مطالعه، همه درسها در ذهن او در یک خط قرار میگیرند. در این موقعیت وقتی با یک مشکل درسی روبه رو شود، در حقیقت با ده مشکل برخورد میکند؛ خصوصاً در دورههای بالاتر که تعداد عناوین درسی بیشتر و محتوا سخت تر میشود؛ چرا که هیچ کلیدی برای یادگیری دروس قائل نبوده است.

اگر در دوره دبیرستان به دانشآموز بگویید ضعف او در درس فیزیک از درس ریاضی نشأت میگیرد، این مطلب را میپذیرد؛ زیرا بخش مهمی از محتوای درس فیزیک به محاسبات اختصاص دارد و دانشآموز نیز در محاسبات ضعف دارد. زیربنای چنین پذیرشی از سوی دانشآموز دبیرستانی، به آموزشهای دوره ابتدایی و دبیرستان دوره اول باز می گردد.

ص: ۶۷

برنامه ریزی درسی در متوسطه (۱)

هدف نهایی از برنامه ریزی درسی در دوره راهنمایی این است که والدین بتوانند استقلال درسی را به فرزندشان بیاموزند.

بحث قابـل توجه در خصوص مـاهیت برنـامه ریزی درسـی در دبیرسـتان دوره اول، از این قرار است که دانش آموز نوجوان به مطالعه و یادگیری علاقه مند شود،

ص: ۶۸

درسخواندن را دوست داشته باشد و یاد بگیرد که از این به بعد امور درسی را باید به صورت مستقل و شخصاً پیگیری نماید.

به طور کلی، هدف نهایی از برنامه ریزی درسی در دوره راهنمایی این است که والدین بتوانند استقلال درسی را به فرزندشان بیاموزند تا در مقطع بعدی، اقدام اساسی تری را در این حوزه از فرزند خود انتظار داشته باشند.

سؤال؟

*استقلال درسی را چگونه باید به یک نوجوان آموزش داد؟!

والدین گرامی به مثالی در این زمینه توجه نمایید:

بعد از پایان ساعت مدرسه و بازگشت فرزندمان به خانه، به او میگوییم که حدود نیم ساعت تا چهل دقیقه میتواند استراحت کند. توجه داشته باشید که این میزان به یک ساعت نرسد؛ بعد باید سراغ درسهای خود برود. ابتدا از تکالیفی که باید بنویسد شروع کند؛ زیرا نوشتن تمرکز شخص را افزایش می دهد.

نوشتن تمرکز شخص را افزایش میدهد.

بنابراین اگر ابتدا بخش نوشتاری تکالیف خود را انجام دهد، هنگامیکه قصد دارد به سراغ مطالب خواندنی برود، به مراتب این کار را بهتر و راحتتر انجام خواهد داد و بهره وری بالاتر و بیمیلی کمتری نیز در درس خواندن خواهد داشت.

برخی بچه ها عادت دارند بعد از مراجعت به منزل، کمی بخوابند و استراحت کنند؛ والدین محترم توجه نمایید که ساعت خواب بیشتر از بیست دقیقه معمولاً- نه تنها خستگی را برطرف نمی کند، بلکه برنامه بدن را به سمت خواب شبانه برده و معمولاً بعد از آن فرزند شما کسل خواهد شد.

ص: ۶۹

لذا برنامه خواب فرزند خود را با توجه به توضیحات داده شده تنظیم نمایید.

ساعت خواب بیشتر از بیست دقیقه معمولاً فرزند شما را کسل خواهد کرد.

تداوم پیاده نمودن این برنامه با چنین روشی باعث میشود که بعد از مدتی نوجوان ما دریابد که خودش به دنبال مباحث درسی، اعم از نوشتن یا خواندن رود و به صورت مستقل برنامه درسی خود را در طول این دوره پیگیری نماید و والدین نیز مشاهده میکنند که بعد از مدتی، دخالت مستقیم کمتری در انجام امور درسی او خواهند داشت.

نکته مهم دیگر اینکه اگر در دوره راهنمایی (متوسطه۱) در زمینه برنامهریزی درسی برای دانش آموز کوتاهی صورت گرفته باشد و او در یک یا چند مورد ضعف درسی داشته باشد، با وجود سختیهایی که به همراه خواهد داشت، اما قابل جبران است.

در واقع امکان هدایت دانشآموز به سمت مسیر صحیح و رفع مشکلات درسی او وجود دارد، اما با دشواری همراه است.

به این معنا که مربی و معلم میتواند مشکل دانشآموز در مورد یک یا دو عنوان درسی را با صرف مقدار زمان مشخصی برطرف نماید؛ زیرا محتوای مطالب درسی در این دوره به گونهای است که امکان جبران کمکاری و کوتاهی دانش آموز را طی دو یا سه جلسه تقویتی برای او فراهم می سازد.

بعد از آن نیز او میتواند با در پی گرفتن یک برنامه درسی منسجم و مدون، از به وجود آمدن چنین مشکلاتی جلوگیری نموده و تمامی مطالب درسی خود را با یک برنامه ریزی درسی اصولی مطالعه کند.

ص: ۷۰

توجه!

بخش زمان بازی و تفریح مخصوص نوجوانان در برنامهریزی درسی، باید در نظر گرفته شود.

در هنگام تدوین برنامهریزی درسی برای فرزند دوره راهنمایی (متوسطه ۱) باید به بحث بازی در این برنامهریزی نیز توجه داشته باشید.

در حقیقت فرزند شما نیازمند یک برنامه درسی اصولی است که آن را پیش روی خود داشته تا با پیروی از آن درس بخواند و همچنین لذتبخش باشد. قرار دادن بحث بازی و تفریح در این برنامهریزی، همین شرایط را برای او بهوجود خواهد آورد؛ چرا که تهیه برنامهای که صرفاً معطوف به مباحث درسی باشد، منجر به بیعلاقگی و دلزدگی از درس برای نوجوان میشود که در آغاز راه یادگیری بهمنظور رسیدن به یک مرحله مشخصی چون انتخاب رشته دبیرستان و ورود به آن است.

پس باید بخش زمان بازی و تفریح مخصوص دانشآموز این دوره حتماً در برنامه ریزی درسی در نظر گرفته شود.

برنامه ریزی درسی در متوسطه (۲)

دوره دبیرستان (۲) مرحله آخر تحصیل دانشآموز در فضا و محیط آموزشی به شکل مدرسه است. بعد از گذر این دوره، دانش آموز ما وارد محیط دانشگاهی با اقتضائات و تفاوتهای خاص خود میشود که در این دوره فرصت بسیار کمتری برای آموزش مواردی از قبیل برنامهریزی درسی دارد. دانش آموزی که وارد دوره دبیرستان (متوسطه۲) میشود، باید اهم آموزشهای لازم در دو مقطع دبستان و متوسطه (۱) در وجود شخصیتی او پایه گذاری شده و پرورش پیدا کرده باشد؛

زیرا بعد از این باید آن آموزشها را در دوره متوسطه (۲) به اجرا درآورد تا تجربه و آمادگی لازم برای ورود به دانشگاه را داشته باشد.

توجه کنید!

توجه داشته باشید که بعد از ورود دانش آموز به دوره دبیرستان، دیگر فرصتی برای جبران مسائل و مشکلات او در زمینه برنامهریزی درسی وجود ندارد. در حقیقت میتوان گفت کمبودهای برنامهریزی درسی در دوره دبیرستان جبران ناپذیر است. محتوای کتابهای درسی در این دوره به گونهای است که امکان رفع کاستیها و کمبودها را تا حد زیادی با مشکل روبه رو می سازد.

مثلاً- ضعف دانش آموز در درسی مانند حسابان را نمی توان با صرف زمان یک یا دو ساعت برطرف نمود و بازه زمانی و انرژی مضاعفی را هم از دانش آموز و هم از دبیر طلب می نماید؛ کمااینکه باید در نظر داشت در کنار این درس، دانش آموز ما عناوین درسی مهم دیگری نیز دارد که باید برای یادگیری آنها زمان خاص خود را اختصاص دهد.

حال فرض کنیم که ضعف درسی دانشآموز مثال ما، فقط در درس حسابان نیست و این مشکلات را در درس فیزیک هم دارد؟! در اینصورت ما والدین، معلم و دانشآموز با یک مشکل جدی روبه رو هستیم.

پس والدین باید در نظر داشته باشند که فرزند آنها از بدو ورود به دوره دبیرستان نیاز به تدوین یک برنامه درسی و تحصیلی منسجم تا پایان این دوره دارد تا از سردرگمی و بهوجود آمدن چنین شرایطی اجتناب شود و فرزندشان یک روال اصولی به دور از هرگونه کاستی، فشار و استرسی را تجربه نماید.

زیرا همانطور که گفته شد، برنامه ریزی درسی در مقطع راهنمایی منجر به ورود فرزند شما به مقطع دبیرستان میشد، در این مقطع نیز، یک برنامه ریزی صحیح کمک می کند تا دانش آموز ما به نحواحسن وارد دانشگاه شود.

ص: ۷۲

گفتیم که در مقطع راهنمایی(دبیرستان دوره اول) هـدف از برنامهریزی، اسـتقلال درسـی نوجوان ما است. اما در این مقطع، با فرض نهادینه شـدن چنین هدفی در وجود فرزندمان، روی کرد مهمتری را غایت برنامه ریزی درسـی او مدنظر قرار می دهیم و آن "رسیدن به موفقیت تحصیلی" است.

بـا تـوجه بـه اینکـه در دوره راهنمـایی، محصـل آموزشـهای لازم را در ایـن بخش دریـافت کرده است، در این دوره بهـدنبال بهرهوری از آموزشـهای ارائه شده خواهیم بود؛ بنابراین با گذشتن از مرحله استقلال درسی به مرحله موفقیت تحصیلی، در پی بهره وری و رسیدن به بالاترین و بهترین بازده تحصیلی هستیم.

به همین علت است که در دوره راهنمایی با این هـدف برای دانشآموز برنامهریزی درسـی ارائه میگردد که به طور مثال، معدل نمرات او پایینتر از هجـده نشود؛ اما در مقطع دبیرسـتان حـد نصاب مقبولیت نمره از هجـده به بالا برای دانشآموز در نظر گرفته خواهد شد.

هدف برنامهریزی در این مقطع، رسیدن به موفقیت تحصیلی است.

بحث بازی نیز که در دورههای دبسـتان و راهنمایی هنگام تدوین برنامه درسـی باید مدنظر اولیاء قرار میگرفت، در این دوره با عنوان ورزش و شادی مطرح میشود؛ یعنی توجه به رشتههای ورزشی، برنامه های مفرح و شادیآور و بازی های مفهومی خاص این مقطع سنی هم یکی از بخشهای برنامه درسی دانش آموز است.

ص: ۷۳

فصل چهارم: چیستی افت تحصیلی؟

افت تحصیلی یاعدم موفقیت درتحصیل

اشاره

تعریف افت تحصیلی: افت تحصیلی یعنی یک دانش‌آموز فعالیت درسی خود را که معمولاً ـ شامل مطالعه، نوشتن و انجام تکالیف است را کاهش میدهد و برای بررسی و قضاوت در مورد کمیت افت تحصیلی دانش آموز معمولاً از نمره کسب شده توسط او استفاده مینمایند.

مثلًا اگر دانش آموزی در ترم اول دارای معدل هجده بوده است، اما در ترم دوم معدل او به هفده میرسد، ما برای این دانش آموز یک نمره معدل افت تحصیلی در نظر می گیریم؛ لذا والدین عزیز توجه داشته باشند که افت درسی صرفاً متعلق به دانش آموزان با معدل پایین نیست، بلکه دانش آموزان با معدل خوب نیز دچار افت تحصیلی می شوند.

پس برای جلوگیری از آن، شایسته است ابتدا با دلایل افت تحصیلی و یا بهعبارت دیگر عواملی که موجب افت تحصیلی دانش آموزان می گردد، آشنا شویم

ص: ۷۵

تا در مواقع لازم نسبت به عدم بروز آنها و یا مدیریت صحیح این عوامل آمادگی لازم را داشته باشیم.

این عوامل معمولاً در چهار بخش کلی دسته بندی می شوند:

عواملی که خود دانش آموز آن را به وجود می آورد

* وقت تلف کردن

یکی از دلایل اصلی افت تحصیلی دانشآموزان، اتلاف وقت است.

یکی از دلایل اصلی افت تحصیلی دانشآموزان، اتلاف وقت است. مثلاً دانشآموز از لحظه رسیدن به منزل تا ساعتی که به خواب میرود، کار مفیدی انجام نمیدهد؛ بلکه نسبت به انجام وظایف دانشآموزی خود کوتاهی نموده و یا آنها را بیدقت و یا ناقص انجام میدهد.

ابزارهای اصلی اتلاف وقت دانشآموزان:

*تلویزیون

*رایانه

*شبکه های اجتماعی و تلفن همراه

*صحبتهای غیر ضروری با والدین یا دیگر اعضاء خانواده

*دید و بازدیدهای نامتعارف

*شرکت در اجتماعات غیر ضروری دوستان بهصورت روزانه و زمانبر

* عدم مهارت در مطالعه و یا در دروس مختلف

یکی دیگر از عوامل افت تحصیلی دانشآموزان، عدم مهارت در مطالعه و

ص: ۷۶

یادگیری دروس مختلف است؛ بسیاری از دانشآموزان برای یادگیری دروس مختلف از یک راهکار ثابت استفاده مینمایند.

مثلاًـ همانگونه که کتاب اجتماعی خود را مطالعه می کنند، همانطور نیز کتاب ریاضی خود را مطالعه مینمایند. این عدم آشنایی با نحوه مطالعه دروس، همزمان با پیمایش مقاطع تحصیلی، موجب افت تحصیلی آنها خواهد شد. (در بخش گذشته مفصل در خصوص برنامهریزی درسی و تحصیلی و اهمیت آن توضیح دادهایم.)

 چند راهکار...

برای جلوگیری از این مشکل به راهکارهای زیر توجه فرمایید:

*از مشاور تحصیلی مدرسه بخواهید نحوه مطالعه و یادگیری دروس مختلف را به دانشآموزان مدرسه و خصوصاً فرزند شما آموزش دهد؛

*از فرزند خود بخواهید خلاصه هر درس را در یک برگ کاغذ کوچک نوشته و در انتهای درس قرار دهد. این کار به او کمک میکند تا در مواقع لازم از خلاصه درس برای مطالعه استفاده نماید؛

*از فرزند خود بخواهید تمرینها و مطالب درسی که معلم ایشان در هنگام ارائه درس نسبت به یادگیری آنها تأکید نموده است را با دقت بیشتری مطالعه نماید؛

*از فرزند خود بخواهید به تمرینات آخر درس پاسخ دهد و اگر تمرینی را نمیتواند تا انتها بنویسد، مهم نیست؛ اما آنچه میتواند را حتماً پاسخ دهد و ادامه آن را از معلم خویش سؤال کند؛

*پیش مطالعه دروس برای یادگیری درس بسیار مهم است؛ از فرزند خود بخواهید قبل از اینکه معلم مبحثی را ارائه دهد، حتماً یکبار درس را مطالعه نماید. با این کار ذهن او آماده دریافت مطالب ارائه شده می گردد؛ ضمناً

سؤالات بیشتری نیز توسط ایشان از معلم پرسیده خواهد شد.

* زیادهروی در بازی، تفریح، ورزش و سرگرمی

بازی، تفریح و ورزش قسمتی از حقوق اولیه هر دانشآموز است که موجب سلامتی جسم و روح او میشود. در بازیهای مدرسه و خانه، فرزندان ما مسائل مهم زندگی را تمرین میکنند و از یکدیگر مطالب مختلفی را یاد میگیرند.

دنیای یک کودک و دانشآموز عموماً دنیای بازی است و او از هر چیزی برای بازی کردن استفاده مینماید. وقتی به بازی کودکان در پارک یا خانه نگاه میکنیم، میدانیم که با تمام وجود از بازی خویش لذت میبرند.

به بازی فوتبال یک نوجوان نگاه کنید، نحوه بازی او در یک زمان کوتاه بسیار جدی و پرهیجان است، گویی تمام دنیای او در همین بازی خلاصه میشود.

دنیای یک کودک و دانشآموز عموماً دنیای بازی است.

اینها مثالهایی است تا ما با دنیای درونی آنها و نحوه تعامل فرزندان خود با تفریح و بازی آشنا شویم. اما اگر در تفریح، بازی و ورزش زیادهروی شود، نه تنها خاصیت مفید آنها کاسته میشود، بلکه لطمات جبرانناپذیری را به بخشهای دیگر زندگی فرزند ما وارد خواهد نمود.

لذا فرزندان ما لازم است بیاموزند که تفریح، بازی و ورزش برای آنها لازم و مفید است و قطعاً در طول روز ساعتی را به آن اختصاص دهند؛ اما کل زندگی، بازی، تفریح و سرگرمی نیست.

 راهکارهای تعدیل بازی...

*والدین در بازیهای فرزندان خود مشارکت نموده و با هم از لذت آن برخوردار

گردند؛ این کار کمک مینماید تا در زمان فراخوان فرزندتان به امور درسی، آنها با شما مخالفت جدی نداشته باشند.

*برنامه معقول و مشخصی را در زمینه درسی و تحصیلی برای فرزندتان تهیه نمایید تا ضمن بازی و تفریح، وقت کافی برای انجام امورات درسی خود داشته باشد. مثلاً روزانه یک ساعت وقت آزاد داشته باشد و روزهای تعطیل نیز از ساعت بیشتری برای بازی کردن بهره ببرد.

* بیماری

بعضی از دانشآموزان در دوران تحصیل خود دچار بیماری یا مشکلاتی میشوند که ادامه تحصیل را برای آنها با مشکل روبه رو میسازد.

مثلاً- دانشآموزی دچار سانحه رانندگی شده و صدمات جسمی به او وارد میشود. طبیعی است که نمیتواند مانند گذشته عهدهدار مسائل درسی و مدرسهای خود شود یا اینکه دانش آموزی دچار نقص عضو میگردد یا بیماری گوارشی دارد؛ اینها نمونههایی است از مسائل جسمی و بیماریهایی که متأسفانه موجب افت تحصیلی دانشآموزان میگردد.

در کنار این بیماریها، بیماریهای روحی از قبیل: افسردگی و ترس از دست دادن یکی از والدین نیز میتواند موجب افت تحصیلی دانش آموز گردد. یک یا همه این مسائل میتواند اتفاقاتی باشد تا یک دانش آموز از مسیر طبیعی درسی خود منحرف گشته و دچار افت تحصیلی شود؛ لذا والدین و نزدیکان دانشآموز میتوانند با مدیریت صحیح این مشکلات، از صدمات وارده به ایشان بکاهند.

 برای دستیابی به این منظور به راهکارهای ارائه شده ذیل توجه فرمایید:

*از یک مشاور خانواده و روانشناس کمک بگیرید؛

*وجود مشکل را برای دانش آموز کتمان نکنید و بیاهمیت جلوه ندهید؛ بلکه

با پذیرفتن مشکل، به فرزند خود گوشزد کنید که علیرغم مشکل بهوجود آمده، باید با کمک یکدیگر بر مشکلات غلبه کنیم؛

*در نحوه صحیح مطالعه و طریقه درست انجام تکالیف دانشآموز مشارکت داشته باشیم و نقش یک حامی و شخص روحیه دهنده را برای او به صورت جدی بازی کنیم؛

*پیشرفت او را به صورت پلهای در نظر گرفته و با پیشرفت موقت او در هر مرحلهای او را تشویق نمایید؛ این کار به دانشآموز انگیزه میدهد تا تلاش خود را بیشتر نماید.

وجود مشکل را برای دانشآموز کتمان نکنید و بیاهمیت جلوه ندهید.

تعامل ناصحیح با اطرافیان و جامعه

بخش دیگری از عوامل افت تحصیلی دانشآموز مربوط به تعامل ناصحیح او با اطرافیان و جامعه است.

برای توضیح بیشتر، لطفاً به مسائل زیر دقت نمایید:

* دوستان نامناسب

دوستان مؤدب و دارای تربیت خانوادگی اصیل و نجیب در زندگی روزمره، تحصیل، تفریح و تقریباً بیشتر ابعاد زندگی فرزند ما، تأثیر بسیار زیادی دارند. چرا که فرزندان ما از همسن و سالهای خود چیزهای زیادی یاد میگیرند و با هم مشورت میکنند، لذا باعث رشد شخصیتی یکدیگر میشوند. بنابراین ما والدین میکوشیم فرزندانمان دارای دوستان خوبی باشند و آنها را به داشتن دوستان خوب تشویق و ترغیب می نماییم.

ص: ۸۰

دوستان مؤدب و دارای تربیت خانوادگی اصیل و نجیب، بیشتر ابعاد زندگی فرزند ما را تحت تأثیر قرار میدهد.

حال اگر همین دوستان از خصلت های مؤدب بودن و تربیت خانوادگی مناسب برخوردار نباشند، میتوانند لطمات زیادی را به شخصیت فرزند ما وارد نموده و او را از مسیر صحیح زندگی منحرف نمایند.

یکی از تأثیرات منفی دوستان نامناسب (ناباب)، افت تحصیلی فرزند ما خواهد بود که شایسته است با مراقبت و حمایت خود از فرزندمان در باب موضوع دوستی، فضای فکری مناسبی برای او فراهم نماییم.

 به راهکارهای زیر جهت دوستیابی مناسب فرزندمان توجه نمایید...

*دقت کنید فرزندان ما با هم سن و سالهای خود دوست شوند؛ اختلاف سنی بیشتر از سه سال در سنین دبستان و نوجوانی مناسب دوستی نیست؛ چرا که ممکن است مسائل مربوط به بلوغ و مسائل جنسی قبل از رشد شخصیتی فرزند به او منتقل گردد و این انتقال مطالب بیموقع و اصلاح نشده، میتواند زمینه بلوغ زودرس و آسیبهای ناشی از آن را فراهم نماید؛

*لازم است دوستان فرزند خود را بشناسید و با فضای تربیتی و خانوادگی او آشنا شوید؛

*تلاش کنید در بعضی از برنامه های دوستانه و دورهمی فرزندتان حضور داشته باشید و با آنها در مراسم یا یک گردش دوستانه شرکت نمایید. گاهی فرزند خود را به همراه دوستانش به صرف یک نوشیدنی، بستنی یا حتی یک ناهار دعوت کنید. به وسیله این کار با فضای ارتباطی بین آنها آشنا شده و در ضمن مطمئن باشید ساعات خوبی را با آنها خواهید داشت؛

*در صورت تغییر رفتار فرزندتان در نوع گفتار و رفتار، یا حتی ابراز علاقه یا

بی تفاوتی نسبت به مسائل مهم زندگی، حتماً به مدرسه مراجعه نموده و مسئولین مدرسه را در جریان اتفاقات به وجود آمده قرار دهید؛ چرا که ممکن است دانش آموزی در کلاس درس یا خارج از کلاس، فرزند شما یا دیگران را تحت تأثیر شخصیت منفی خود قرار داده باشد؛

*اگر مایل نیستید فرزند شما به سمت دوستان نامناسب جذب شود، رفتار دوستانهای با او داشته باشید تا بتواند شما را به عنوان پشتیبان و حامی خود احساس کند. عدم ترس و احساس امنیت فرزند از والدین، خصوصاً پدر، می تواند از وقوع مشکلات فراوانی جلوگیری نماید؛

*با دوستان فرزند خود برخورد بسیار محترمانهای داشته باشید تا فرزند شما به داشتن چنین دوستانی تشویق شود؛

*در صورتیکه به دلایل عقلی و شرعی فردی را مناسب برای دوستی با فرزند خود نمیبینید، در مورد شخصیت او موضوع منفی را برای فرزند خود نقل نکنید و به اصطلاح در مورد آن شخص قضاوت نکنید؛ بلکه با یادآوری بعضی از رفتارها و یا گفتارهای او به فرزندتان، او را در مقام قضاوت بین دو رفتار قرار دهید تا خود او تصمیم گیری نماید. با این کار، عکس العمل شدیدی نسبت به نظر شما از خود بروز نمی دهد.

* سخنان غیر خردمندانه و غیر واقعی

از عوامل افت تحصیلی در بخش مربوط به اطرافیان، میتوان به افرادی اشاره نمود که با سخنان غیر خردمندانه و غیر واقعی، موجب دلسردی فرزند ما به تحصیل میشوند. مثلاً بعضی از اطرافیان هستند که اشخاص تحصیل کرده را مسخره می کنند که وقت خود را تلف نموده اند؛ یا فلان شخص اصلاً سواد ندارد، اما از نظر اقتصادی و مالی، وضعیت بسیار مطلوبی دارد، یا اینکه با این همه افراد تحصیل کرده و بیکار، تحصیل چه ارزشی دارد؟!

ص: ۸۲

متأسفانه فرزند ما به دلایل زیر تحتتأثیر این سخنان غیر خردمندانه خواهد بود:

* کودکان و نوجوانان، بزرگسالان را افرادی راستگو میدانند؛

*فرزندان ما نسبت به مسائل زندگی بیتجربه هستند؛

*بچه ها شناخت خوبی نسبت به مسائل آینده ندارند؛

*مسائل مادی برای کودکان لذتبخش بوده و جاذبه فراوانی دارد؛

*فرزندان ما با لذتهای مربوط به موفقیت های اجتماعی، تخصص و مفید بودن در اجتماع به خوبی آشنا نیستند؛

*عمده دانش آموزان کشور ما، با والدین تحصیلکرده زندگی نمیکنند.

لذا بنا به دلایل ذکر شده در بالا در گفت وگوهای یاد شده، فرزند ما تحتتأثیر این سخنان قرار خواهد گرفت.

به همین منظور، لازم است با استفاده از راهکارهای زیر، نسبت به بیاثر نمودن این گفت وگوهای ناپسند اقدام نماییم.

 راهکارهای مقابله با سخنان غیر خردمندانه

از دوران کودکی، فرزند خود را با لذت مطالعه آشنا کنیم.

*از دوران کودکی، فرزند خود را با لذت مطالعه آشنا کنیم. (خرید کتابهای مناسب و دارای تصویر)؛

*در رفت وآمدهای فامیلی و دوستانه حتماً ارتباط گرمی با اشخاص تحصیلکرده و متخصص داشته باشیم؛

*به افراد تحصیل کرده اطراف خود احترام گذاشته و در حضور فرزندمان، از او سؤالات تخصصی بپرسیم که او قادر به پاسخگویی آنها بوده و برای فرزند

ما نیز جذابیت داشته باشد؛

*در تفریحات خود، سر زدن به پارکهای علم و فناوری و موزههای علمی نیز قرار دهیم تا فرزند ما بتواند از نزدیک، با مفید بودن تحصیل و دانش آگاه شود؛

*در هر موضوعی ابراز نظر نکنیم و موضوعات مهم را از متخصص امر سؤال نماییم و از فرزند خود نیز بخواهیم همین کار را انجام دهد؛

* عدم احساس مسئولیت بزرگسالان

از دیگر عوامل افت تحصیلی مربوط به اطرافیان، میتوان به عدم احساس مسئولیت بزرگسالان نسبت به وضعیت تحصیلی فرزندان اشاره نمود.

مثلاً شرکت فرزند ما در کانونهای فرهنگی، گروه های هنری، باشگاههای ورزشی و اجتماعاتی از این قبیل، همگی به منظور رشد و ارتقاء شخصیت او انجام می گردد. حال اگر متولیان امر که معمولاً افراد بزرگسال هستند، دارای احساس مسئولیت نباشند، با بی برنامگی و یا برنامه های طولانی مدت و وقتگیر، می توانند فرزند ما را از مسیر تحصیل باز دارند و عملاً موجب افت تحصیلی او شوند.

البته لازم به ذکر است که به دلیل وجود هیجان و اجتماع همسالان، طبیعی است که فرزند ما رغبت فراوانی نسبت به شرکت در این اجتماعات از خود نشان دهد و این امر بستگی به نحوه مدیریت والدین دارد که چگونه از عهده این امر برآیند.

 در قسمت ذیل، به راهکارهایی اشاره میکنیم که میتواند از به وجود آمدن این مشکلات جلوگیری نماید:

*به صورت مداوم، با اجتماعات خارج از مدرسه فرزند خود در ارتباط باشیم؛

ص: ۸۴

*در بعضی از برنامه های فرهنگی یا ورزشی فرزندمان بهصورت داوطلبانه شرکت نماییم؛

*به فرزند خود تفهیم کنیم که الزاماً نباید در همه برنامههای از پیش تعیین شده شرکت نماید؛

*در صورت مشاهده بیبرنامگی و یا برنامه های نامناسب از قبیل طولانی شدن برنامهها تا پاسی از شب، اختلاط دانش آموزان با تفاوت سنی بیش از سه سال، وجود مربیان کمسن و سال و مسائلی از این قبیل، فرزند خود را از شرکت در چنین برنامه های خارج از مدرسه باز داریم؛

*حتماً مدرسه فرزند خود را در جریان برنامه های فوقالعاده خارج از مدرسه او قرار دهیم.

* رابطه با جنس مخالف

از دیگر مسائل مربوط به اطرافیان که موجب افت تحصیلی فرزند ما خواهد شد، ارتباط با جنس مخالف است.

این امر معمولاً در دختران و پسران در شرف بلوغ شروع میشود و در صورت عدم مدیریت صحیح والدین و افزایش سن آنها خصوصاً در دبیرستان، میتواند از عوامل اصلی افت تحصیلی باشد.

البته والدین عزیز میدانند که تمایل انسان به جنس مخالف، امر بدیهی، طبیعی و خدادادی بوده و از نشانه سلامت جنسی است، لذا موضوع، مخالفت با ماهیت تمایل به جنس مخالف نیست، بلکه ساماندهی و سازماندهی روحیات و اقتضائات سنی فرزند ماست که باید مدیریت، راهنمایی و مراقبت گردد تا بتواند ضمن زندگی عادی، از عهده دوره تحصیلی خود نیز برآید.

دلایل اصلی گرایش به جنس مخالف در دوران نوجوانی را به شرح زیر میتوان یادآور شد:

*شروع بلوغ: با شروع دوره بلوغ و فعالیت هورمونهای جنسی در دختر و پسر، گرایش به جنس مخالف نیز آغاز می گردد؛

*در دوره نوجوانی هر دو جنس پسر و دختر، احساس نیاز شدیدی نسبت به دریافت محبت دارند و این محبت وقتی از طرف جنس مخالف ابراز میگردد، بسیار لذتبخش خواهد بود؛

*بهطور طبیعی هر فردی نسبت به جنس مخالف خود احساس تمایل و رغبت دارد؛

*کمبود محبت بین والدین و دیگر اعضاء خانواده با فرزند، به نحوی که فرزند محبت کمی را در درون خانواده دریافت نموده؛ لذا برای جبران این محبت به افراد دیگری متوسل میگردد؛

*رهایی از هیجانات و فشارهای روحی؛ این هیجانات ناشی از تغییر مرحله زندگی از کودکی به بزرگسالی است؛

*دستیابی به هویت جنسی و اثبات جنسیت خود؛

*تشویق دوستان و همسالانی که در ارتباط با جنس مخالف هستند.

توجه کنید!

لطفاً برای عدم بهوجود آمدن مشکلات ناشی از مورد ذکر شده، مسائل زیر را به کار گیرید:

*احساس تمایل به جنس مخالف را برای فرزند خود یک امر طبیعی و خدادادی بدانید؛

*از صحبت کردن در این موضوع با فرزندان خود طفره نروید؛ البته برای این کار فرزندان دختر را مادر و فرزندان پسر را پدر ارشاد و راهنمایی نمایند. در صورت نیاز به کمک، از مشاورین خانواده و همچنین کادر متخصص مدرسه میتوانید کمک بگیرید؛

ص: ۸۶

*در ارتباطات خانوادگی و دوستانه، فرزند خود را رها نسازید و اجازه ندهید همسن و سالان جنس مخالف او بتوانند با او شوخی کنند؛

*پایبند بودن به قوانین خانوادگی و تفاهم بین اعضاء خانواده در خصوص رعایت این موضوعات از قبیل: عدم مسافرت نوجوان به صورت فردی یا دوستانه به خارج از شهر، عدم اقامت نوجوان در منزل افراد فامیل بدون حضور والدین، عدم ارتباط دوستانه، صمیمی و مداوم بین اعضاء نوجوان فامیل با جنس مخالف؛

*والدین عزیز! به طرز لباس پوشیدن و نحوه مرتب بودن فرزند خود، حساس باشید؛

*مراقب ارتباطات دیگران با فرزند خود باشید. گاهی اصرار در ارتباط میتواند زمینه ارتباط فرزند شما را با جنس مخالف فراهم نماید؛

*با فرزندان خود رابطه صمیمی برقرار نمایید؛ خصوصاً پدران خانواده با دختران رفتار دوستانه و صمیمی داشته باشید، این ارتباط مانع از صدمه دیدن آنها خواهد شد؛

*نسبت به دوستان فرزند خود حساس باشید؛ در بسیاری از موارد دوستان فرزند ما، عامل ارتباط او با جنس مخالف خواهند شد؛

*تلاش نمایید فقط در موارد ضروری ارتباط بین فرزند نوجوان شما با جنس مخالف همسن او برقرار گردد؛

*ارتباطات غیر ضروری با جنس مخالف را به سمت حذف شدن مدیریت نمایید؛

*رفت وآمد خود را با بزرگسالانی که نسبت به رابطه با جنس مخالف حساس نیستند، کاهش دهید.

رعایت این نکات به شما کمک خواهد کرد تا ارتباط فرزند شما با جنس مخالف به نحوی مدیریت گردد تا او دچار افت تحصیلی نشود.

ص: ۸۷

عوامل مربوط به محیط خانواده

دستهای دیگر از عوامل افت تحصیلی فرزند ما، مربوط به محیط خانواده میباشد؛ یعنی عواملی که از خانواده نشأت گرفته و مانع تحصیل فرزند ما خواهد شد. این عوامل معمولاً به دو دسته: ۱. منفی ۲. مثبت، تقسیم میشوند.

* عوامل منفی

*مشکلات و مسائل منفی در خانواده، از قبیل: طلاق و مراحل پیمایش طلاق، از دست دادن والدین و یا فوت آنها، زندانی شدن یکی از اعضاء خانواده و یا حتی بستری شدن طولانی والدین در بیمارستان به علت بیماریهای صعب العلاج؛

*اعتیاد پدر خانواده و فشار روانی وارد بر اعضاء خانواده، خصوصاً فرزندان پسر؛

*وجود درگیریهای بیش از حد در بین اعضاء خانواده و والدین؛

*ورشکستگی مالی خانواده؛

*جدایی یکی از اعضاء خانواده و بازگشت او به خانه. مثلاً خواهر دانشآموز از همسرش جدا شده و به خانواده پدری خود بازگشته است؛

*دوری پدر از خانواده به دلیل کار و تجارت؛

*عدم تمایل فرزند بزرگ خانواده به تحصیل.

این عوامل باعث ایجاد فشار روحی منفی بر فرزندان خواهد شد؛ به نحوی که قطعاً مسائل درسی آنها به صورت کاملاً مشهودی تحت تأثیر این موارد قرار گرفته و موجب افت تحصیلی ایشان خواهد شد.

* عوامل مثبت

بعضی از عوامل نیز در ماهیت خود مثبت هستند، اما بهدلیل عدم مدیریت صحیح آن عوامل توسط والدین، میتواند نتیجه منفی دربرداشته باشد و در نهایت

ص: ۸۸

موجب افت تحصیلی فرزند ما شود. به تعدادی از این دلایل دقت نماییم:

*ازدواج یکی از اعضاء خانواده؛

گاهی مراحل ازدواج یکی از اعضاء خانواده از قبیل: عقد، مراسم ازدواج، خرید و مسائل مربوط به آن، چنان خانواده را تحتتأثیر قرار میدهد که از اوضاع درسی فرزند خود غافل شده و به مرور زمان شرایط تحصیل برای ایشان دشوار میگردد و موجب افت تحصیلی او خواهد شد.

لذا به خانواده عزیز توصیه میکنیم، انجام این امر خیر و پسندیده را به نحوی مدیریت نمایند تا از امور تحصیلی فرزند خود غافل نشوند؛ خصوصاً در ماههای انتهای سال تحصیلی.

*موفقیت خانواده در امور اقتصادی و مالی یا جایگاه اجتماعی؛

این موضوع نیز به خودی خود امری مثبت و نیکوست؛ اما گاهی دیده می شود که والدین بر اثر موفقیت چشم گیر و سریع به دست آمده در زمینه اقتصادی یا اجتماعی، از اوضاع عادی و زندگی تحصیلی فرزند خود غافل شده و دانش آموز نیز دچار افت تحصیلی میگردد.

*وجود تکنولوژی جدید، در دسترس اعضاء خانواده؛

وجود تکنولوژیهای جدید از قبیل: رایانههای شخصی، آیپد، تبلت و غیره در محیط خانواده نعمت محسوب میشود که اعضاء خانواده می توانند از این وسایل استفاده مفید و مناسبی داشته باشند. اما همین وسایل بر اثر سوءمدیریت والدین میتواند خدای ناخواسته عامل منفی و دریچهای باشد برای انحطاط اخلاقی و درسی فرزندان ما.

دلایل فوق نشان دهنده این موضوع است که اگر والدین نتوانند مراقبت لازم را در خصوص حتی اتفاقات مثبت زندگی خود داشته باشند، ممکن است همین اتفاقات مثبت، نتایج منفی به بار آورد که یکی از آنها افت تحصیلی فرزند خانواده خواهد بود.

عوامل مربوط به محیط مدرسه

عوامل مربوط به سیستم آموزشی مدرسه

از عوامل اصلی افت تحصیلی دانشآموزان، میتوان به عواملی اشاره نمود که خاستگاه آن در مدرسه بوده و این عوامل مانع رشد تحصیلی فرزند دانشآموز ما شده و همین موجب افت تحصیلی او می گردد. در زیر به ذکر تعدادی از این عوامل میپردازیم.

* استفاده از معلم ناکارآمد

منظور ما از معلم ناکارآمد، معلمی است که قادر نیست فضا و پیشزمینه آموزش دانشآموزان را در کلاس درس فراهم نماید و بدیهی است که اگر فضای ذهنی دانش آموزان برای کار معلم فراهم نگردد، آموزش و یادگیری با مشکلات جدی روبهرو خواهد شد.

توجه کنید!

لطفاً به مشخصات معلم زیر دقت نمایید:

*معلم اختلاف سنی کمی با دانشآموز دارد (دوره دبیرستان)؛

*معلم بداخلاق بوده و دانشآموزان علاقهای به ارتباط با معلم ندارند؛

*معلم بدون چارچوب بوده و حریم مشخصی در کلاس ندارد؛ لذا دانش آموزان او را یکی از بچههای کلاس تصور میکنند!

به نظر شما معلمی با مشخصات فوق، میتواند زمینه یادگیری را در کلاس درس مهیا نماید؟!

طبیعی است نه؛ پس مدرسه اگر از چنین معلمانی استفاده کند، سیستم آموزشی خود را مختل خواهد نمود.

ص: ۹۰

* استفاده از معلم ضعیف

منظور ما از معلم ضعیف، معلمی است که از حداقل توانایی لازم برای کلاس درس برخوردار باشد؛ یعنی در صورتیکه دانش آموزان یا حتی یکی از دانشآموزان از سطح بالایی در هوش و یادگیری برخوردار بوده و علاقه به درس داشته باشد، سؤالاتی را مطرح میکنند که معلم قادر به پاسخگویی آن نیست و دانش آموزان خیلی سریع این موضوع را تشخیص میدهند. معلم ضعیف از لحاظ روانی، تأثیر بسیار منفی در روحیه دانش آموزان کلاس خواهد گذاشت و مشکلات جدی را در راستای افت تحصیلی آنها فراهم خواهد ساخت؛ البته مشکلات دیگری نیز در کلاس درس رخ خواهد داد که به بعضی از آنها اشاره می نماییم:

*مشاجره بین دانش آموز و معلم؛

*مسخره کردن معلم توسط دانش آموزان؛

*از بین رفتن اعتمادبه نفس معلم هنگام تدریس؛

*مراجعه دانش آموزان به دیگر معلمان و افت شخصیت علمی معلم مربوطه؛

*کاهش جایگاه مدرسه در بین مدارس دیگر.

* استفاده از تحصیلکردگان سطح تحصیلاتتکمیلی دانشگاه و متخصصین بهعنوان معلم، بدون اشراف به کلاس درس

در بعضی از مدارس، مشاهده میشود که از متخصصینی که دارای مدارک عالیه دانشگاهی هستند، برای تدریس به دانش آموزان استفاده میکنند و این موضوع را برای والدین و دانش آموزان یک امتیاز بزرگ به حساب میآورند.

حال یک سؤال اساسی؟

اگر این فرد متخصص، تجربه تدریس در کلاس درس را نداشته باشد و صرفاً به خاطر داشتن مدرک دانشگاهی بهعنوان معلم انتخاب شده باشد، چه

مشکلاتی برای کلاس درس و دانش آموزان به وجود خواهد آمد؟

طبیعی است که در اینصورت، افت تحصیلی دانش آموزان مشهود خواهد بود؛ چرا که داشتن علم بههمراه دانستن نحوه انتقال آن به دانشآموزان، هر دو لازم و ضروری است. در غیر این صورت دانشآموزان هرگز لذت دانستن و یادگیری را نخواهند چشید و در بهترین شرایط، فقط تکالیف خود را انجام میدهند تا مورد بازخواست معلم قرار نگیرند؛ بنابراین ضروری است در انتخاب معلم به همه جنبه های آموزشی او دقت شود. یک استاد خوب دانشگاه الزاماً یک معلم خوب مدرسه نخواهد بود! حال اگر معلمی تحصیلات عالی داشته باشد و به امور تدریس مسلط باشد، بهترین گزینه برای معلمی خواهد بود.

* استفاده از معلمین بی نظم

بین ظمی معلم در مدرسه، یکی از عوامل مهم افت تحصیلی دانش آموزان است.

بی نظمی معلم در مدرسه، یکی از عوامل مهم افت تحصیلی دانشآموزان است. دیر آمدن، زود رفتن، بی موقع امتحان گرفتن و غیبتهای پی درپی از عواملی است که یادگیری دانش آموزان را با مشکلات جدی روبه رو خواهد کرد. البته در همه مدارس در صورت بی نظمی، برای تذکر و یا حذف معلم از سیستم آموزشی مدرسه راهکارهایی وجود دارد.

اما متضرر اصلی این موضوع دانش آموزان خواهند بود که مجبور هستند درس یا مطلبی را بدون ارائه صحیح یاد بگیرند. گاهی دیده شده است که یک معلم چند درس را در یک جلسه ارائه داده است و برای تضمین یادگیری دروس از تکالیف سنگین برای دانش آموزان استفاده مینماید، که این کار روش صحیحی

نبوده و به هیچوجه قابل قبول نیست؛ چرا که باعث افت تحصیلی دانش آموزان خواهد شد.

* استفاده از سیستم آموزشی بدون پشتوانه علمی

گاهی مشاهده می نماییم که بعضـی از مدارس، برای تدریس یا یادگیری دانشآموزان، از ابزار یا سیستمی استفاده می کنند که هیچ گونه پشتوانه علمی نداشته و پذیرفته نیست.

مثلاً برای آموزش مبحث اصـلی درس، از لوحفشـرده اسـتفاده کرده یا سـطح یاددهی را آنقـدر ارتقاء میدهنـد که دانشآموزان متوسط یا ضـعیف کلاس نیز به زحمت کلاس درس را تحمل می کنند. این وضـعیت نه تنها موجب افت تحصیلی دانشآموزان خواهـد شد، بلکه بستری را فراهم مینماید تا دانشآموزان درگیر حواشـی درس شده و عملاً فضای منفی تربیتی را شـکل دهند؛ لذا توجه به این موضوع بسیار قابل تأمل میباشد.

* عدم گزارش به موقع وضعیت آموزشی محصل به والدین

یکی از دلایل افت تحصیلی دانش آموز، عدم هماهنگی بین مدرسه و خانه می باشد؛ البته منظور ما در این توضیحات از خانه، والـدین است؛ یعنی والدین دانش آموز هیچ اطلاعی از وضـعیت آموزشـی فرزندشان ندارند و تنها راه اطلاع از این وضـعیت، فقط گفته های خود دانش آموز است.

حال اگر دانش آموز در برآورد وضعیت تحصیلی خود دچار اشتباه شود، قطعاً والدین را نیز با مشکل روبهرو خواهد ساخت و آنها با تصور اینکه فرزندشان از لحاظ درسی در وضعیت مطلوبی بهسر میبرد، روزها و هفتهها ناخواسته از وضعیت تحصیلی او بیخبر مانده و گاهی نیز بعد از مطلع شدن، نمیتوانند اقدام اصلاحی خاصی انجام دهند و کاری از دست آنها ساخته نیست.

ص: ۹۳

حال باید دید در این وضعیت بازنده اصلی کیست؟

*مدرسه؟!

*والدین؟!

*یا دانش آموز؟!

لذا لازم بهذکر است مدرسه و تیم آموزشی آن، باید با راههای مناسب، ارتباط بسیار نزدیکی با والدین دانشآموزان مدرسه داشته باشند تا در صورت افت تحصیلی دانشآموز، خیلی سریع خانواده را از موضوع مطلع نمایند تا نسبت به اقدامات اصلاحی، تدبیر لازم انجام شود.

* مشکلات شخصیتی معلم

یکی دیگر از دلایل اصلی افت تحصیلی دانشآموزان در کلاس درس، مربوط به مشکلات شخصیتی معلم است. متأسفانه بعضی از معلمین به لحاظ شخصیتی، مناسب تدریس و حضور در کلاس درس نیستند و صلاحیت عهدهدار بودن آموزش فرزندان ما را ندارند.

اما به دلایل نامشخص و گاهی مشخص، این امر خطیر به آنها سپرده میشود. معلمی که دانشآموز یا دانشآموزان را تحقیر میکند، صلاحیت تدریس ندارد! البته لازم است بدانیم تنبیه با تحقیر بسیار متفاوت است؛ تنبیه میتواند سازنده باشد، اما تحقیر فقط موجب تخریب شخصیت دانش آموز می گردد.

*معلمی که دائماً مشغول سرزنش دیگران است و به دلایل کوچک و بزرگ دانشآموز را سرزنش میکند و اشتباهات او را دائماً به رخ او میکشد، نمیتواند معلم مناسبی باشد؛

*معلمی که دائماً مشغول مقایسه دانش آموزان با یکدیگر بوده و از سطح علمی مطلوب یک دانشآموز به عنوان سلاحی برای تخریب دیگر دانشآموزان کلاس درس استفاده میکند، نمیتواند معلم مطلوبی باشد؛

*معلمی که قادر نیست توانایی یک دانشآموز را تشخیص دهد و انتظار او از کلاس درس و دانشآموزان واقعی نبوده و صرفاً برحسب آرزوی خود او ترسیم شده، نمیتواند معلم مطلوبی باشد؛

*معلمی که بدون تدبیر و برنامهریزی وارد کلاس درس شده و هیچگونه احساس مسئولیتی در مقابل دانشآموزان ندارد و توقع او از دانشآموزان صرفاً اطاعت امر است و هیچگونه انتقاد یا نظری را برنمیتابد، نمیتواند معلم مطلوبی باشد؛

*معلمی که در مواجهه با دانشآموزان و کلاس درس برای پیشبرد مقاصد حرفهای خود، رابطههای بدون حدومرز ایجاد مینماید، برای شغل معلمی شخص مناسبی نیست؛

*معلمی که در کلاس درس تفکر یک سویه داشته و فکر میکند کلاس درس یعنی اینکه معلم بگوید و دانشآموز فقط شنونده باشد، برای شغل معلمی شخص مناسبی نیست؛

*معلمی که در کلاس درس از ایجاد رابطه تدریس و تعلیم با کلیه افراد کلاس، خود را معاف نموده و فقط با چند دانشآموز خاص ارتباط درسی دارد، برای شغل معلمی شخص مناسبی نیست؛

*معلمی که از تکالیف منزل بهمنظور آموزش اولیه دانشآموز استفاده میکند و نمیداند که تکالیف منزل جنبه مهارتی دارد نه صرفاً آموزشی، برای شغل معلمی شخص مناسبی نیست.

عوامل مربوط به سیستم تربیتی مدرسه

دستهای دیگر از عوامل افت تحصیل دانشآموز، مربوط به سیستم تربیتی مدرسه است:

گاهی مدارس علیرغم رعایت مسائل مربوط به سیستم آموزش مدرسه،

متأسـفانه توجه خاصـی نسبت به مسائل تربیتی مدرسه نداشـته، لذا زمینه ساز صدمات شخصـیتی و درسـی برای دانش آموزان خواهند شد. در یک مدرسه که دارای سیسـتم تربیتی جامع و مشـخص است، موضوعات مختلفی را به عنوان محور برنامه های خود مشـخص نموده و برنامه سالانه خود را بر اساس موضوعات از پیش تعیین شـده، طراحی می نمایند. این موضوعات در دو بخش کلی تقسیم میشود :

۱. برنامههای عمومی مدرسه که جنبه کلی و فراگیر داشته؛ عموماً جنبه دینی، تفریحی، سرگرمی و اردوهای مختلف نیز دارد.

۲. بخش دوم برنامههـای تربیتی، مبنی بر نیـاز دانشـآموز تنظیم میشود؛ یعنی دانشـآموزان در سالهای مختلف چه نیازهای تربیتی دارند؟! که بر اساس آن بتوان برنامه های اختصاصی را طراحی نمود.

حـال اگر دقت لازم را در بخش دوم نداشـته باشـیم، اثربخشـی برنامههـای دسـته اول، کمـاثر و حـتی در مواردی، خود عـامل آشـفتگی برنامه های تربیتی مدرسه شده و اثرات منفی خواهد داشت که معمولاً در دو بخش اصـلی شخصیتی و افت تحصیلی تقسـیمبندی میشود. به این منظور به عواملی اشاره میکنیم تا والـدین عزیز با آنها آشـنا شده و از مدرسه فرزند خود بخواهند در طراحی برنامه ریزی تربیتی مدرسه از آن بهره گیرند تا خدای ناکرده موجب افت تحصیلی فرزند آنها نشود.

عوامل افت تحصیلی دانش آموزان و رابطه آن با سیستم ناقص یا غلط تربیتی مدرسه

ایجاد دوستیهای خارج از عرف بین دانش آموزان

اشاره

از عوامل افت تحصیلی دانش آموزان در مدرسه، دوستی های نامتعارف است که معمولاً به چند دسته تقسیم می شود:

ص: ۹۶

دوستی های گروهی

این دسته از گروههای دوستی، کلاس درس را به چند دسته تقسیم نموده و معمولاً گروهها را به رقابت در زورآزمایی و تقابل با یکدیگر قرار میدهد. این تقابل در هنگام تدریس و یادگیری نیز وجود داشته و مانع از یادگیری عمیق دانش آموز میگردد.

دوستی های ادامه دار

این دوستیها، گروهی یا فردی بوده که معمولاً جنبه مثبت دارند؛ اما با ادامهدار شدن آن، موجب افت تحصیل میشوند. این دسته از دوستیها میکوشند فضای بیرون از مدرسه را نیز مانند مدرسه تعریف نمایند؛ یعنی بهوسیله ارتباط مستقیم و مراجعه به منزل یکدیگر یا استفاده از وسایل ارتباطی، دائم با یکدیگر در ارتباط بوده و عملاً از انجام وظایف دانشآموزی خود باز میمانند.

این دسته از دوستیها در صورت مدیریت صحیح از طرف مدرسه و والدین، میتوانند مفید باشند؛ اما اگر مدرسه مدیریتی در این زمینه نداشته باشد، میتواند عامل افت تحصیل دانشآموزان میشود.

دوستی های عاطفی شدید

در این دوستیها مشاهده میشود که دو نفر روابط افراطی در خصوص ابراز محبت به یکدیگر داشته و مانند عاشق و معشوق با هم رفتار میکنند و انتظاری که از یکدیگر دارند بههیچوجه جنبه دوستی دو همسن را نداشته و بیشتر شبیه روابط زوجین است!

علائم این دوستیهای افراطی عبارت است از:

*مرور همیشگی تمام مسائل شخصی با یکدیگر؛

*مراوده دائمی در مدرسه و خارج از آن؛

*انتظار عدم دوستی با دیگران و انحصار دوستی بین خود؛

*هدیه دادن و هدیه گرفتن مداوم؛

*به هم ریختگی روحی و حتی تب در صورت دوری از یکدیگر؛

*ارتباط پوستی مداوم و پیدرپی؛

*احساس مسئولیت بیحد و حصر در قبال یکدیگر.

اینها نشانههایی از دوستیهای عاطفی شدید است. این دوستیها معمولاً موجب افت تحصیلی دانش آموز شده و مسائل عاطفی و روحی و حتی جنسی آینده او را به مخاطره خواهد انداخت. در صورت مشاهده چنین دوستی هایی، حتماً از یک مشاور و روانشناس کمک بخواهید.

دوستی های مرید و مرادی

یعنی شخصی رئیس کلاس بوده و بقیه دانشآموزان بهعنوان رعیت او در کلاس حضور دارند. در بعضی از کلاسها دیده میشود که فرد رئیس از تمام دانشآموزان میخواهد تا یک دانشآموز را تنها گذاشته و هیچکس با او ارتباط نداشته باشد و حتی هیچ کمکی به او نکند و بقیه نیز مطیع او هستند؛ چون در صورت عدم اطاعت، با تنبیه او یا دیگر تنبیهات گروه مواجه می شود.

تهدید دانش آموز توسط معلم یا کادر مدرسه

در بعضی از مدارس، کادر مدرسه اعم از معلم، ناظم یا مشاور پایه و دیگران، بهمنظور پیشبرد اهداف آموزشی خود، از تهدیدات نامتعارف و برخوردهای غیر معمول برای دانشآموزان استفاده میکنند و دانش آموز دائم با دلهره و نگرانی در مدرسه و کلاس درس حاضر میشود. این دلهره و نگرانی مانع یادگیری او شده و عملاً موجب افت تحصیلی ایشان خواهد شد. این تهدیدات معمولاً اثر کمی بر همه دانش آموزان داشته؛ اما یک یا دو دانش آموز را به صورت شدیدی تحت تأثیر

خود قرار میدهد. به نحوی که دانش آموزان، شخص تهدیدگر را دشمن خود فرض نموده و از او به بدی یاد مینمایند.

ارتباطات غیر ضروری کارمندان مدرسه با دانش آموزان

در صورت عدم توجه به ارتباط کارمندان مدرسه با دانشآموزان، این ارتباط معمولاً برای دانشآموز نامفید و مشکلساز خواهد شد.

دانشآموزانی که والدین آنها دارای موقعیت اجتماعی، مالی و یا تحصیل خاصی هستند، خیلی زود در مدرسه شناخته میشوند و بعضی از کارمندان بیمسئولیت مدرسه میکوشند با ارتباطگیری با این دانشآموزان، بتوانند از والدین آنها برای رفع مشکلات خود یا هر مسأله دیگری استفاده نمایند.

این ارتباط بهعلت همتراز نبودن دانشآموز و آن شخص خاص، موجب نگرانی و پریشان حالی دانشآموز شده و با پیگیریهای کارمند فوقالذکر، عملاً تبدیل به یک معضل خواهد شد که دانشآموز میکوشد به نحوی این مشکل را حل نماید. هرگونه تلاش توسط دانشآموز برای حل این مشکل، موجب حاشیه سازی و عدم تمرکز او شده و شرایط افت تحصیل او را فراهم میکند.

عدم توجه دبیران و کادر به رعایت نکات تربیتی در مدرسه

امورات تربیتی مدرسه باید دارای نظام جامع و یکدستی خاصی باشد تا دانشآموزان با دوگانگی رفتاری روبه رو نشوند.

گاهی مدرسه می کوشد برنامه تربیتی خود را به نحو احسن آماده کند و در اجرای آن نیز کوشا باشد؛ اما توجهی به همکاری دیگر عوامل تربیتی ندارد. مسأله مهم در مورد برنامه تربیتی مدرسه این است که امورات تربیتی مدرسه باید دارای

نظام جامع و یکدستی خاصی باشد تا دانش آموزان با دوگانگی رفتاری روبه رو نشده و بتوانند از رفتار و صحبت متولیان مدرسه، از الگوهای تربیتی استفاده نمایند.

لذا اطلاع رسانی دقیق و به موقع به تمامی پرسنل مدرسه، در خصوص مثلاً نحوه پوشش و ظاهر آراسته و هماهنگ با محیط فرهنگی و علمی، راهگشای بسیاری از مسائل تربیتی مدرسه خواهد بود.

بهداشت روانی دانش آموزان

از دیگر عوامل افت تحصیلی دانشآموزان در مدرسه که متأسفانه زادگاه تربیتی دارد، عدم وجود بهداشت روانی در مدرسه است؛ لطفاً برای روشن شدن موضوع، به موارد زیر دقت نمایید:

* ناسزا

در بعضی از مدارس، گفتوگوی عادی دانشآموزان مملو از کلمات زشت و ناسزاست که متأسفانه در صحبتهای عادی، گفته و شنیده میشود و حالت فراگیر نیز دارد.

در این فضای غیر تربیتی، طبیعی است که اصول اولیه مسائل تربیتی نمیتواند شکل گیرد و دانشآموزان دائماً مراقب هستند تا در ارتباط خود و کادر مدرسه ناخواسته از کلمات زشت استفاده نکنند. این خودفیلتری و خودکنترلی موجب نگرانی، ناراحتی و اضطراب دائمی دانشآموز خواهد شد؛ لذا تمرکز خود را از دست داده و نمیتواند با خیال راحت به درس خود بپردازد.

* خبرچینی

از جمله مواردی که بهداشت روانی دانشآموزان را با خطر جدی مواجه میکند، خبرچینی است. مدرسه خانه دوم و محل تعلیم و تربیت فرزندان ما

ص: ۱۰۰

میباشد که با جایگاه دانشآموزی در آن مشغول زندگی هستند. دانشآموزان بهعلت بیتجربگی و سن کم، طبیعی است که بارها و بارها اشتباه کنند و تجربه بیاموزند، تا برای آینده نزدیک افرادی تربیت یافته باشند.

در این فضای آموزشی و تربیتی، گاهی مشاهده میشود که تعدادی از دانشآموزان با انگیزههای حسادت، تسهیل رابطه با کادر مدرسه یا حتی عدم اطلاع از کار زشت و ناپسند خود، اقدام به خبرچینی نمایند.

در این شرایط، بهترین برخورد این است که مسئولین از دانشآموز "خبرآورده" بخواهند به امور درسی خود مشغول بوده اما خود مسئولین با زیرکی موضوع را پیگیری نمایند.

مدیر خوب مدیری نیست که مشکلات را به خوبی حل کند، بلکه مدیری است که از بهوجود آمدن مشکلات جلوگیری نماید.

البته لازم بهذکر است مدیر مدرسه باید بداند، مدیر خوب مدیری نیست که مشکلات را بهخوبی حل کند، بلکه مدیری است که از بهوجود آمدن مشکلات جلوگیری نماید؛ لذا سیستم تربیتی مدرسه باید به گونهای باشد تا خبرچینی، موضوعی ضدارزش تلقی شده و کمك و همکاری دانشآموزان به یکدیگر ارزش تلقی شود. در غیر اینصورت، دانشآموزان بهسرعت بهجای توجه به درس و مسائل تربیتی، دائماً مراقب یکدیگر بوده و فضای جاسوسی و خبرچینی بر مدرسه حاکم خواهد شد.

* رفتارهای نامناسب با والدین

متأسفانه در برخی مدارس مشاهده می شود که مسئولین مدرسه برای والدین دانشآموزان جایگاه و شأن والایی قائل نیستند و این اعتقاد تأثیر مستقیم در نوع

صحبت و رفتار آنها دارد. استفاده از حداقل کلمات در صحبت با آنها، ایستادن والدین در راهروها و منتظر گذاشتن آنها، عدم ارتباط مستقیم مدیر مدرسه با پدر و مادر، عدم تعیین اوقات خاصی برای تکتک والدین تا بتوانند با مسئولین مدرسه صحبت کنند، عدم پاسخگویی تلفنی به آنها، عدم توضیح در خصوص برنامههای مدرسه و غیره از جمله رفتارهای نامناسب با والدین میباشد.

* تنبیه بدنی

تنبیه بدنی، مهمترین موردی است که موجب از بین رفتن بهداشت روانی دانشآموزان میشود. تنبیه بدنی موجب دو تغییر منفی در شرایط روحی دانشآموز میگردد:

۱. مخدوش شدن شخصیت دانشآموزان

۲. حس عدم امنیت آموزشی

تنبیه جنبه بازدارندگی دارد اما تحقیر بسیار مخرب بوده و جنبه انتقام را فراهم مینماید.

متأسفانه این دو تغییر منفی بهوجود آمده، هر کدام موجب بروز عواملی خواهد شد که تکتک آنها از عوامل افت تحصیلی است.

البته شایسته است بدانیم تنبیه بدنی، در واقع تحقیر بدنی است؛ چرا که تنبیه از تحقیر جداست و جنبه بازدارندگی دارد اما تحقیر بسیار مخرب بوده و جنبه انتقام را فراهم مینماید؛ لذا تنبیه بدنی عملاً تحقیر است.

* تبعیض بین دانشآموزان

گاهی دیده میشود که رفتار مسئولین مدرسه با دانش آموزان یکسان نبوده و

متأسفانه با تبعیض همراه است؛ این تبعیض در بهترین حالت بهعلت سطح بالای دانشآموز در امورات درسی و در بدترین حالت بهعلت جایگاه اجتماعی یا مالی والدین است که هر دوی آنها امری ناپسند است. مسئولین مدرسه از نظر طرز بیان و برخورد با دانشآموزان، باید رفتاری آمیخته با محبت و احترام داشته و هیچ دانشآموزی حس دانشآموز درجه دوم را نداشته باشد.

البته طبیعی است که بنا بهدلایل مختلف بعضی از دانشآموزان در امور فرهنگی مدرسه، خصوصاً در مراسمها، نمازخانه و یا بخشی از برقراری نظم در مدرسه مشارکت نموده و ارتباط بیشتری با کادر مدرسه دارند؛ اما این موضوع نباید تأثیری در وجه محترم بودن همه دانشآموزان نزد کادر مدرسه داشته باشد.

* وجود دانش آموز با رفتارهای ناهنجار

گاهی کوتاهی سیستم تربیتی مدرسه به نحوی است که دانشآموزی را با موارد خاص تربیتی ثبتنام نموده و زمینه انحراف اخلاقی و تربیتی دیگر دانشآموزان را فراهم مینماید. دانشآموزی که با مسائل جنسی قبل از سن بلوغ آشنا شده یا با غیر همجنس خود دوست بوده و ارتباط دارد، حتی اگر در امور درسی شخص موفقی باشد، موجب انحراف بسیاری از دانشآموزان خواهد شد؛ چرا که عامل آشنایی دیگر دانشآموزان با اینگونه مسائل شده و توجه آنها را به امور حاشیهای و غیر ضروری خواهد برد و قطعاً از نظر درسی نیز موجب بروز مشکلات فراوانی خواهد شد.

اینگونه دانش آموزان باید تحت نظر مشاور متخصص قرار گرفته و اصلاح رفتار شوند یا مطمئن باشیم آسیبی به شخصیت و سلامت روح و روان دیگر دانش آموزان وارد نمی کنند. در غیر این صورت ضمن حضور در مدرسه و ارائه دلایل واقعی و قابل دفاع، از اولیاء مدرسه بخواهید تا دانشآموز مورد نظر را به مراکز خدماتی روانشناسی و مشاوره معرفی نماید. البته بدیهی است یک اشتباه از

دانش آموز در موارد یاد شده را نمی توان به کل شخصیت وی نسبت داد و درباره او قضاوت داشت و بدیهی است که مشارکت والدین و مدرسه بهترین راه برای تصمیم گیری در این خصوص خواهد بود.

موارد ذکر شده از جمله عوامل از بین برنده بهداشت روانی دانشآموزان در مدرسه بوده، که هریک به تنهایی یا با تکرار عوامل میتواند موجب افت تحصیلی دانشآموزان در مدرسه شود؛ لذا والدین عزیز باید ضمن رعایت احترام متقابل مدرسه و خانه، نظارت لازم را نسبت به محیط آموزشی فرزند خود داشته باشند.

مطالبات والدین از مدرسه

اشاره

در این قسمت به مطالبات والدین از مدرسه میپردازیم؛ بدیهی است این مطالبات قسمتی از حقوق والدین بوده که ضمن درخواست آنها از مدرسه، موجب عدم افت تحصیلی دانشآموز نیز خواهد شد.

این مطالبات عبارتند از:

حضور فعال دانش آموز در کلاس درس

قبلاً نیز اشاره شد که ممکن است معلم در مشارکت همه دانشآموزان در کلاس درس و یاددهی دچار مشکل شده و یا فقط از دانشآموزان خاصی استفاده نماید. والدین این حق را دارند تا از مدرسه بخواهند تمامی دانشآموزان در کلاس درس و بحث، حضور فعال داشته باشند نه اینکه بهعنوان یک امر تشریفاتی فقط در کلاس حاضر باشند.

بدیهی است که در صورت رعایت این موضوع، همه دانشآموزان، کلاس را قسمتی از زندگی واقعی خود دانسته و می کوشند تا حضور فعال داشته باشند.اگرچه ممکن است معلم کلاس در اجرای این امر در ابتدا با مشکلاتی روبه رو

شود، اما به زودی این مشکلات حل شده و سطح درسی کلاس نیز رشد خواهد کرد. والدین عزیز از دانشآموز خود سؤال کنید که:

*آیا معلم از شما نیز سؤال میپرسد؟

*آیا برای حل تمرین از شما نیز سؤال میشود؟

*آیا برای پرسش کلاسی، مانند دیگر دانشآموزان پای تخته میروید؟

و سؤالاتی که مشخص شود فرزند شما نیز در کلاس درس حضور فعال دارد یا خیر.

ارائه راهنماییهای درسی و مهارتی به دانش آموز

والدین حق دارند از مدرسه بخواهند تا به فرزند آنها چگونگی فراگیری دروس را بیاموزند. اینکه:

*دانشآموز چگونه برای خود برنامه درسی تهیه نماید؟

*درس را چگونه مطالعه کند؟

*برنامه درس و استراحت او به چه نحوی متعادل گردد؟

*در چه موضوعاتی از مطالعه و روخوانی و چه موضوعاتی از نوشتن کمك بگیرد؟

این سؤالات و سؤالات بسیار دیگری وجود دارد که پاسخدهی به آنها در راستای ارتقاء سطح تحصیلی دانشآموزان و جلوگیری از افت تحصیلی آنها بسیار مفید است.

از والدین عزیز خواهشمندیم از مدرسه بخواهید این نکات را به فرزند شما بیاموزد تا او بتواند از وقت خود به بهترین صورت ممکن استفاده نموده و نتیجه مطلوب را اخذ نماید.

البته در این کتاب کوشیدهایم در حد نیاز و بهطور عمومی و کاربردی به سؤالات فوق پاسخ دهیم.

ص: ۱۰۵

استفاده از معلمین خبره و کارآمد

قبلًا اشاره شد که عدم استفاده از معلمین خبره و کارآمد، چگونه میتواند موجب افت تحصیلی دانشآموزان گردد؛ لذا والدین عزیز حق دارند از مدیر مدرسه بخواهند که در خصوص توانمندیهای معلمین، به آنها اطلاعرسانی شود و آنها نیز از وضعیت شغلی او اطلاع داشته باشند.

این موضوع، جزء حقوق شماست که بدانید:

*معلم فرزند شما کیست؟

*چه تحصیلات و تجربهای در کار خود دارد؟

عدم دقت در این موضوع، برای شما و فرزندتان مشکلات فراوانی را بههمراه خواهد داشت و توجه والدین به این موضوع میتواند از ایجاد مشکلات درسی و تربیتی برای دانشآموزان جلوگیری نماید.

استفاده از روشهای نوین آموزشی

استفاده از روشهای نوین آموزشی الزاماً بهمعنی استفاده از ابزارهای رایانهای و اینترنت نیست؛ چرا که این موضوع در پایههای ابتدایی در بعضی از مواقع میتواند زمینه حاشیههای افت تحصیلی را نیز فراهم آورد. اما مدرسه باید از علم روز آگاه بوده و روشهای یادگیری و یاددهی جدید را نیز استفاده نماید.

مدرسه باید از علم روز آگاه بوده و روشهای یادگیری و یاددهی جدید را نیز استفاده نماید.

بدیهی است که در امر یاددهی و یادگیری، اهمیت چگونگی یاددهی و شخص یاددهنده و روشهای مربوطه بسیار مهمتر از یادگیرنده است. تحقیقات جدید نشان میدهد که ما معمولاً از یک رابطه ۷۰درصد، ۳۰درصد برخورداریم؛

یعنی در مجموعه امور آموزش، فرد و فرآیند یاددهی دارای ۷۰ درصد اهمیت و شخص یادگیرنده دارای ۳۰درصد اهمیت میباشد. لذا مدارس موفق و مدیران مسئولیتپذیر نسبت به این موضوع حساس بوده و استفاده از معلمین و مربیان برتر، ابزارها، فرآیندها و تجربیات علمی دیگران را سرلوحه اقدامات خود قرار میدهند و دائماً در حال مشورت با محققین امر هستند؛ بنابراین به والدین توصیه میکنیم این موضوع را نیز مدنظر قرار داده و نسبت به رعایت توضیحات فوقالذکر، حساسیت لازم را داشته باشند.

مطلع ساختن والدین از وضعیت درسی و اخلاقی دانش آموز

یکی از مطالبات جدی والدین از مدرسه این است که حق دارند در اسرع وقت از وضعیت درسی و اخلاقی فرزند خود آگاه باشند؛ خصوصاً زمانیکه دانشآموز با مشکل یا مشکلاتی مواجه باشد. بعضی از مدارس برای مطلع ساختن والدین، سیستم خود را به نحوی تنظیم کردهاند که در زمانهای خاصی، مثلاً ـ ماهی یکبار کارنامه و یا وضعیت درسی دانشآموز را بهصورت مکتوب به اطلاع اولیاء میرسانند و یا در صورتیکه دانشآموز با مشکل جسمی خاصی روبهرو شد، والدین او را در جریان امور قرار میدهند.

اما زمانهای یاد شده ناکافی بوده و والدین حق دارند از وضعیت درسی و اخلاقی فرزند خود بهصورت مستمر و روزانه آگاهی داشته باشند. به این منظور والدین میتوانند ارتباط تلفنی یا مراجعه حضوری به مدرسه داشته یا با استفاده از روزنگار دانشآموز، از وضعیت درسی–اخلاقی او در فضای مدرسه مطلع باشند.

والدین حق دارند از وضعیت درسی و اخلاقی فرزند خود بهصورت مستمر و روزانه آگاهی داشته باشند.

ص: ۱۰۷

والـدین عزیز به این موضـوع تـوجه داشـته باشـید که مسئول تربیت فرزنـد، خود شـما هستیـد و مـدرسه بهعنوان ولیـدوم بنـا به درخـواست والـدین در امر تربیت و تعلیم فرزنـدان به کمـك آنهـا آمـده است؛ لـذا حضـور دانشآموز در مـدرسه نمیتوانـد از مسئولیت والدین بکاهد و شما نیز نمیتوانید تمامی امورات مربوط به وظایف والدین بودن خود را به مدرسه تنفیذ نمایید.

بر همین اساس، توصـیه میکنیم با داشتن ارتباط و تعامل سازنده با مدرسه، از وضعیت او آگاه باشید تا در مواقع لزوم، نسبت به انجام امورات مقتضـی، انجام وظیفه نمایید. در غیر اینصورت، ممکن است با گذشت زمان و تغییر شرایط، نه تنها نتوانید وظیفه خود را انجام دهید، بلکه با مشـکلات جدید و بزرگتری نیز روبهرو شوید؛ همچنین توصـیه میکنیم ارتباط همیشـگی خود را با اولیاء مدرسه حفظ نمایید.

اصلاح رفتار دانش آموز

مدرسه محل تربیت و تعلیم فرزند شـماست؛ لذا والدین عزیز میتوانند از اولیاء مدرسه بخواهند که در راسـتای مسائل اخلاقی و تربیتی فرزند کوشا بوده و امورات مهم زندگی آنها را به ایشان آموزش دهند. مسائلی همچون احکام دین، ادب انسانی، حفظ سلامت، مسائل آداب اجتماعی، مهارتهای زندگی و غیره.

اینها مسائل مهمی است که در مدرسه باید به محصلان آموزش داده شود. البته طبیعی است که همه مسائل آموزشی در کلاس درس انجام نمی شود، لذا والدین باید دقت داشته باشند تا تمام مسائل فرزند خود را در درس او جستوجو نکنند.

در بسـیاری از موارد دیده میشود که دانش آموز پس از اخذ تعالیم فوق الذکر، نسبت به درس خود نیز مسئول تر بوده و ارتقاء وضعیت تحصیلی خواهد داشت و میکوشد تا ابعاد شخصیتی خویش را به همراه وضعیت درسی خود بهبود بخشد.

ص: ۱۰۸

وضعیت خاص دانش آموز

بعضـی از دانش آموزان دارای نقص عضو یا مشـکلات دیگری از قبیل از دست دادن والدین، طلاق والدین یا تک سرپرسـت هسـتند. والـدین این دانشآموزان میتواننـد از مدرسه بخواهند برای دانشآموزان برنامههای ویژهای را تدارک ببینند تا مشـکلات بیان شـده، موجب بروز مسائل و مشـکلات درسـی و اخلاقی آنها نگردد. در بسـیاری از موارد دیـده شـده است که با تـدبیر و برنامهریزی مدیر یک مدرسه، دانشآموزانی که دارای وضـعیت خاص هسـتند، نه تنها مانند دیگران رشد درسی داشتهاند، بلکه در مواقعی بهترین دانشآموز مدرسه نیز بودهاند. لذا از والدین عزیز خواهشمندیم ضمن ارائه اطلاعات صحیح و اعتماد به اولیاء مدرسه، با تعامل فی مابین خود و مدرسه، زمینه رشد درسی و شخصیتی فرزند خویش را فراهم نمایند.

ص: ۱۰۹

فصل پنجم:موفقیت تحصیلی و عوامل تأثیرگذار

عوامل تأثیرگذار بر روند موفقیت تحصیلی

اشاره

به طورکلی عوامل تأثیرگذار بر روند موفقیت تحصیلی دانشآموزان، به دو بخش عوامل درونی و عوامل بیرونی تقسیمبندی میشود که در این قسمت هر دو عامل برای شما والدین گرامی شرح داده خواهد شد.

عوامل درونی

اشاره

* انگیزه

انگیزش یعنی مجموعه فرآیندها (سیستمها) و روشهایی که به انگیزه انسان جهت میدهد؛ انگیزه یعنی نیرویی که قادر است ما را به انجام دادن کاری وادار نماید.

یعنی انگیزه نیرویی است که توانایی دارد دلیل انجام عملکرد ما باشد.

ص: ۱۱۱

با توضیحات ارائه شده، درمییابیم که انگیزه جنبه نیرو و انگیزش نحوه بهکارگیری این نیرو را تعریف میکند.

انگیزه یعنی نیرویی که قادر است ما را به انجام دادن کاری وادار نماید؛ که انگیزه جنبه نیرو و انگیزش نحوه به کارگیری این نیرو را تعریف میکند.

سؤال؟

آنچه ما را قادر میکند که کاری را انجام دهیم، امری درونی است یا اینکه ممکن است عواملی خارج از ذهن انسان و در بیرون از شخصیت فردی او نیز بتواند برای ما ایجاد انگیزه نماید؟

در پاسخ باید بگویم: انگیزه، هم میتواند خاستگاه درونی داشته باشد و هم بیرونی؛ مثلاًـ ما قوانین راهنمایی و رانندگی را رعایت میکنیم؛ حال ممکن است رعایت این قوانین دلایل مختلفی داشته باشد.

اگر از ترس جریمه شدن توسط پلیس قوانین را رعایت کنیم، انگیزه رعایت قوانین، انگیزه بیرونی (ترس) خواهد بود.

اما اگر دلیل رعایت قوانین احترام به خود و دیگران باشد، (انگیزه درونی) این موضوع دیگر دوستی خواهد بود؛ لذا توجه فرمایید که بحث انگیزش و انگیزه در ابتدای موضوع، به دو بخش درونی و بیرونی تقسیم میشود و هر یک از این دو بخش در جایگاه خود، کاربردهای مخصوص به خود را میتواند داشته باشد.

اگر فرزندی بهخاطر دریافت جایزه (انگیزه بیرونی)، مسائل درسی خود را به نحو احسن انجام دهد، قطعاً از مزایای بهبود وضعیت درسی برخوردار خواهد بود و دانشآموز دیگری که بهخاطر علاقه به تحصیل و علم، مسائل درسی خود را به نحو احسن انجام میدهد(انگیزه درونی)، او نیز از مزایای بهبود وضعیت درسی

برخوردار خواهد شد. لذا با توجه به توضیحات ارائه شده، درمییابیم انگیزهها الزاماً نباید درونی و یا بیرونی باقی بمانند؛ چرا که در گذشت زمان میتوان انگیزه بیرونی را به یک انگیزه درونی تبدیل نمود و همچنین اگر رفتارهای مثبت انسان که انگیزه درونی عامل آن بوده است، با انگیزههای بیرونی حمایت نشود، در گذشت زمان ممکن است کمرنگ شده و از بین رود.

دانشآموزی که به تحصیل علاقهمند است و در امور درسی کوشا بوده و موفقیتهای خوبی را نیز به دست می آورد، اگر با تشویق والدین و مدرسه (انگیزه بیرونی) روبهرو نشود، ممکن است دچار دلسردی و کمکاری گردد.

پس بهدلیل اهمیت موضوع بحث انگیزش و انگیزه، تلاش میکنیم با در نظر گرفتن فضای مشترک والدین- دانشآموز و یادگیری، این بحث را توضیح دهیم.

البته والدین عزیز توجه داشته باشید که بعضی موارد از موضوعات انگیزه به یکدیگر نزدیک و یا حتی متصل بوده و در بعضی مواقع نیز از هم فاصله دارند؛ اما در حالت کلی، ابعاد مختلف یک موضوع را شکل میدهند. تفکیک موضوعات و ارائه راهکارهای مختلف بهدلیل تفاوت در شخصیت والدین و دانشآموزان بوده تا با توجه به اقتضائات روحی، سنی و جنسیتی فرزند خود، بتوانند از بهترین مسیر و راهحل استفاده نمایند. به توضیحاتی که ارائه میشود، توجه فرمایید.

فرآیندهای سیستم انگیزشی و ایجاد انگیزه معمولاً در سه دسته کلی تقسیم میشوند:

۱- انگیزشهایی که به "نیازهای" ما پاسخ میدهند؛

۲- انگیزشهایی که به "هیجانات" ما پاسخ میدهند؛

۳- انگیزشهایی که به "احساس بهتر" ما پاسخ میدهند.

در این قسمت با توجه به سن دانش آموزان دوره ابتدایی تا انتهای دبیرستان، انگیزههایی که به نیازهای ما پاسخ میدهند را توضیح داده و انگیزههای مربوط به هیجانات و احساس بهتر را به صورت محتوایی در انگیزه نوع اول شرح می دهیم؛

چرا که در این مقطع سنی این سه انگیزش، رابطه تنگاتنگی با یکدیگر داشته و معمولاً همپوشانی پیوستهای را دارا میباشند.

انگیزشهایی که به نیازهای ما پاسخ میدهند

بعضـی از فرآیندهای انگیزشـی، مبتنی بر نیازهای ما بوده و میتواند انگیزهای قوی در ما ایجاد نماید تا ما بتوانیم کاری را انجام دهیم.

مثلاً برای تأمین نیازهای مادی خود انگیزه کار کردن و تلاش در ما ایجاد میشود و علیرغم بسـیاری از مشـکلات از قبیل: سرما، گرما، طول مسیر و بسیاری از مسائل دیگر، به تلاش خود ادامه میدهیم.

دلیـل این تلاـش و قوی بودن انگیزه کـار، تـأمین نیازهای اساسـی است؛ چرا که بـدون برطرف نمودن این نیازها، قادر به ادامه زندگی نخواهیم بود.

خوراک، پوشاک و مسـکن هر کدام دارای هزینه بوده و بدون کسب درآمد نمیتوانیم عهده دار این هزینهها باشیم؛ با توجه به نیازهای بیان شده، انگیزه کار کردن نیز قوی خواهد بود.

البته نیازهای دیگری نیز وجود دارد که بـدون آن زنـدگی بسـیار سـخت خواهـد شد؛ نیازهایی همچون امنیت، دوست داشـتن دیگران و یا حتی دوست داشـته شدن ما توسط دیگران، نیاز به اینکه ما بتوانیم استعدادهای خود را شکوفا کنیم و توانمندیهای خویش را بروز دهیم.

این دسـته از نیازها بسـیار مهم هستند که هر یک به تنهایی میتوانند انگیزههای قوی در ما ایجاد نمایند تا بتوانیم کارهای مهمی را انجـام دهیم و بـا عبور از مشـکلات و سـختیها، طعم لـذتبخش موفقیت را بچشـیم. نیازهای بیان شـده در سـنین و جنسـیتهای مختلف، قطعاً دچار تغییر و تحول خواهند شد، اما از بین نخواهند رفت.

همه ما انسانها به امنیت اهمیت میدهیم و به آن نیاز داریم، هر چند نتوانیم در

مورد آن صحبت کنیم. قطعاً یک کودک دو ساله به امنیت نیاز دارد، اما نمیتواند معنای آن را توضیح دهد. همه ما انسانها به دوست داشتن و دوست داشته شدن نیاز داریم و به آنها بها میدهیم، اما شاید خانمها این موضوع را بهتر درک کنند و بیشتر از آقایان به آن بها دهند.

قطعاً از اینکه بتوانیم استعدادهای خود را بروز دهیم و توانایی خویش را به خود و دیگران اثبات نماییم، لذت میبریم.

حال ممکن است در سنین کودکی قادر به فهم اهمیت آن نباشیم؛ اما در دوران تحصیل، بلوغ و بزرگسالی برای ما بسیار پراهمیت و قابل درک خواهد بود.

بنابراین الزاماً هر نیازی را نباید با وضعیت حال بسنجیم و یا اینکه قضاوت شخصی در اینباره را به دیگران و نیازهای آنها نیز تعمیم دهیم؛ پس میکوشیم با استفاده از این نیازهای اساسی و خرده نیازهای خاص دوره دانشآموزی، به چگونگی ایجاد انگیزه در فرزند خود برای بهبود وضعیت تحصیلی بپردازیم.

چند سؤال مهم؟

(جدید)

نیازهای اساسی یک دانشآموز چیست؟

*آیا با شناخت این نیازها میتوان فرآیند انگیزشی برای او تبیین نمود؟

*آیا با توجه به نیازهای فرزند خود، میتوانیم یک انگیزه بیرونی یا درونی در جهت بهبود وضعیت تحصیلی او بهوجود آوریم؟

پاسخ به سؤالات فوق، در واقع به ما کمک میکند تا با یک نظام ساختارمند و هوشمندانه، با محوریت انگیزه، بتوانیم رابطه معقول و نسبتاً مداومی را بین دانشآموز و امور درسی طراحی نماییم تا با استفاده از آن، انگیزشهایی مبتنی بر نیاز فرزند در شخصیت او شکل گرفته یا ارتقاء یابد.

ص: ۱۱۵

اما پاسخ به سؤالات

نیازهای اساسی یک دانش آموز چیست؟

فرزنـد ما نیز هماننـد بزرگسالان دارای نیازهای اولیه میباشـد که در توضـیحات قبل ارائه گردیـد که بدون آنها زندگی مقدور نخواهـد بود. امـا نیازهـای دیگری نیز با توجه به سن و جنسـیت، شامل حال او میشود که توجه به آنها راهگشای مسائل بعـدی خواهد بود. از جمله:

* نیاز به شناخت شخصیت خود

در ابتداء موضوع بحث، لازم است به معنا و مفهوم شخصیت بپردازیم؛ عدهای از روانشناسان، شخصیت را چنین معنا میکنند:

شخصـیت یعنی طرز تفکر، نحوه بیان، اسـتدلال و چگونگی رفتار یک فرد که در او ثابت و پایدار است؛ البته با توجه به پایدار بودن این مفاهیم، بـدیهی است که دیگران بروز آنها را میتواننـد پیشبینی نماینـد و یا حـدس بزننـد. بر این اساس، شخصـیت را نوعی سازمانبندی بین مسائل روحی، روانی، رفتاری و یا فیزیکی شخص تلقی مینماییم.

شخصیت یعنی طرز تفکر، نحوه بیان، استدلال و چگونگی رفتار یک فرد که در او ثابت و پایدار است

البته این تعریف در دوران کودکی و نوجوانی حتی در دوره جوانی کاربردهـای متفـاوت و متناقضـی دارد. اما بهعنوان تعریف اولیه آن را میپذیریم تا بتوانیم توضیحات خود را با محوریت آن ارائه نماییم و شاخصهای ناظر به موضوع را بهتر درک نماییم.

ص: ۱۱۶

شناخت شخصیت در بزرگسالی و دوره کودکی و نوجوانی تفاوتهای اساسی با یکدیگر دارد. شخصیت در بزرگسالی شکل گرفته و تغییرات شکلی آن معمولاً بر اساس آموزش و یا عادتهای جدید خواهد بود.

اما در دوره کودکی و نوجوانی شخصیت فردی هنوز شکل نگرفته و محتوای آن نیز دقیقاً مشخص نیست و گاه در مدت زمان بسیار کوتاهی دچار تغییرات مثبت و منفی خواهد شد، که معمولاً بدون ثبات است. البته دقیقاً تربیت یعنی شکل دادن و محتوا بخشیدن به همین شخصیت، بدون ثبات فعلی!

لذا منظور ما از شناخت شخصیت خود و کمک والدین به فرزند در اینباره، در واقع کمکی است از طرف ما به فرزندمان تا او بتواند با وضعیت فعلی خویش از لحاظ شخصیتی آشنا شده و آن را ارتقاء دهد. چرا که بسیاری از دانشآموزان هیچ تصور خاصی از خود ندارند و عمداً این موضوع را به آینده موکول میکنند یا اینکه از والدین و متولیان مدرسه میخواهند در مورد شخصیت آنها توضیح دهند.

والدین عزیز در این مرحله میتوانند با ورود هوشمندانه به این موضوع (شناخت شخصیت)، مسبب انگیزههای قوی در دانشآموز شوند تا او بتواند تصور واقعی، مناسب و امیدوار کنندهای نسبت به خود داشته باشد؛ این موضوع در دوره اول دبیرستان و سن بلوغ فرزندان ما بسیار پراهمیت است.

 راهکارهای قابل ارائه توسط والدین جهت شناخت شخصیتی فرزندان

*برای فرزندان خود توضیح دهید که شخصیت انسان، وابسته به وراثت و شرایط زندگی است و این دو، عامل بسیار مهم و تأثیرگذار در شخصیت هر انسانی هستند؛ وراثت موضوعی از قبل تعیین شده است، اما شرایط را میتوانیم تغییر و ارتقاء دهیم. اینکه:

*چه چیزی یاد میگیریم؟

*کجا زندگی میکنیم؟

*دوستان و اطرافیان ما چه کسانی هستند؟

*نحوه ارتباط ما با اعضاء خانواده چگونه است؟

و مسائل اینچنینی، تأثیر خاصی بر شخصیت ما خواهند گذاشت. از جنبه فردی میتوان چنین مطرح نمود که:

*میزان تلاش و کوشش ما

*چیزی که دوست داریم یا از آنها بیزاریم

*نحوه تعامل ما با مشکلات

*عادتها

و مسائل اینچنینی، شخصیت ما را شکل میدهند. البته دیگران شاید برداشتهای متفاوتی از شخصیت ما داشته باشند؛ اما شخصیت ما میتواند روزبهروز بهتر و متعالیتر شود.

*والدین گرامی! صحبتکردن شما با فرزندتان در مورد موضوعات فوقالذکر، زمینهساز تعامل شما با آنها خواهد شد و او را نسبت به شخصیت خود آگاهتر خواهد نمود. بهطور مستند، بدون اغراق در کاستیها و با بیانی محبتآمیز و امیدوارکننده در مورد شخصیت و چگونگی شخصیت فعلی فرزندتان با ایشان صحبت کنید.

آگاه باشید که صحبتهای شما را در خلوت خود بارها و بارها تکرار خواهد نمود و تصویری از آن خواهد داشت که اطلاعات و برداشت شما از شخصیت او، زمینهساز این تصویر ذهنی بوده است.

با بیانی محبتآمیز و امیدوارکننده در مورد شخصیت و چگونگی شخصیت فعلی فرزندتان با ایشان صحبت کنید.

ص: ۱۱۹

*برای فرزندان دختر خود خصلتهای مهربانی، زیباییهای روحی و رفتاری و خاص بودن او را بارها و بارها تکرار کنید و او را تمجید نمایید. برای فرزندان پسر خود از تلاشگر بودن و با اراده بودن صحبت کرده و او را بهعنوان فردی قوی و اهل فکر تأیید نمایید.

*نحوه بیان شما و چگونگی تعاملات اینچنینی والدین با فرزند در سنین کودکی و نوجوانی، همچون پساندازی است که در روزهای سخت و تصمیمگیریهای مهم زندگی به کمک فرزند شما آمده و به او آرامشخاطر و قوتقلب میدهد.

* نیاز به بازی و تفریح

بازی کردن نیاز اصلی کودک است که در دوره تحصیلات ابتدایی به اوج خود میرسد و رفتهرفته بخش مهمی از بازی به ورزش، تفریح و سرگرمی تبدیل میگردد.

بازی کردن نیاز اصلی کودک است و این موضوع معمولاً از یک سالگی شروع میشود و در دوره تحصیلات ابتدایی به اوج خود میرسد و رفتهرفته بخش مهمی از بازی به ورزش، تفریح و سرگرمی تبدیل میگردد. بازی، قسمتی از حقوق دانشآموزان بوده و فضای بسیار مهمی است که در این موقعیت مسائل پراهمیتی از قبیل خویشتنداری، فداکاری، تصمیمگیری سریع و کار گروهی را بیاموزند و تمرین نمایند. همچنین افزایش توانمندی، رشد جسمانی، رشد عاطفی، فراگیری ارتباط و تعامل با دیگران، بهرهگیری از عقل و افزایش درک و ایجاد شادی، از جمله مسائل مهمی است که در هنگام بازی کودکان و دانش آموزان به وجود میآید و بسیاری از روانشناسان با مشاهده فضای بازی کودکان و نوجوانان،

مسائل آنها را بررسی مینمایند. مسائلی از قبیل بیان احساسات، استفاده از تخیل، فن بیان و قدرت قانعسازی، جمع گریزی و یا منعطف بودن، از جمله مسائلی است که در جریان بازی کاملاً ـ مشهود بوده و میتواند واقعیت یک کودک یا نوجوان را به نمایش گذارد و با مشاهده این مسائل، میتوان موضوعات ضعیف را قوی و نقاط قوت شخصیتی را تقویت نمود. بازی، ویترین طرز تفکر و نحوه بیان و مجموعه رفتارهای کودک است؛ لذا بازی را نه به معنای امری تشریفاتی، بلکه امری مهم، حق و مفید باید پذیرفت.

بازی، ویترین طرز تفکر و نحوه بیان و مجموعه رفتارهای کودک است.

البته در سالهای اخیر، بازیهای رایانهای یا یادگیری مصادیق بازیهای اینچنینی، سهم مهمی از بازی فرزندان ما را به خود اختصاص داده و افراط دانشآموزان در این موضوع موجب خسارتهای روحی و جسمی فراوانی به آنها شده است. اما میتوان با مدیریت صحیح زمان و نوع بازیهای رایانهای، از آنها نیز استفاده مطلوب نمود.

 راهکارهای والدین در مورد نیاز فرزندان به بازی

هر یک از ما بزرگسالان دوره کودکی و نوجوانی را پیموده و به مرحله جوانی و بزرگسالی رسیدهایم. این پیمایش بیانگر این موضوع است که ما نیز میتوانیم تا مقدار زیادی حال و هوای فرزند خود را درک نماییم و در وضعیت روحی او قرار گیریم. کافی است که والدین عزیز در بازیهای فرزندشان شراکت کنند و سهمی را برعهده گیرند.

پدران با فرزندان پسر خود بازیهای دسته جمعی مانند: فوتبال یا والیبال یا هر

بـازی دیگری که آنها انجام میدهنـد را بازی کننـد و مادران نیز در بازی فرزنـدان دختر خود حضور داشـته باشـند. شـراکت و حضور شما در بازی آنها، برای فرزندان لذتبخش و برای شما آرامشبخش خواهد بود.

شاید لازم باشد همه ما هفته ای یک الی دو ساعت را به دوران کودکی خود بازگردیم و از دنیای بزرگسالی مرخصی بگیریم! برای این کار بهترین راه، همبازی شدن با فرزندان است.

بنابراین باز هم والدین میتوانند در کنار فرزندان خود باشند و نقش همبازی را ایفا نمایند.

والدین عزیز!

بـازی کردن بـا دانشآموز و فرزنـدان گونهای از پسانـداز عاطفی و ارتباطی است که در آینـده، مانع بروز مشـکلات مهمی در زندگی فرزندان ما خواهد شد.

اگر امروز و در دوره کودکی و نوجوانی فرزنـدتان با او همبازی شوید، در دوره جوانی نیز او شـما را در تصـمیمات و زندگی خود بازی داده و همبازی او خواهید شد؛ یعنی طرف مشورت او قرار میگیرید.

بـازی کردن بـا دانشآموز و فرزنـدان گونهای از پسانـداز عاطفی و ارتباطی است که در آینـده، مانع بروز مشـکلات مهمی در زندگی فرزندان ما خواهد شد.

* نیاز به ارتباط با دیگران

یکی دیگر از نیازهـای فرزنـدان مـا، نیـاز به ارتبـاط داشـتن بـا دیگران است. انسـان موجودی اجتماعی است و تلاش میکنـد با دیگران در ارتباط باشد؛ فرزندان ما

به وسیله ارتباط، میبینند و دیده میشوند، یاد میگیرند و یاد میدهند. ارتباط با دیگران برای یک دانشآموز، موجب بروز تواناییهای او شده و میکوشد تا توجه دیگران را به خود جلب نماید و از خود شخصیت مثبت و قابل اعتمادی را به نمایش بگذارد.

همه این تلاشها موجب برآورده شدن نیازهای روحی او خواهد شد. نیاز به دوست داشتن و دوست داشته شدن از نیازهای اساسی هر انسان است؛ خصوصاً در دوران کودکی و نوجوانی که این نیاز در بستر ارتباط با دیگران شکل میگیرد.

در این بستر، دوستیابی و دوست شدن شکل گرفته و همچنین پذیرفته شدن توسط دیگران و پذیرفتن دیگران توسط خود، فراهم میگردد. ایجاد محدودیت ارتباط با دیگران، اگر بهصورت قطع رابطه با همه و بیتدبیر انجام پذیرد، صدمات روحی بسیاری را برای دانشآموز بههمراه خواهد داشت. بنابراین به والدین توصیه میکنیم نسبت به این نیاز فرزندان خود پاسخگو بوده و خصوصاً در مورد فرزندان دختر، با دقت و حساسیت بیشتری به موضوع بپردازید.

 راهکارهای والدین در خصوص نیازهای روحی فرزندان (ارتباط با دیگران)

*اولویتهای دوستیابی را به فرزندان خود بیاموزید و او را تشویق نمایید که دوستان با شخصیتی داشته باشد و خود او نیز برای دوستانش دوست خوبی باشد. مهربان بودن، مؤدب بودن و متدین بودن، سه خصلت یک دوست خوب است.

*حقوق افراد مختلف را به فرزند خود آموزش دهید تا در صورت ارتباط با دیگران، بتواند حقوق دیگران را رعایت نماید. افرادی با کهولت سن، جنس مخالف یا کودکان نوپا، از جمله افرادی هستند که فرزندان ما باید طریقه ارتباط با آنها را بیاموزند.

ص: ۱۲۳

مهربان بودن، مؤدب بودن و متدین بودن، سه خصلت یک دوست خوب است.

*حقوق خصوصـی فرزنـد را نیز به او آموزش دهید تا نسـبت به مراقبت و حفاظت خود در زمان ارتباط با دیگران موفق بوده و بتواند استقلال شخصیتی خود را حفظ نماید.

بعضی از این حقوق خصوصی عبارتند از اینکه:

*فرزندم! همیشه باید با شما محترمانه رفتار شود؛

*فرزندم! کسی حق ندارد شما را به زور وادار به انجام کاری نماید؛

*فرزندم! شما نیز مثل همه میتوانی نظر خودت را داشته باشی؛

*فرزندم! کسی حق ندارد بهخاطر افزایش آزادی خود، آزادی شما را محدود نماید؛

*فرزندم! کسی حق ندارد بدون دلیل به شما تهمت بزند؛

*فرزندم! کسی حق ندارد در غیاب شما در مورد گفتار یا رفتار شما صحبت ناپسندی داشته باشد؛

*فرزندم! کسی حق ندارد با شما شوخی فیزیکی داشته باشد.

و ...

* نیاز به امنیت و آرامش

از دیگر نیازهـای اساسی فرزنـد، نیـاز بـه امنیـت و آرامش است؛ هرگـونه اقـدام مثبت و رشـد و تعـالی، در فضـای امن و آرام صورت میگیرد. خـانواده و فضای خانه، عمـده امنیت و آرامش فرزنـد دانشآموز ما را تأمین مینمایـد. والـدین گرامی در محیط کـار خود، اهمیت امنیت و آرامش را درک نموده و در ایجاد آن تلاش میکننـد و از آن بهره میگیرنـد؛ اما فرزنـدان ما فقط از امنیت و آرامش بهره می گیرند

و در صورت عدم وجود آرامش، روحیه آنها شدیداً آسیبپذیر خواهد شد.

هرگونه اقدام مثبت و رشد و تعالی، در فضای امن و آرام صورت میگیرد.

لذا توصیه و خواهش ما از والدین عزیز این است که نیاز فرزندان به آرامش و امنیت را قسمتی از نیازهای اساسی او بدانید و در برآورده کردن این نیاز کوشا باشید. در فضای خانواده مشوش و ناامن، انگیزهای برای تعالی و تحصیل بهصورت جدی شکل نمیگیرد و یا بسیار سست خواهد بود. فرزندی که در حال حاضر در خانواده آرام و با ثباتی زندگی میکند، قطعاً از انگیزه بیشتری برای رشد و تحصیل برخوردار است.

برای آشنا شدن با این واقعیت، الزاماً نباید در کتابها و پایاننامههای دانشگاهی حقیقت را جستوجو کرد؛ اجتماع زندگی ما و نگاه دقیقتر به انواع فرهنگ خانوادههای مختلف، به اندازه کافی و لازم گویا خواهد بود.

فرزندی که در حال حاضر در خانواده آرام و با ثباتی زندگی میکند، از انگیزه بیشتری برای رشد و تحصیل برخوردار است.

 راهکارهای والدین برای تأمین نیاز به آرامش و امنیت فرزندان دانشآموز

*گفت وگوهای تشنجزا را با همسرتان در زمانی انجام دهید که فرزندان در منزل نباشند یا در محل خلوت و بدون حضور آنها گفت وگو کنید؛

*کلیه مسائل خانواده از قبیل مشکلات مالی، اختلافات فامیلی و حتی اختلاف نظرهای جدی خود با همسرتان را به فرزندان منتقل نکنید و سن و جنسیت

آنها را در درک موضوعات مختلف در نظر بگیرید؛

*از گفت وگوهای منفی و یا درگیری لفظی و خصوصاً فیزیکی با همسرتان یا دیگر فرزندان به شدت پرهیز نمایید؛

*با فرزندان خود در خصوص آینده آنها صحبت کنید و نقش حامی و پشتیبان را داشته باشید؛

*نسبت به همسر خود مهربان و با عاطفه باشید؛ خصوصاً در حضور فرزندان! زیرا با مشاهده رفتار محبتآمیز بین شما، احساس امنیت خانوادگی در آنها بیشتر میشود؛

*هرگز همسر و یا فرزندان خود را تحقیر نکرده و آنها را با دیگران مقایسه نکنید.

* نیاز به یادگیری دروس

از جمله نیازهای فرزندان ما، نیاز به خواندن و نوشتن است که این نیاز معمولاً در مدرسه پاسخ داده میشود و مسئولین مدرسه متصدی نقش آموزش و پرورش او خواهند بود؛ لذا ضروری است نسبت به مسائل درسی فرزندان، جدی و پیگیر باشیم.

متأسفانه گاهی مشاهده میشود بعضی از خانوادهها به امورات درسی فرزند پسر پایبند و پیگیر بوده، اما نسبت به امور درسی فرزند دختر خود جدی نیستند و از دلایل غلط عرفی برای این کار خود بهره میبرند.

لازم بهذکر است، اتفاقاً بهدلیل اینکه در آینده نزدیک، دختران نقش همسر و مادر را در جامعه به عهده میگیرند، لازم است نسبت به یادگیری و مسائل درسی آنها کوشاتر و جدیتر باشیم.

تحصیلات، یادگیری و آموزش دختران از طرف حاکمیت جامعه، در واقع سرمایهگذاری برای تربیت نسل بعدی است؛ لذا والدین نیز به این نکته توجه

ص: ۱۲۶

نمایند که تربیت و آموزش صحیح دختران نسبت به پسران از اهمیت بیشتری برخوردار است.

تحصیلات، یادگیری و آموزش دختران از طرف حاکمیت جامعه، در واقع سرمایهگذاری برای تربیت نسل بعدی است.

 راهکارهای والدین در خصوص تأمین نیاز به یادگیری دروس فرزندان

*در صورت نیاز و صلاحدید متخصصین، از وسایل و یا کتب کمک آموزشی برای فرزندان استفاده نمایید؛

*بعضی از دروس و کتابها را با حضور فرزند خود، با مشارکت یکدیگر دوره کنید؛

*ارتباط مناسبی با مدرسه فرزندتان داشته باشید؛

*برای آموزش فرزند خود، از مدارس خوب و سطح علمی و عملی متعالیتر استفاده نمایید؛

*زمینه تردد مناسب (سرویس مدرسه) را برای فرزند خود فراهم کنید؛

*نسبت به تغذیه فرزند دانشآموز خود حساس باشید؛

*در مورد مسائل آموزشی فرزندتان مسئولانه رفتار نمایید.

* نیاز به الگوهای مناسب

یکی از راههای سریع یادگیری، استفاده از الگو است؛ فرزندان ما بهدلیل سن کم و بی تجربگی، اگر بخواهند تمام مسائل مربوط به زندگی و درسی خود را شخصاً تجربه نمایند، قطعاً با مشکلات زیادی مواجه شده و یا موفق نخواهند بود.

البته صحبت در زمینه استفاده از الگو به معنای تقلید کورکورانه از رفتار و گفتار

دیگران نیست، بلکه به این معنی است که به چگونگی روش و موفقیت دیگران توجه نموده و با استفاده از یک یا چند نمونه عینی، راههای احتمالی موفقیت را برای خود انتخاب نماید.

بدیهی است این روش از حداقل اتلاف انرژی و وقت نیز برخوردار بوده و ضمناً بر توفیقات آنها نیز افزوده می شود.

والدین گرامی در بسیاری از موضوعات، میتوانند برای فرزند خود الگوی مناسبی باشند. مسائل مربوط به درس و مطالعه، حیاء و حجاب، ارتباط با دیگران، نحوه مدیریت مسائل مالی و نحوه ارتباط با همسر و فرزندان، همه و همه میتواند برای فرزندان ما الگو باشد.

بعضی از والدین انتظار دارند فرزند آنها با گفتوگو و از راه شنیدن، گفتوگوی آنها را بهعنوان الگوی مناسب بپذیرد که این امکان بسیار ضعیف است.

رفتار، بیان و خصوصاً تعاملات روزانه ما، نقش اساسی در نیاز فرزندان به الگوی مناسب خواهد داشت.

فرزندان ما میبینند و میآموزند! نه اینکه گوش بدهند و بیاموزند؛ لذا رفتار، بیان و خصوصاً تعاملات روزانه ما، نقش اساسی در نیاز فرزندان به الگوی مناسب خواهد داشت.

 راهکارهای والدین در خصوص تأمین نیاز به الگوهای مناسب فرزندان

*در تجمعات فامیلی و دوستانه، با توجه به جنسیت و سن فرزندان، سعی نمایید آنها را نیز با خود همراه سازید و در گفتوگوها یا کارهای مشارکتی دخالت دهید؛

ص: ۱۲۸

*از فرزند دختر خود بخواهید به مادرش اعتماد کامل داشته باشد و رفتارها و گفتار مادر خویش را بهعنوان یک نمونه صحیح گفتار و رفتار بپذیرد؛

*در گفتار و رفتار خود سعی کنید از بهترین واژهها و رفتارها استفاده نمایید؛

*روش درست انجام دادن کارها را به فرزند خود بیاموزید و این کار را بارها و بارها تکرار کنید؛

*از افراد خبره و مشاورین دلسوز برای ارائه الگو به فرزندتان استفاده نمایید؛

*اگر رفتاری را بهدرستی نیاموختهاید، حتماً رفتار خود را اصلاح کنید تا فرزندان شما با الگوگیری غلط از والدین گمراه نشوند یا اشتباه نیاموزند.

* نیاز به تأدیب و مراقبت

در ابتدای موضوع، لازم است دو واژه تأدیب و مراقبت را از نظر مفهومی کمی بررسی نماییم.

تأدیب به معنای ادب کردن است؛ یعنی روش پسندیده انجام کارها را به کسی آموختن، دانش او را در مورد انجام رفتاری به نحو درستی افزایش دادن.

در مورد مراقبت نیز چنین برداشت میشود که مراقبت یعنی حفظ کردن چیزی، یعنی توجه و فکر ما به موضوع یا چیزی معطوف شود.

با توضیحات فوقالذکر، درمییابیم تأدیب و مراقبت که از نیازهای اساسی کودکان و نوجوانان است، به این معنا میباشد که اولاً باید ذهن خود را به فرزندان معطوف نماییم و در ثانی امورات مختلف را از راه و روش صحیح به آنها آموزش دهیم.

ص: ۱۲۹

تأدیب و مراقبت به این معنا میباشد که باید ذهن خود را به فرزندان معطوف نماییم و امورات مختلف را از راه و روش صحیح به آنها آموزش دهیم.

چرا که فرزندان ما برحسب بیتجربگی و کم سن بودن خود نسبت به بسیاری از موضوعات، جاهل و نادان هستند و هیچ انسان عاقلی نمیپذیرد که یک کودک و یا نوجوان، چه دختر و چه پسر، بتواند عمده رفتارهای فردی و اجتماعی خود را به نحو احسن انجام دهد.

بههمین منظور، این موضوع وظیفه والدین است که در امر ادب نمودن فرزند و مراقبت از او کوشا باشند تا نیازهای تربیتی او را برآورده سازند. البته بعضی از والدین بهجای مراقبت از فرزند، او را کنترل میکنند که این امر اگر به افراط کشیده شود، اثرات مطلوبی نخواهد داشت. منظور ما از مراقبت این است که فرزند ما کارهای روزانه و مربوط به خویش را انجام دهد و ما نیز برحسب وظیفه، مراقب او باشیم؛ نه اینکه با تجویز محدودیت و یا محرومیتهای پیدرپی موجب شویم فرزند ما خود را محصور و در تنگنای زندگی تصور نماید.

بهطور خلاصه اینگونه میشود گفت که در کنترل کردن فرزندان، بچهها بهزحمت میافتند؛ اما در مراقبت کردن از فرزندان، والدین به زحمت میافتند که البته وظیفه والدین است که فرزندان خود را تربیت نمایند.

* نیاز به محبت و تحسین شدن

محبت والدین به فرزندان، احساس امنیت را افزایش داده و موجب تقویت رابطه والد و فرزند میگردد؛ محبت زمینهساز حس اصلی اعتمادبهنفس در آنهاست.

فرزندی که مهمترین دوران زندگی خود را در مقطع متوسطه میگذراند، نیازهای مهم و اساسی دارد که یکی از آنها نیاز به محبت و تحسین شدن است؛

محبت والدین به فرزندان، احساس امنیت را افزایش داده و موجب تقویت رابطه والد و فرزند میگردد.

محبت، بسیاری از کدورتها را از بین برده و فرزندان را نسبت به آینده خوشبین میسازد؛ محبت زمینهساز حس اصلی اعتمادبهنفس در فرزندان است. خصلتهای انسانی از جمله گذشت، فداکاری، بخشش و حتی عدالت، همگی زاییده محبت هستند.

در این بین، فرزندان با جذب محبت از سوی والدین خود نیز به آنها و دیگران محبت میکنند و موجب افزایش تعداد انسانهای موجود در این چرخه خواهند شد. تحسین دانشآموز توسط والدین، موجب احساس شخصیت توسط فرزندان میشود و انگیزهای خواهد بود برای تکرار رفتارهای پسندیده و شروع کارهای خوب جدید.

تحسین موجب میگردد فرزند ما احساس شایستگی و لیاقت کند و او نیز بچه های کوچکتر خانواده را تحسین نموده و به آنها محبت نماید.

به مثالهای زیر دقت کنید:

*وقتی فرزند شما تکالیف خود را انجام داد، از او نخواهید تا کتاب و دفتر خود را جمع نموده و در کیفش قرار دهد؛ بلکه با کنترل تکالیف او و ابراز رضایت از دستخط و کامل بودن آنها، فرزند را تشویق و تحسین کرده و سپس از او بخواهید تا کتاب و دفتر خود را در کیفش قرار دهد.

*وقتی فرزند شما در انجام کاری، مثلاً کاردستی یا حل بعضی از مسائل، احساس ناتوانی میکند، با روی باز و خوش اخلاقی به او کمک کنید و از او بخواهید در مواجهه با مشکلات، حتماً اولین نفر شما را مطلع نماید.

تحسین موجب میگردد فرزند ما احساس شایستگی و لیاقت کند.

ص: ۱۳۱

* نیاز به سلامت جسمی و تغذیه مناسب

هر دانشآموزی نیازمند بدنی سالم است و این سلامت جسمی رابطه مستقیمی با تغذیه و ورزش دارد. متأسفانه بسیاری از فرزندان از تغذیه مناسبی برخوردار نیستند و عدهای نیز از چاقی شدید رنج میبرند.

تغذیه برای کودک و نوجوان دارای اهمیت بسیاری است، چرا که آنها در مرحله رشد جسمی قرار دارند و همچنین ورزش باعث تعادل جسمی آنها شده و همیشه آنها را پر انرژی نگه میدارد تا بهتر تحصیل کنند.

 راهکارهایی برای سلامت جسمی:

*خوردن صبحانه؛

*پیادهروی روزانه؛

*شرکت در کلاسهای ورزشی مدرسه؛

*عدم استفاده مکرر از فست فودها؛

*قرار دادن سبزیجات و لبنیات در رژیم غذایی آنها بهصورت روزانه.

ورزش باعث تعادل جسمی نوجوان شده و همیشه آنها را پرانرژی نگه میدارد تا بهتر تحصیل کنند.

* والدین مسئولیت پذیر

هر دانش آموزی نیازمند والدین مسئولیتپذیری است تا بتواند تحصیلات خوبی داشته باشد. البته فرزندانی نیز متأسفانه از نعمت والدین مسئولیتپذیر بیبهره بوده؛ لیکن تحصیلات خوبی داشته اند. اما فشارهای وارده روحی به چنین فرزندانی، هیچگاه جبران نخواهد شد.

مشخصات والدین مسئولیت پذیر:

*خانواده اولویت اول آنها است؛

*خود را مسئول تربیت فرزند میدانند؛

*الگوی مناسبی برای فرزندان هستند؛

*خود را در مقابل تمامی رفتارهای فرزند مسئول میدانند؛

*تربیت صحیح فرزندان را مهمترین وظیفه خود تلقی میکنند؛

*از عمده فعالیتهای فرزند خود مطلع بوده و در حد مقدور با آنها مشارکت دارند؛

*فرزند آنها هیچگاه احساس تنهایی نمیکند.

احساس نیاز به تحصیل

احساس نیاز به تحصیلات یعنی اینکه دانشآموز برای دستیابی به اهداف و آرزوهای خود، لازم بداند امور درسی خود را به نحو احسن به سرانجام برساند.

سؤالات مهمی که در باب این موضوع مطرح میشود این است که:

*اگر اهداف مدنظر دانشآموز بر گونهای دیگر شبیهسازی شد، چه میشود؟

*اگر دیگران اهداف او را با اهداف دیگری تعویض کردند چه؟

*اگر اهداف دانش آموز به طور کلی عوض شد، چه پیش میآید؟

*اگر دوست یا شخص دیگری احساس نیاز به آن هدف دانشآموز را از بین برد، چه اتفاقی میافتد؟

*در حقیقت چه راههایی برای برطرف نمودن احساس نیاز وجود دارد؟

در پاسخ باید گفت: جنس مفهوم و کارکرد انگیزه با احساس نیاز متفاوت است. انگیزه عمدتاً عاملی است که تا شخص را به خواسته خود نرساند، آرام نمیشود؛ در صورتیکه در احساس نیاز، شرایط اینگونه نیست. نیاز میتواند به وسیله شخص دیگری برطرف شود تا فرد به سمت برطرف نمودن آن نیاز نرود. در حالیکه عامل بیرونی قادر به برطرف نمودن انگیزه نیست؛ بلکه عامل انگیزه

درونی است که تا شخص از درون ارضاء نشود، آرام نمیگیرد. اما اگر احساس نیاز شخص نسبت به موضوعی برطرف شود، او دیگر بهدنبال برطرف ساختن آن نخواهد رفت.

در مورد علاقه مندی به تحصیل و موفقیت در آن، احساس نیاز اینگونه برای دانشآموز تعریف میشود که اگر او نسبت به تحصیل احساس نیاز داشته باشد، عاملی میشود که به کمیت و کیفیت امور درسی خویش بیشتر رسیدگی کند. والدین در امر تعلیم و تربیت فرزندان از همه ابزارهای تربیتی استفاده مینمایند؛ پس احساس نیاز هم از جمله ابزارهای تربیتی است که وجود آن در کنار دیگر ابزارها میتواند عاملی در برانگیختن علاقهمندی دانشآموزان به تحصیل باشد.

بر همین اساس ممکن است در یک خانوادهای انگیزه درسخواندن قوی باشد و در خانوادهای دیگر احساس نیاز به درسخواندن؛ پس به تناسب محیط تربیتی فرزندان از ابزارهای مناسب همان محیط باید استفاده شود.

علاقه

علاقه، به خواسته شخصی و دوست داشتنهای ما باز میگردد؛ یعنی شخص ممکن است احساس نیازی نسبت به موضوعی مانند درس خواندن نداشته باشد، ولی نظر شخصی و سلیقه او این است که پیگیر امور درسی باشد. پس با دنبال کردن علاقه خود، مسیر رسیدن به موفقیت را انتخاب مینماید.

علاقه جزء گزینه های رسیدن به موفقیت است که کاملاً به شخص، سلیقه و خوشایندهای او وابسته است.

مثلاً در خانوادهای متمول که احساس نیازی برای به وجود آوردن شرایط مالی کمرنگ است، اما فرزند خانواده به دنبال رشته تحصیلی به اصطلاح پول ساز

ص: ۱۳۴

می رود. دنبال کردن این رشته از سر علاقه است، نه احساس نیاز. علاقه جزء گزینه های رسیدن به موفقیت است که کاملاً به شخص، سلیقه و خوشایندهای او وابسته است.

آینده نگری

تأثیر آینده نگری بر روند موفقیت تحصیلی دانش آموز به وضعیت مطلوب خانواده و فرزند باز می گردد؛ یعنی در بحث آینده نگری، تلاقی فکر بین خانواده و فرزند به وجود میآید.

بعضی از بچهها آیندهنگرند، در حالیکه والدین آنها کمتر از این خصلت برخوردار هستند و بعضی از والدین نیز آیندهنگر هستند، اما فرزندان کمتر از این خصلت برخوردار میباشند.

بحث آینده نگری با هماهنگی بین فرزند و والدین نتیجهبخش خواهد بود. بر این اساس، بحث موفقیت تحصیلی باید بدینصورت برای فرزندان مطرح شود که در گذشته نه چندان دور موفقیت در ورزش، هنر، تجارت و تحصیل تعریف میشد، اما در حدود پنجاه سال اخیر، این چهار مقوله عمدتاً در علم آموزی خلاصه می شود.

یعنی موفق شدن اینگونه تعریف میشود که اگر شخصی میخواهد در هنر به نتیجه مطلوب برسد، باید علم آن را داشته باشد؛ پس باید تحصیلات متناسب با آن رشته هنری را داشته باشد. کسی که میخواهد در تجارت به موفقیت برسد، باید از مسیر علم، آموزش و دانشگاه به آن موفقیت برسد. همچنین در مورد ورزش وضع به همین منوال است؛ لذا تمامی مسائل از جنبه علمی قابل بررسی است و طبیعی است که جایگاه علم نیز عمدتاً در دانشگاه تعریف شده است.

بنابراین والدین میتوانند به فرزندان کمک کنند تا آنها آیندهای را برای خود ترسیم نمایند، که موفقیت در آن بستگی زیادی به تحصیلات و

علم آموزی داشته باشد.

حتی در موضوع مربوط به کتب علوم دینی و معرفتی نیز توصیه میشود که شخص حتماً در یک حوزه علوم دینی شرکت نموده و با استفاده از اساتید مجرب علوم دینی مسائل را بیاموزد و از خوداستادی پرهیز داشته باشد.

در دنیای امروز موضوع یا رشتهای ورزشی و یا هنری برای آموختن وجود ندارد و مطرح نمی شود؛ مگر اینکه علمی بوده و متصدیان این امور، از قبیل هنرمندان و ورزشکاران، از جنبه علمی آن نیز مطلع باشند. بههمین دلیل است که در دنیای امروز، تجار، ورزشکاران و هنرمندان نسبت به گذشته تحصیل کرده تر هستند.

در کنار کمک والدین به معماری یک آینده مطلوب برای فرزندان، بچههایی نیز هستند که از خصلت آیندهنگری برخوردارند و آنها والدین را متوجه بحث ترسیم یک آینده روشن بر اساس امکانات و اقتضائات میکنند. فرزندانی که چنین خصلتی دارند، معمولاً افرادی هستند که در اجتماع نیز حضور مثبتی دارند.

این فرزندان با افراد مختلفی که در اجتماع هستند، تعامل برقرار نموده، در فعالیتهای بسیج مسجد محل خود شرکت می نمایند و در کارها و گروههای اجتماعی مدرسه حضور زیادی دارند. این فرزندان بهدلیل اینکه با اشخاص مختلفی در ارتباط هستند و درصد قابل توجهی از این افراد، انسانهای موفق جامعه را تشکیل میدهند که از رشته های گوناگون و طبقات مختلف اجتماع هستند، بنابراین دانشآموزان نیز بر اثر ارتباط با این شخصیتها دوست دارند که در آینده مانند یکی از آنها شوند.

دانشآموز وقتی به اشخاص موفق اطراف خود نگاه میکند، یک نقطه مشترک در بین همه آنها میبیند و آن، تحصیلکرده بودن همه آنها است؛ بنابراین با توجه به مشاهدات و ارتباطات خود، آینده را اینگونه ترسیم میکند که اگر بخواهد آدم موفقی شبیه به آدمهای اطراف خود شوم، باید فرد تحصیل کرده ای باشم!

ص: ۱۳۶

همچنین بعضی از فرزندان، خود را با افراد موفق اطراف خویش میسنجند و رصد میکنند؛ مثلاً یک دانشآموز دوره راهنمایی به این فکر میکند که اگر در آینده بخواهد یک دکتر روانشناس موفق شود، چه کاری باید انجام دهد؟! لذا با یک متخصص روانشناس در این مورد صحبت میکند. شخص متخصص نیز به دانشآموز توصیه میکند که با پشتکار درس بخواند، مطالعات جانبی زیادی کرده، آداب معاشرت خوبی داشته باشد، در رفتارهای پسندیده و ناپسند مردم دقت داشته و نتیجه را بررسی نماید. رفتارهای درست را یاد بگیرد و رفتارهای غلط خود را کم کند.

بههمین صورت، این دانشآموز در مراحل مختلف زندگی خود با توجه به هدفی که برای آینده در نظر گرفته است، مسیر رسیدن به آن اهداف را با انسانهای موفق در این رشته بررسی مینماید و با توجه به آیندهنگری که در ناخودآگاه و ضمیر پنهان خود دارد، در واقع بهطور مستمر در بخشی از آینده زندگی میکند. لذا با کیفیت و کمیت بهتری به زندگی خود ادامه داده و در کارهایش به نتیجه میرسد؛ همچنین به آیندهای که برای خود تصور مینماید دست پیدا میکند.

احساس فضیلت

احساس فضیلت به ذات انسان باز میگردد؛ چون خالق ما، خداوند متعال، لایتناهی است؛ لذا برای رشد و ترقی انسان نیز نمیتوان نهایتی قائل شد. خداوند مهربان در مقایسه با دیگر مخلوقات، امتیاز ویژهای به ما داده و بعد از آفرینش انسان، به خود احسنالخالقین گفته است. وقتی او چیزی را خلق میکند و به خود احسنالخالقین میگوید، یعنی انسان بهترین آفریده خداست که ذات باری تعالی اینچنین خود را بهترین خالق خطاب نموده است.

احساس فضیلت یعنی یک خودباوری و خوددوستی مثبت.

ص: ۱۳۷

حال که ما انسانها برحسب خلقت، بهترین مخلوقات هستیم و خالق ما، خالقی لایتناهی است، مشخص میشود که رشد، ترقی، بزرگی و بزرگواری ما نیز انتهایی ندارد. پس ما هر لحظه میتوانیم بهتر از لحظه قبل شویم؛ لذا احساس فضیلت در دامان ارزشهای انسانی قرار میگیرد؛ یعنی هر انسانی به طور طبیعی دوست دارد از گذشته خود بهتر باشد و حتی دوست دارد از بقیه اشخاص نیز بهتر باشد.

احساس فضیلت یعنی یک خودباوری و خوددوستی مثبت؛ یعنی شخص دوست دارد رشد و ترقی داشته باشد و بزرگ و بزرگوار شود. در این شرایط، هر چیزی که باعث رشد و بزرگی فرد شود، احساس فضیلت را در وجود او زنده می کند.

در همین زمینه نیز امیرالمؤمنین علی(علیهالسلام) میفرماید:

... مَنِ اعتَدَلَ یَوماهُ فهُوَ مَغبونٌ... و مَن کانَ غَدُهُ شَرَّ یَومَیهِ فَمَحرومٌ

... هرکس دو روزش یکسان باشد، زیانکار است... و هرکه فردایش بدتر از دیروز او باشد محروم است.(۱)

سخن ایشان نیز به همین معنا است که شخص باید امروزش از دیروزش بهتر باشد تا احساس فضیلت در او پرورش پیدا کرده و باعث رسیدن به کمال شود.

لذا احساس فضیلت، احساسی است که کمک میکند ما نسبت به خود و دیگران، دنبال بهتر شدن باشیم و از طی نمودن چنین مسیری لذت ببریم. هیچ انسانی وجود ندارد که از اینکه چیزی را یاد بگیرد و حس خوبی را بهدست آورد، ناراحت شود. همه انسانها دوست دارند احساس فضیلت را کسب نمایند؛ حتی

۱- من لا یحضره الفقیه. ج۴. ص ۳۸۲.

آدمهایی با خصلتهای منفی که بهدنبال مسائل منفی میروند، دوست دارند در همین زمینه منفی نیز نسبت به بقیه انسانها برتری داشته باشند.

چنین انسانی یا زمینه رسیدن به نقاط مثبت برای او وجود ندارد یا بهدنبال آن نمیرود؛ ولی برتر شدن در امور منفی نیز به او احساس فضیلت خواهد داد.

در چنین شرایطی، کسب علم و دانش و رسیدن به موفقیت در امور درسی و تحصیلی، از جمله مهمترین و بهترین راههای پیشرفت، ترقی و تجربه احساس فضیلت است.

پس هنگامیکه دانش آموز نتایج مثبت پشتکار در امور درسی را با کسب نتایج خوب و رسیدن به سطح علمی مناسب مشاهده مینماید، احساس فضیلت و برتری در او شکل میگیرد و برای رسیدن به سطوح بالاتر و تجربه احساس لذتبخش برتری، تلاش بیشتری خواهد کرد.

برای یک دانش آموز، رسیدن به موفقیت در امور درسی و تحصیلی از جمله مهمترین راههای تجربه احساس فضیلت است.

عوامل بیرونی

تشویق به تحصیل

تشویق به تحصیل در برانگیختن یادگیرندگان و همچنین در تبدیل یادگیری به عملکرد، مؤثر است. از آنجا که ممکن است فرزندان همواره در تقلید از یک الگو موفق نشوند، تشویق کودکان به یادگیری از افراد مختلف، آنان را راغبتر میسازد. دانشآموزانی که تلاشهای آنها بهوسیله خانواده راهنمایی و تسهیل میشود، معمولاً بیش از سایر بچهها در زمینه تحصیل موفق میشوند.

در حقیقت، رفتارهایی که به تشویق و پاداش دادن به دانش آموزان منتهی

ص: ۱۳۹

میشود، بیشتر از رفتارهایی که بدون پاداش میمانند، تکرار میگردند.

در این میان، والـدین می تواننـد با دخالت در امر تحصـیل فرزندان به وسـیله تشویق کردن آنها سـبب پیشـرفت فرزندان در امر تحصیل شوند.

رفتارهـایی کـه بـه تشویـق و پـاداش دادن به دانشآموزان منتهی میشـود، بیشـتر از رفتارهـایی که بـدون پـاداش میماننـد، تکرار میگردند.

خصوصاً در سـنین نوجوانی، نوجوانان به تشویق والـدین بیشتر از راهنماییها یا پاداشـهای مسـتقیم آنها نیازمنـد میباشـند. به بیان دیگر، حتی در صورت شـکست تحصـیلی، دانش آموزان نیـاز دارنـد، دوست دارنـد و میخواهنـد والـدین آنهـا را به ادامه کار تشویق نماینـد. در واقع از نگاهی دیگر منظور از تشویق آن است که وقتی فرزنـدان با ناکامی مواجه میشوند، والدین آنها را از مأیوس شدن برحذر دارند و به تلاش بیشتر تشویق نمایند.

تشویق در موضوعی خاص، یعنی والـدین کاری انجام دهنـد تا فرزنـد اشتیاق پیـدا کند که در یک موضوع مشـخص پیشـرفت نمایـد. موضوع مورد نظر بحث ما نیز انجام امور تحصـیلی است؛ لـذا والـدین میتواننـد نقش ویژهای در تشویق فرزندان به امور درسی ایفا نمایند.

تهیه یک هـدیه بهعنوان جایزه، تعریف و تمجید از موفقیتهای درسـی و تحصـیلی شـخص در بین فامیل و آشـنایان، سـرزدن به مـدرسه و بررسـی وضـعیت درس فرزنـد خـود بهگونهـای که او متـوجه شـود امور درسـی او برای والـدین مهم است، از جمله نقشهای مؤثر والدین در این زمینه است.

حتی میتوانند فراهم نمودن بعضی از امکانات برای فرزند خود را بهدلیل وضعیت مطلوب تحصیلی او عنوان کنند.

ص: ۱۴۰

همچنین بعضی از هزینههایی که صرف امور مختلف فرزندشان میکنند را نیز به سطح مناسب درسی او نسبت دهند و مواردی از این دست، از جمله کارهایی هستند که والدین با انجام دادن آن میتوانند در فرزند خود اشتیاق به تحصیل را ایجاد نمایند.

در این شرایط دانشآموز برای اینکه امور درسی خود را با کیفیت بهتری ادامه دهد، شوق پیدا میکند.

فضای علمی خانواده

فضای علمی خانواده نیز از جمله عواملی است که در روند موفقیت تحصیلی فرزند بسیار تأثیرگذار است و نمیتوان آن را نادیده گرفت. شخصی که از خردسالی و حتی از نوپایی والدین خود را همراه کتاب و اهل مطالعه ببیند، نمیتوان تصور کرد که با کتاب مأنوس نشده باشد؛ بنابراین با کتاب همراه بودن، اهل درس و بحث بودن و انس با کتاب، بخش مهم و مفیدی از زندگی او خواهد شد.

لذا در چنین فضایی فرزند بهصورت طبیعی، به سمت کتاب سوق پیدا خواهد کرد.

بعضیاوقات مشاهده میشود برخی از بچهها برای مطالعه و انجام امور درسی، با والدین خود میجنگند.

این چالش به این دلیل است که والدین اهل مطالعه نیستند؛ این شرایط در خانوادهای که اهل مطالعه باشند، کاملاً برعکس میشود. یعنی والدینی که بخشی از برنامه روزانه خود را به مطالعه کتاب اعم از دانشگاهی، درسی و فرادانشگاهی اختصاص میدهند، فرزند این خانواده ناخودآگاه میپذیرد مطالعه بخشی از زندگی است و این پذیرش کمک مینماید تا در روند علاقهمندی به تحصیل قرار گیرد و به موفقیت دست پیدا کند.

ص: ۱۴۱

آمارهای غیررسمی، میدانی و در فرهنگهای متفاوت نشان میدهد فرزندانی که در خانه آنها کتابهای زیادی وجود داشته است و در معرض کتابهای بیشتری بودهاند، عمدتاً در بزرگسالی وضع مالی بهتری دارند.

ظاهراً ارتباطی بین وجود کتاب در خانه و وضعیت مالی پیدا نمیشود، اما شاید با کمی تفکر بتوان یک رابطه بسیار قوی بین آنها برقرار نمود. در واقع علت این موضوع شاید به این نکته بازمیگردد که بچههایی که اهل مطالعه کتاب میشوند، معمولاً اهل بیشتر دانستن، مشورت و رجوع به متخصص در امور مختلف هستند و از کارهای بدون برنامه، اتفاقی و شانسی، استقبالی نمیکنند و همین امر کمک مینماید که زندگی منطقیتر و بهتری داشته باشند.

محیط، علاقهمندی دانشآموز به تحصیل را افزایش میدهد.

نکته دیگری که در این بحث قرار دارد، وجود افراد تحصیلکرده در خانواده است؛ یعنی اگر در خانوادهای پدر، مادر، خواهر یا برادر تحصیلکرده باشند، فرزند بعدی برای خود ناشایست میداند که در چنین خانوادهای او از تحصیلات کمتری برخوردار باشد. (والدین گرامی میدانند فرزند کوچکتر دنباله فرزند بزرگتر خواهد بود!)

در حقیقت بچه با خود بررسی میکند که اعضاء خانواده، حتی اقوام و آشنایان، همه تحصیلکرده هستند؛ پس نمیشود که او در این بین ادامه تحصیل ندهد یا به درس بیاهمیت باشد. بههمین جهت فرض خود را بر این میگذارد که او نیز باید مانند بقیه خانواده و اقوام، روند تحصیلی را ادامه دهد؛ یعنی ادامه تحصیل در فضای علمی حاکم بر این خانواده بهصورت قانون نانوشتهای میشود که همه از آن دنبالهروی میکنند؛ لذا محیط، علاقهمندی دانشآموز به تحصیل را افزایش میدهد.

ص: ۱۴۲

حتی بعضی از فرزندانی که در خانوادههایی تحصیلکرده هستند اما دچار افت تحصیلی میشوند، بعد از مدتی بهدلیل حاکمیت همین فضای تحصیلی، مجدداً افت تحصیلی آنها جبران میشود.

فضای اجتماعی

در این بخش، ابتدا باید تعریفی از اجتماع زندگی فرزند خود داشته باشیم؛ یعنی اینکه دانشآموز ما در کدام اجتماعات قرار دارد؟!

اولین و اصلیترین اجتماعی که دانشآموز در آن قرار میگیرد، خانواده است. بعد از آن وارد اجتماع مدرسه و سپس وارد اجتماعاتی چون جمع فامیل، محله و کوچه میشود.

اگر این سه فضای اصلی خانه، مدرسه و فامیل، بهعنوان اجتماعات مرتبط با بچه در نظر گرفته شوند و اگر این اجتماعات از نظر تربیتی و آموزشی فضای مثبتی داشته باشند، فرزند ما از نظر اجتماعی شرایط مثبتی را تجربه میکند؛ لذا برای رسیدن به موقعیت تحصیلی بهتر، برانگیخته میشود.

اما هنگامیکه این فضاها از جو منفی برخوردار باشند، باعث عدم موفقیت دانشآموز خواهند شد.

مثال:

مثلاً کودکی که در مدرسه و در بین همکلاسیهای خود بهدلیل اینکه از نظر درسی دانشآموز شاخصی نیست، اصطلاحاً خیلی تحویل گرفته نمیشود و به او توجه نمیکنند؛ همچنین در محیط خانه نیز به او بهای خاصی نمیدهند. همین دو عامل کافی است تا بچه روند موفقیت تحصیلی را بهدرستی طی نکند و با مشکلات جدی روبهرو شود.

فضای اجتماعی فرزندان باید به گونهای باشد که در خصوص کوچکترین

رشد درسی از خود عکسالعمل مثبت بروز دهد و در خصوص عدم موفقیت تحصیلی نسبت به دانشآموز سؤال ایجاد شود که در هر دو شرایط نیز میتوان گفت فضای اجتماعی، عکسالعمل مثبت نشان میدهد؛ حتی در هنگام عدم موفقیت تحصیلی. اگر دانشآموز در درس خود موفق شده است، توسط افراد حاضر در اجتماعات مربوط به او، از جمله مدرسه و خانه، دیده شود، مورد تشویق قرار گیرد و عملکرد او بازخورد مثبتی داشته باشد تا نسبت به ادامه وضعیت مطلوب خود ساعی باشد؛ اگر هم به موفقیت نرسیده است، در مورد عوامل این نرسیدن از او سؤال شود، ولی نباید با او برخورد منفی داشته باشند و به هیچوجه رها نگردد.

جامعه منفی برای دانشآموز، جامعهای است که در آن رها شده باشد؛ یعنی چه درس بخواند، چه نخواند، جامعه هیچ بازخوردی به او نمیدهد.

جامعه منفی برای دانشآموز، جامعهای است که در آن رها شده باشد؛ یعنی چه درس بخواند، چه نخواند، جامعه هیچ بازخوردی به او نمیدهد و بیتفاوت رفتار میکند. حتی اگر دانش آموز موفق نشود، پدر، مادر و یا مدرسه باید از او سؤال بپرسند که چرا چنین نتیجه ای را گرفته است؟ شاید اصلاً خود آنها مقصر این نتیجه باشند!

پس فضای اجتماعی بر شخص بسیار تأثیرگذار است؛ لذا اجتماعاتی که در خصوص فضای درسی دانشآموز مسئولانه عمل میکنند، حتی اگر در برخی شرایط کار خاصی از دست شان برنیاید، باز هم موفق هستند.

یعنی دانش آموز احساس میکند در اجتماعی مشغول زندگی است که برای افراد آن اجتماع حائز اهمیت است؛ زیرا به خود میگوید: "اگر من مهم نبودم،

بابت کسب نتایـج منفی در درس از من سؤال نمیکردنـد." این شـرایط حس بهتری را به دانشآموز منتقل میکنـد تا دانشآموزی که احساس میکند نتایج مثبت یا منفی او در امور درسی برای اجتماع مرتبط با او هیچ اهمیتی ندارد.

مسائل مالی

در بین عوامـل بیرونی تأثیرگـذار بر رونـد موفقیت تحصـیلی دانشـآموزان، مسـئله مـالی در دو موقعیت ظاهر شـده و جلوه پیـدا میکند.

ابتـدا در دوره دبسـتان این مسـئله مطرح میشود و آن هنگـامی است که خوب درس خوانـدن برای بچه ها مساوی با رسـیدن به مشاغل پولساز مثل پزشکی تعریف میشود.

در سالهای دوم و سوم ابتدایی از آنجایی که آنها بهدنبال قدرتنمایی هستند، درس خواندن بهعنوان عاملی برای رسیدن به پول و قدرت به بچهها نشان داده میشود.

بنابراین در این مقطع، شبیه سازی در ذهن بچه ایجاد می شود که خوب درس خوانـدن، مساوی با پول و رفاه است؛ اما به مرور که با فضای اجتماع آشـنا میشونـد، درمییابند که لزوماً اینگونه نیست و اشـخاص زیادی بودهاند که در گذشـته درس نخوانده، اما وضعیت مالی خوبی داشته اند.

مقطع بعدی که بحث مالی برای دانشآموز بیشتر جلوه میکند، در دوره دبیرستان است که بچه ها با افراد بالادستی و متخصصین آشـنا میشونـد و میتواننـد مراودهـای معقول با آنها برقرار نماینـد؛ در واقع بیشتر از اینکه جنبه عاطفی داشـته باشـد، جنبه معقول بودن دارد. در این دوره و بـا توجه به این روابـط پی میبرنـد که تخصـص در رشـتههای درسـی، رابطه معناداری با مسائل مالی دارد؛ در این دو دوره بچهها با تأثیر مسائل مالی در موفقیت تحصیلی آشنا میشوند.

بنابراین طرح مسائل مالی بیشتر در پایه های دوم و سوم دبیرستان برای

دانش آموزان به صورت جدی مطرح خواهد بود.

لذا موضوعیت مسائل مالی، عامل تأثیرگذار بر روند موفقیت تحصیلی او خواهد بود؛ یعنی اگر بُعد مالی ادامه تحصیل برای دانشآموز فرض قرار گیرد، انگیزهای میشود تا او خود را در امور درسی توانمندتر بیابد و انگیزهای میشود تا دانشآموز به امور درسی خود رسیدگی نماید.

اگر بُعد مالی ادامه تحصیل برای دانشآموز فرض قرار گیرد، انگیزهای میشود تا او خود را در امور درسی توانمندتر بیابد.

در این بخش، درآمد خانواده نیز بهعنوان عاملی تأثیرگذار مطرح میشود؛ در اصل درآمد خانواده در رسیدن فرزندان به موفقیت تحصیلی تأثیر مثبت دارد و فرض اولیه بچه در مورد درآمد خانواده ممکن است این باشد، که والدین او افراد تحصیلکردهای هستند و درآمد خوبی دارند، پس ایشان نیز اگر در انجام امور درسی موفق باشد، میتواند درآمد خوبی کسب نماید.

البته او میتواند نظر دیگری هم داشته باشد و با خود فکر کند که بهغیر از درس خواندن، راههای دیگری نیز برای کسب درآمد زیاد وجود دارد. اما پیروی فرزند از فرض اول، محتملتر است؛ زیرا چنین شرایطی را در پیرامون خود مشاهده مینماید و این مشاهده موفقیت، بهترین نوع اثرگذاری در رابطه والد و فرزند با قوت بیشتری میتواند او را پیش ببرد.

موقعیت دیگر همین فرض این است که فرزند میتواند به درآمد خانواده نظر داشته باشد و با توجه به بحثها و صحبتهایی که در خانواده میشود، به این نتیجه برسد که اگر والدین من از تحصیلات بهتری برخوردار بودند، ما امروز در مسائل مالی موفقتر بودیم. پس تلاش مینماید در امور درسی موفق شود تا به شرایط مالی بهتری دست پیدا کند.

ص: ۱۴۶

خانواده اولین بنای تکوین رشد فردی و شخصیت را در انسان فراهم میسازد. کودک در خانواده زبان میآموزد، ارزشهای اخلاقی را کسب مینماید، روابط اجتماعی با دیگران را میآموزد و اصول و قواعد اخلاقی را یاد میگیرد.

والدین اولین معلمان کودکان هستند و از اینرو، مستقیماً تحتتأثیر ویژگیهای والدین در منزل قرار دارند. فرزندان چگونگی فرآیند تعیین هدف، برنامهریزی، نظارت و کنترل را ابتدا در خانواده و از مشاهده الگوها میآموزند.

والدین اولین معلمان کودکان هستند و از اینرو، مستقیماً تحتتأثیر ویژگیهای والدین در منزل قرار دارند.

والدین باید بدانند محیط غمآلود، اختلاف، بگو مگو و حتی سکوت ناشی از قهر، برای کودکان، مخصوصاً نوجوانان، دردآور و خرد کننده است و نتایج اسفباری بهدنبال دارد و در وضع تحصیل آنها نیز بهصورت نامطلوبی مؤثر واقع میگردد. البته منکر وجود مشکلات گوناگون در زندگی نیستیم، بلکه منظور ما این است که باید با مشکلات روبهرو شد و آنها را حل کرد، نه اینکه فضای خانه و بهداشت روانی خانواده را با مشکل روبهرو نماییم.

لذا بدبینی، کم حوصلگی و بیمحبتی، مانع حل مشکل میشود؛ تفکر، در زیر سایه عواطف عالی انسانی، مشکلگشا است و مشاوره در مواقع لازم نیز میتواند بسیار مؤثر باشد.

مثال:

به این مورد توجه کنید؛

خانمی جهت مشاوره درباره دختر هفده ساله اش به مشاور مراجعه می نماید.

ص: ۱۴۷

او اظهار میدارد که دختر او استعداد خوبی برای درسخواندن دارد. سالهای پیش با معدل خیلی خوب به کلاس بالاتر میرفت؛ ولی مدتی است به تحصیل بیعلاقه شده، تقریباً کتابهای خود را کنار گذاشته و فقط به مدرسه میرود. در محیط خانه نیز غالباً گوشهنشین و ساکت است و مادر نمیداند که چرا دختر دچار این شرایط است.

بررسیهای مشاور مشخص میکند که علل اصلی تغییر احوال دخترخانم هفده ساله، مادر اوست! چرا که گاهی به طلاق میاندیشد و در مورد آن صحبت میکند! مادر از زندگی خود در مورد روابط خانوادگی، مخصوصاً خانواده شوهر، ناراضی است و دائم نق میزند. رفتار مادر و اعتراضهای همیشگی او سبب ناآرامی در بستر خانواده شده و تأثیرات اینچنینی بر اعضاء خانواده گذاشته است و روحیه دخترخانم را کاملاً آشفته نموده است.

متأسفانه در عمده رفتارهای ناراحت کننده کودکان، ردپایی جدی از والدین مشاهده میشود و این مورد یکی از چندین موارد است.

محبت و صمیمیت در خانواده بیتردید یکی از عوامل مؤثر شکوفایی استعدادهای فرزندان ما به شمار میآید. ترتیب دادن بازیها و تفریحات مناسب و متناسب و گردشهای بهموقع و ممکن، راهگشای فعالیتهای ثمربخش است. آماده کردن محیط درسی، برنامهریزی برای خواب، تغذیه، مطالعات مفید غیر درسی و استفاده از برنامههای تلویزیونی از راههای تربیت صحیح و پیشرفت درسی فرزندان ما است.

در بعضی مواقع، مشاهده میشود که ما والدین گاهی از فرزندان خود که در دورههای مختلف سنی مشغول به تحصیل هستند، بیش از حد معقول توقع داریم در کارهای جاری منزل به ما کمک نمایند. این نیز نتایج نامطلوبی دارد؛ در حالیکه حد معقول آن خوب و حقی ضروری است تا روحیه تعاون، تلاش و آمادگی برای زندگی را در آنها پرورش دهد.

محبت و صمیمیت در خانواده بیتردید یکی از عوامل مؤثر شکوفایی استعدادهای فرزندان ما به شمار می آید.

بر طبق بررسی های انجام شده از پرسشنامه های متعدد، نظرات دانش آموزان مبنی بر عوامل بروز ناهنجاری رفتاری و بی علاقگی به تحصیل آنها بهشرح ذیل عنوان گردیده است:

*برخورد بد اولیاء

*تنبیه بدنی توسط والدین

*سرزنش و سرکوب از طرف اولیاء

*ترس از پدر و مادر

*سختگیری بیش از حد والدین

*دعوا در خانواده

*عدم آرامش در خانواده

*خانوادههای پر جمعیت

*والدین معتاد

*طلاق و جدایی والدین

*فوت پدر و یا مادر

*بیکاری والدین

*بیتوجهی به فرزندان

*به تفریح نبردن فرزندان

*سفرهای طولانی پدر و مادر

*کمبود محبت

*حسرت خوردن و حسادت نسبت به برادر و خواهر

*اضطراب، انزوا و گوشه گیری

ص: ۱۴۹

*محبت زیاد والدین و لوس شدن فرزند

*بیسوادی والدین

*فقر، بدبختی و گرسنگی

*عقدههای دوران کودکی

*عدم جذابیت درسها

*عدم انگیزه و اشتیاق درس خواندن

*تنفر از درس و مدرسه

*تنبیه کردن توسط معلمان

*شوخی کردنهای نامتعارف معلمان با دانشآموزان

*غیبتهای مکرر

*استفاده بیش از حد از رایانه و بازیهای رایانهای

*مشکلات روحی و روانی والدین

*وضعیت مالی و اقتصادی بد خانواده

وسایل کمک آموزشی

هر وسیله، امکانات یا تجهیزاتی که یادگیری دانشآموز را آسانتر، ذخیره اطلاعاتی را قویتر و بازآفرینی اطلاعات او را بیشتر نماید، وسیله کمک آموزشی نام دارد. کتاب، جزوات آموزشی، معلم خصوصی، وسایلی که دانشآموزان در کلاس با آنها بازی میکنند، شعر، داستان و غیره از جمله وسایل کمک آموزشی محسوب میشوند؛ زیرا تمامی موارد نامبرده، میتوانند سه اتفاقی که در تعریف وسایل کمک آموزشی آورده شد را کم یا زیاد نمایند.

بنابراین وسیله کمک آموزشی لزوماً یک کتاب تمرین ریاضی در دوره دبیرستان برای کنکور نیست. یک توپ در کلاس اول دبستان برای نشان دادن گردی زمین، میتواند وسیله کمک آموزشی محسوب شود و همین توپ در

سال چهارم دبستان، تبدیل به سیب شود تا دانشآموز بداند کره زمین در قطبین تورفتگی دارد؛ پس به مقتضای بحث و موقعیت، وسیله کمک آموزشی کتاب، توپ یا سیب میتواند باشد.

وسیله کمک آموزشی جزء عواملی از یادگیری است که استفاده از آن محدودیت خاصی ندارد و یاددهنده میتواند از هر چیزی که جنبه آموزشی مثبت داشته باشد و بتواند به فهم بهتر مطلب کمک کند، بهعنوان وسیله کمک آموزشی استفاده نماید.

هرقدر که وسایل کمک آموزشی مورد استفاده در دوره دبستان به بازی نزدیکتر باشد، در فهم بهتر مطلب به دانشآموز، موفقتر عمل خواهد کرد؛ زیرا همانطور که قبلتر گفته شد، فضای حاکم در دوره دبستان، فضای بازی است. وسایلی مانند توپ، میوه، نقاشیها، ماکت جانوران، شعرهای ساده که نکات علمی در آن گنجانده میشود و کاردستیها، از جمله این وسایل هستند.

هرقدر که وسایل کمک آموزشی مورد استفاده در دوره دبستان به بازی نزدیکتر باشد، در فهم بهتر مطلب به دانشآموز، موفقتر عمل خواهد کرد.

مثلاً- یک پدر میتواند با درست کردن یک فرفره معمولی و چرخاندن آن بهوسیله فوت کردن، انرژی باد را کاملاً به فرزند خود آموزش دهد.

در دوره راهنمایی، از تصاویر، شبکه مسائل(۱) و اشکال استفاده میشود، که همه جنبه کمک آموزشی دارند. در دوره دبیرستان از انواع و اقسام شبکه مسائل و رنگهای مختلف، کتابهای کمک آموزشی، کتابهای شبیه سازی تمرین و سؤال استفاده میشود. حتی استفاده از معلمهای مختلف در یک درس، می تواند

۱- اینفوگرافی.

جنبه کمک آموزشی داشته باشد؛ زیرا میتوانند مطالب را با یکدیگر، هم پوشانی نمایند.

لازم به توضیح است که استفاده از وسیله کمک آموزشی همواره رایج بوده است؛ حتی توصیه دینی نیز در مورد آن وجود دارد. پیامبراکرم(صلیاللهعلیهوآلهوسلم) میفرمایند:

کونوا دُعاةَ النّاسِ بِغَیرِ ألسِنَتِکُم

مردم را به کارهای نیک دعوت کنید؛ به غیر از زبان.(۱)

از این فرمایش میتوان اینطور برداشت کرد که آموزش میتواند بهوسیله رفتار و عمل صورت گیرد.

مثال:

امام حسن و امام حسین(سلام الله علیهم) در روایت رایجی که قصد داشتند وضو گرفتن صحیح را به پیرمرد یاد دهند، از روشی نمایشگونه استفاده نمودند؛ یعنی میتوان اینگونه برداشت کرد که امام حسن و امام حسین(سلام الله علیهم) به تعبیری، تئاتری در مورد روش صحیح وضو گرفتن اجرا کردند تا آن پیرمرد وضو گرفتن صحیح را بدین طریق یاد بگیرد.

پس کاربرد وسایل کمک آموزشی در امر یاددهی و یادگیری بسیار رایج است و مبحثی است که استفاده از آن عقلی و پذیرفته شده است.

۱- بحارالانوار. ج۶۷. ص۳۰۹.

سخن پایانی

و اما سخن پایانی...

آنچه در این کتاب گفته شد، طرح مسائل اساسی و کاربردی بود تا والدین عزیز بتوانند نسبت به امور تحصیل فرزند خود دقیقتر عمل نمایند؛ بدیهی است بسیاری از عوامل و موضوعات دیگری نیز وجود دارد تا بتوانیم فرزند موفقی را در امور درسی داشته باشیم.

لیکن موضوعاتی که در بخشهای مختلف این کتاب عنوان گردید و به شرح آن پرداختیم، از نگاه اینجانب لازم و ضروریتر بهنظر آمد. باشد که با مطالعه مطالب کتاب حاضر، توانسته باشیم گامی در بهبود فرآیند درسی و موفقیت تحصیلی فرزندان این آب و خاک برداشته باشیم. (ان شاءالله)

ص: ۱۵۳

منابع

منابع:

۱. عراقی. اکرم. چرا کودکان ما به مطالعه علاقهمند نیستند؟

۲. بیگ زاده. فریده. چگونه علاقه به مطالعه را در کودکانمان بوجود آوریم؟. مجله پیوند. خرداد ۸۱. شماره ۲۷۲.

ص: ۱۵۴

یادداشت

ص: ۱۵۵

یادداشت

ص: ۱۵۶

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net

